KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY
@KayhanLife
@kayhanlife
@KayhanLife
https://kayhanlife.com/newsletters-subscription

(۱۸ صفحه)
Page 1

کیهان

سال سی و ششم ـ شماره ۱۷۲۵ (شمارهٔ ۲۵۹ از دورهٔ جدید)
جمعه ۱۲ تا پنجشنبه ۱۸ اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۹خورشیدی

بنیانگذار:
دکترمصطفی
مصباح زاده

کیهانِ شما ، کیهانِ لندن
@KayhanLondon
@kayhanlondon
@kayhanlondon
https://t.me/kayhan_london

تلاش آمریکا برای افزایش «حداکثرترین» فشارها

● در حالی که تحریم تسلیحاتی بین‌المللی جمهوری اسلامی پاییز ۲۰۲۰ به پایان می‌رسد، آمریکا سرگرم گفتگو با کشورهای عضو شورای امنیت سازمان ملل برای تمدید آن است.

تفسیر سیاسی هفته را در صفحهٔ ۲ بخوانید

سرمقاله

حزب‌الله در قلب اروپا چه می‌کند؟!

دین و اعتقادات آیینی و مذهبی یک موضوع خصوصی است. این واقعیت و اصلی است که اگر در جوامع جا بیفتد می‌تواند از ظرفیت درگیری، خشونت و برتری‌جویی که در برخی پیروان مذاهب مختلف وجود دارد، بکاهد. همچنین اصل خصوصی بودن دین، جای فعالیت سیاسی و اقتصادی پیروان ادیان را در عرصه‌ی اجتماعی باز می‌کند. این اصل با به رسمیت شناختن دین به عنوان یک حق شهروندی، بستر همزیستی انسان‌ها را در یک ساختار سیاسی عرفی و سکولار فراهم می‌آورد.

این نکته‌ی مهمی است که پیروان سیاست‌زده‌ی فرقه‌های مختلف اسلامی سرانجام باید دریابند اگر که واقعا به بهشت خودشان در آن دنیایی که وعده‌اش را می‌دهند، باور دارند: مگر نه اینکه قرار است اجر خود را در آن دنیا از کار و عملکرد خویش در این دنیا بگیرند؟! کدام «خدا» به عاملان القاعده و طالبان و بوکوحرام و داعش و جهاد اسلامی و حماس و حوثی و حزب‌الله و جمهوری اسلامی و همه شبه‌نظامیان نیابتی‌اش به خاطر نابودی آدم‌ها و به فلاکت نشاندن مردم و ویرانی کشورها، در آن دنیا «اجر» می‌دهد؟! اگر کسانی به چنین خدایی باور دارند، بهتر است در این «خدا» و در «خود» بازنگری کنند!

از همین روست که «دکانداران دین» شاید گویاترین اصطلاحی باشد که با آن می‌توان دم و دستگاه ادیان را که معلوم نیست سردمدارانشان به چه دلیل «خود» را واسطه‌ی بین «خدا» و «مردم» می‌پندارند، توضیح داد. حالا اگر این دکانداران ادعای سیاست و حکومت بر همه چیز و همه کس نیز داشته باشند، می‌شود همین فاجعه‌ی جمهوری اسلامی که از سال ۱۳۵۷ به اینسو خواب خوش را از چشم ایرانیان و مردم منطقه و جهان ربوده است. «جهاد»، «حجاب»، «حرام»، «حلال»، «شریعت»، «فتوا»، «روز قدس»، «تروریسم اسلامی» و این چیزها، «دستاورد»هایی است که با وقوع سانحه انقلاب اسلامی در ایران به فرهنگ و سیاست جهان افزوده شده است!

در این میان، اسلامیست‌ها نه تنها اجازه‌ی هیچگونه تبلیغ و ترویج و امکاناتی به مذاهب دیگر نمی‌دهند بلکه دگراندیشان را نیز مورد آزار قرار داده و از سرزمین‌های خود می‌رانند. اما همین اسلامیست‌ها خود را برحق می‌دانند که در کشورهای آزاد غرب از تمامی امکانات برای تبلیغ و ترویج فرقه‌ی خود برخوردار باشند تا از یکسو به انواع تباهکاری برای تأمین و گسترش هم‌فرقه‌ای‌های خود بپردازند و هم در بلندمدت زیرآب دمکراسی و جوامع باز را بزنند! از این نظر، ممنوع کردن گروه عقیدتی- تروریستی «حزب‌الله» در آلمان و تروریستی شمردن آن یک گام مهم، هرچند دیرهنگام، در مهار گسترش اسلامگرایی و اسلام سیاسی در اروپا به شمار می‌رود. آنها که در تمام سال‌های گذشته در چنین روزهایی در ماه رمضان خود را آماده می‌کردند تا با پوستر مرتجعان جنایتکاری چون خمینی و خامنه‌ای و شیخ نصرالله و امثالهم در خیابان‌های برلین «روز قدس» را رژه بروند و شعار علیه آمریکا و اسرائیل سر بدهند، امسال حق ندارند از آزادی ارتجاع علیه آزادی جوامع باز استفاده کنند. کنترل و محدودیت و ممنوعیت اسلامیست‌ها و هر عقیده‌ی افراطی چپ و راست و مذهبی دیگری، اقدامی‌ست که کشورهای آزاد جهان برای حفظ دموکراسی و حقوق بشر موظف به انجام آن هستند. همان حساسیتی که درباره راست افراطی وجود دارد می‌بایست شامل چپ افراطی و مذهبیون افراطی نیز بشود.

نامه بازیکنان «استقلال» به وزیر ورزش:

مدیران «استقلال» بی‌کفایت و عوام‌فریب‌اند

****

دادکان:

فساد جامعه ما را فرا گرفته، فوتبال هم بخشی از آن است

****

نماینده فیفا:

پیگیر حضور بیشتر بانوان برای تماشای مسابقات در ورزشگاه‌های ایران هستیم

در صفحه ۱۰

شما نَزَده می‌رقصید، آقای ریبِنتروپ!

در صفحه ۱۸

گفتگو با یکی از اعضای کانون صنفی معلمان:

آموزگاران ایران در برابر تبعیضات حقوقی و فشارهای فرهنگی و امنیتی

در صفحه ۱۶

کارگران ایران ۴۰ سال بعد از استقرار حکومت «مستضعفان»:

فقر، تبعیض، زندان!

روز جهانی کارگر اول ماه مه برابر با ۱۲ اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۹ امسال در حالی از سوی کارگران گرامی داشته شد که جهان همچنان درگیر با ویروس کُرونا است؛ اقتصاد بسیاری از کشورهای جهان متأثر از شیوع کووید۱۹ در رکود فرو رفته و بخش‌های مختلف صنعتی، تولیدی و خدماتی با هفته‌ها تعطیلی روبرو بوده و هستند.

در صفحه ۲

در صفحه ۶

وبسایت کیهان لندن به زبان انگلیسی
KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY
www.kayhanlife.com

درگذشت

با تأسف و تأثر بسیار درگذشت مادر عزیزمان

بانو مهری پورطبیب

همسر **دکتر نصرالله سبزواری** را در تاریخ ۲۸ آوریل ۲۰۲۰ در انگلستان به اطلاع می‌رساند. وی که سال‌ها در این کشور اقامت داشت، پس از یک بیماری کوتاه مدت در سن ۸۹ سالگی چشم از جهان فرو بست.

مراسم دفن مادر مهربانمان روز چهارشنبه ساعت یازده و سی دقیقه به وقت انگلستان انجام خواهد شد.

از دعاگویان التماس دعا داریم.

مهرزاد سبزواری و خانواده

کیهان درگذشت این بانوی میهن دوست را به **آقای سبزواری**، خانواده و دیگر بازماندگان تسلیت می‌گوید.

تلاش آمریکا برای افزایش «حداکثر ترین» فشارها

● در حالی که تحریم تسلیحاتی بین‌المللی جمهوری اسلامی پاییز ۲۰۲۰ به پایان می‌رسد، آمریکا سرگرم گفتگو با کشورهای عضو شورای امنیت سازمان ملل برای تمدید آن است.

۱۸ اکتبر ۲۰۲۰ تحریم تسلیحاتی جمهوری اسلامی پایان خواهند یافت. مدت این تحریم، بر پایه توافق هسته‌ای سال ۲۰۱۵، پنج سال تعیین شده بود. آیالات متحده آمریکا که در هشتم ماه مه سال ۲۰۱۸ میلادی از برجام خارج شد، بر لزوم تمدید این تحریم‌ها اصرار دارد و دستیابی جمهوری اسلامی به سلاح‌های جدید را تهدیدی جدی برای امنیت منطقه و جهان به حساب می‌آورد. نمایندگی آمریکا در سازمان ملل متحد، در روزهای گذشته پیش‌نویس قطعنامه جدیدی را برای منع فروش تسلیحات به جمهوری اسلامی در اختیار برخی از اعضای شورای امنیت قرار داده است. برای تصویب این قطعنامه و تمدید محرومیت جمهوری اسلامی از دستیابی به تسلیحات، آمریکا به رای موافق ۹ کشور نیاز دارد. تا کنون تنها روسیه رسما اعلام کرده است که از این قطعنامه حمایت نخواهد کرد و در انتظار پایان مهلت تحریک‌های تسلیحاتی در ماه اکتبر آینده است تا فروش تجهیزات نظامی به جمهوری اسلامی را از سر گیرد. میخائیل اولیانوف دیپلمات روس می‌گوید: «آمریکا از مخالفت ما با خبر است و بنابراین از هم‌اکنون در جستجوی راه حل‌های دیگری برای ادامه تحریم تسلیحاتی ایران است.» چین اگرچه هنوز موضعی رسمی اتخاذ و اعلام نکرده، ولی به گفته برخی از دیپلمات‌های اروپایی از چنین قطعنامه‌ای پشتیبانی نخواهد کرد.

اروپا، همراه خجالتی آمریکا

اروپا نیز اگرچه بطور رسمی موضعی نگرفته ولی بسیار بعید به نظر می‌رسد که با تمدید تحریم تسلیحاتی جمهوری اسلامی مخالفت کند. در ماه‌ها و حتا روزهای گذشته سه کشور اروپایی عضو برجام (بریتانیا، فرانسه و آلمان) بارها نگرانی خود از برنامه‌های موشکی جمهوری اسلامی اعلام کرده و این فعالیت‌ها را مغایر با قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت که در سال ۲۰۱۵ پس از امضای برجام به تصویب رسید می‌دانند. در این مصوبه‌ی شورای امنیت از جمهوری اسلامی خواسته می‌شود ار هرگونه آزمایش موشک‌های بالستیک با قابلیت حمل کلاهک هسته‌ای خودداری کند.

آمریکا ولی همچنان امیدوار است که بتواند روسیه و چین را مجاب به تمدید قطعنامه منع فروش تسلیحات به جمهوری اسلامی کند. برایان هوک مسئول گروه ویژه ایران در وزارت خارجه آمریکا، در گفتگویی با خبرگزاری رویتر در روز پنجشنبه گذشته گفت: «منافع چین و روسیه در خاورمیانه با صلح و ثبات در این منطقه گره خورده است و می‌دانند که فرقه‌گرایی و سیاست‌های خشونت‌آمیز جمهوری اسلامی دلیل اصلی بی ثباتی در منطقه است.» برایان هوک در ادامه همین گفتگو می‌افزاید «تمرکز ما بر دیپلماسی هوشمند و سنجیده با همه طرف‌های درگیر است تا بتوانیم با دستیابی به یک توافق تحریم‌های تسلیحاتی را تمدید کنیم.» برای عباس عراقچی معاون وزارت خارجه جمهوری اسلامی، تمدید تحریم‌های تسلیحاتی «خط قرمز» است و در صورت بازگشت آنها «جمهوری اسلامی در رویکرد هسته‌ای خود تجدید نظر خواهد کرد.» همصدایی «دموکرات‌ها» و «جمهوریخواهان»

نوربرت روتگن رئیس کمیسیون سیاست خارجی پارلمان آلمان در گفتگویی با روزنامه «دی ولت» می‌گوید «هدف از توافق هسته‌ای بازداشتن جمهوری اسلامی از دستیابی به سلاح هسته‌ای بود.» این سیاستمدار آلمانی معتقد است «پس از خروج آمریکا جمهوری اسلامی دقیقا تهدیدهای سابق را از سر گرفت» و بنابراین باید به توافق جدیدی با این کشور دست یافت که «امنیت منطقه را نیز در بر بگیرد.» مقامات جمهوری اسلامی اگرچه مذاکرات مجدد در رابطه با برنامه هسته‌ای خود را «غیرممکن» می‌خوانند، ولی از سوی دیگر تاکید می‌کنند که مذاکرات مجدد تنها در صورتی امکانپذیر است که آمریکا تحریم‌های جدید خود را که از نوامبر ۲۰۱۸ تشدید شده است لغو کند. آمریکا نیز به نوبه خود لغو تحریم‌ها را مشروط به تغییر رفتار جمهوری اسلامی می‌کند.

در این میان، در حالی که جمهوری اسلامی دل به سیاست‌های نرم «دموکرات‌ها» بسته است، ۳۸۲ از ۴۲۹ نماینده مجلس آمریکا، که دموکرات‌های اکثریت آن را به دست دارند، در نامه‌ای خطاب به مایک پمپئو وزیر خارجه ایالات متحده می‌نویسند فعالیت‌های دیپلماتیک در سازمان ملل برای تمدید تحریم‌های تسلیحاتی جمهوری اسلامی باید شدت گیرد. در شرایط سیاسی کنونی آمریکا، که دو حزب دمکرات و جمهوریخواه در رقابت انتخاباتی هستند، این نامه که نمایندگان هر دو تشکل سیاسی امضای خود را زیر پای آن گذاشته‌اند، دارای اهمیت بسیار است و نشان از نگرانی مشترک آنها از سیاست‌های تسلیحاتی جمهوری اسلامی دارد. نمایندگان در این نامه ابراز نگرانی می‌کنند که انقضای ممنوعیت فروش سلاح به جمهوری اسلامی ایران ممکن است باعث شود که کشورهای بیشتری وارد تجارت اسلحه با جمهوری اسلامی شوند.

اگر آمریکا نتواند موافقت روسیه و چین را برای تمدید تحریم تسلیحاتی جمهوری اسلامی به دست آورد، راه دومی هم که مایک پمپئو سربسته به آن اشاره کرده می‌تواند بازگشت این کشور به توافق هسته‌ای برجام باشد اگرچه وی این بازگشت را محتمل ندانسته است. یک دیپلمات نمایندگی ایتالیا در سازمان ملل متحد به کیهان لندن می‌گوید :«اگر تلاش‌های آمریکا برای جلب توافق چین و روسیه برای تمدید این تحریم‌ها به نتیجه نرسد، این کشور تلاش خواهد کرد تمامی تحریم‌هایی که قبل از امضای برجام به تصویب رسیده بودند بازگردانده شوند. این ساز و کار در توافق هسته‌ای سال ۲۰۱۵ پیش‌بینی شده ولی پرسش حقوقی مهم در این ارتباط این است که آیا کشوری که از توافق خارج شده می‌تواند هنور نقش ناظر بر آن را ایفا کند یا نه؟» این دیپلمات ایتالیایی همچنین به تلاش‌های فرانسه و بریتانیا برای تهیه پیش‌نویس قطعنامه دیگری جهت تمدید تحریم‌های تسلیحاتی می‌کند بطوری که بتواند رای موافق چین و روسیه را نیز به دست آورد. طرحی که به گفته این دیپلمات اروپایی می‌تواند در ازای تمدید تحریم تسلیحاتی، برای برخی از کشورها معافیت همکاری با برنامه‌های هسته‌ای غیرنظامی جمهوری اسلامی را در نظر گیرد.

بازگشت به برجام؟

اروپا سال گذشته پس از واکنش جمهوری اسلامی به خروج آمریکا از برجام و بازگشت تحریم‌ها و به تعلیق در آوردن بسیاری از تعهدات هسته‌ای خود، تهران را تهدید به فعال نمودن آنچه به «مکانیسم ماشه» شهرت یافته است کرده بود. طبق بندهای ۳۶ و ۳۷ برجام در صورت نقض مفاد آن از سوی یکی از طرفین، بررسی شکایت در کمیسیون کارشناسی آغاز و در صورت عدم حل اختلاف به نشست وزرای خارجه فرستاده خواهد شد. اگر در این نشست هم طرفین به توافق نرسند، پرونده به شورای امنیت ارجاع خواهد شد. در این مرحله اگر لایحه ادامه قطع تحریم‌ها رای نیاورد و با وتوی یکی از اعضای دائمی مواجه شود، آن زمان تا دستیابی به یک توافق جدید، همه تحریم‌ها و مصوبات قبلی به صورت خودکار باز خواهند گشت.

حال اینکه چگونه آمریکا در نظر دارد از نظر حقوقی یکی از طرفین برجام به شمار رود تا بتواند برای تمدید تحریم تسلیحاتی تلاش کند و با کدام اهداف تبلیغاتی این موضوع را مطرح ساخته است، پرسشی است که در مقطع کنونی مقامات واشنگتن قصد پاسخ دادن به آن را ندارند. برخی معتقدند که هدف اصلی مطرح ساختن «بازگشت به برجام» صرفا تبلیغاتی است و منظور افزودن فشارها بر جمهوری اسلامی است چرا که با انداختن توپ به زمین تهران، واشنگتن می‌تواند با خروج رژیم ایران از برجام، که خواست برخی نیروها در جمهوری اسلامی نیز هست، با بازگشت کامل تحریم‌ها به نتیجه دلخواه خود برسد. برخی دیگر نظر متفاوتی دارند و معتقدند با بازگشت آمریکا به برجام، دونالد ترامپ که همیشه خواهان مذاکره با جمهوری اسلامی بوده و بارها بر آن تاکیده کرده است، راهی «آبرومندانه» را برای بازگشت زمامداران ایران به میز مذاکره و دستیابی به یک توافق جدید باز کند. اگرچه کشاندن جمهوری اسلامی به پای میز مذاکره و دستیابی به توافق جدیدی بین تهران و واشنگتن، به ویژه اگر در آستانه انتخابات ریاست جمهوری آینده آمریکا در ماه نوامبر امکانپذیر شود، احتمالا راه را برای پیروزی حتمی دونالد ترامپ باز می‌کند، ولی این موضوع برای مردم ایران خبر خوشی نخواهد بود زیرا در چنین حالتی چند سالی بر عمر جمهوری اسلامی که هرگز تا این حد ضعیف و مستأصل نبوده است، افزوده خواهد شد.

احمد رأفت

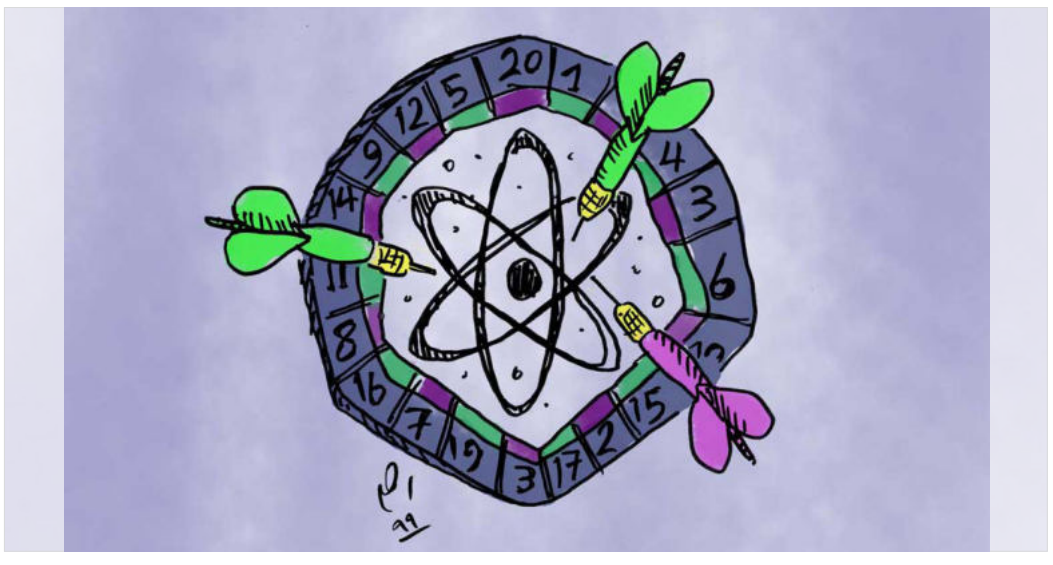

کارگران ایران ۴۰ سال بعد از استقرار حکومت «مستضعفان»:

فقر، تبعیض، زندان!

روز جهانی کارگر اول ماه مه برابر با ۱۲ اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۹ امسال در حالی از سوی کارگران گرامی داشته شد که جهان همچنان درگیر با ویروس کُرونا است؛ اقتصاد بسیاری از کشورهای جهان متأثر از شیوع کووید۱۹ در رکود فرو رفته و بخش‌های مختلف صنعتی، تولیدی و خدماتی با هفته‌ها تعطیلی روبرو بوده و هستند.

در این میان، کارگران از نخستین قربانیان رکود اقتصادی به شمار می‌روند؛ صاحبان مشاغل و مدیران بنگاه‌های اقتصادی برای جلوگیری از ورشکستگی ناچارند ماه‌های آینده هزینه‌های جاری خود را به شدت مدیریت کرده و کاهش دهند و در این میان اخراج کارگران از جمله اصلی‌ترین راهکار آنهاست.

بر اساس آمارهای بین‌المللی ویروس کُرونا تا کنون ۲.۷ میلیارد نیروی کار را تحت تأثیر قرار داده که برابر با ۸۱ درصد از نیروی کار جهان است.

کارگران در ایران این روزها نه تنها هزینه‌های سنگین اثرات اقتصادی کُرونا را به دوش می‌کشند بلکه در کشوری که سران انقلابی آن قرار بود وضعیت فرودستان را بهبود بخشند، میلیون-میلیون به زیر خط فقر سقوط می‌کنند. همچنین نگاهی آماری به وضعیت کارگران از اردیبهشت ۹۸ تا اردیبهشت ۹۹ نشان می‌دهد طی یک سال گذشته در مجموع ۱۴۷۹ کارگر به دلیل حوادث کار جان باختند، ۲۲ هزار و ۲۴۵ نفر دچار سانحه هنگام کار شدند. همچنین دست‌کم ۶۱۰ هزار و ۱۳ کارگر در مجموع با ۱۷۴۴ماه معوقات دستمزد روبرو هستند. معوقات مزدی و احراج کارگران موجب شد در طی سال گذشته حداقل ۳۵۷ مورد تحصن و تجمع کارگری برگزار شود و ۱۲۳ کارگر معترض نیز بازداشت و محاکمه شده‌اند.

سقوط به زیر خط فقر با کُرونا و دستمزد ناچیز

شیوع کُرونا، هزینه‌های شب عید نوروز در ایران، ماه‌های متوالی حقوق معوقه و دریافت نکردن مزایای شغلی، در حالی قشر کارگر در ایران را زیر فشارهای کمرشکن قرار داده که کمیته دستمزد شورای عالی کار نیز با وجود تورم ۴۱درصدی حداقل دستمزد برای سال ۱۳۹۹ را تنها ۱۵درصد افزایش داده است.

در حالی که پایه حقوق کارگران یک میلیون و ۸۳۵ هزار تومان تعیین شده، اگر آنها همه مزایا مانند حق مسکن را دریافت کنند تازه این درآمد ماهانه تنها به حدود دو میلیون تومان خواهد رسید.

این در حالیست که هزینه‌های ضروری یک خانوار سه تا چهارنفره در برآوردهای مختلف بین ۶ تا ۹ میلیون تومان در ماه تخمین زده شده است. این ارقام نشان می‌دهد حقوق کارگران در بهترین حالت کمتر از یک سوم هزینه‌ی زندگی ماهانه آنها را پوشش می‌دهد.

این دستمزد که توسط کمیته فرمایشی وابسته به حکومت و با حضور نمایندگان کارگری، نمایندگان کارفرماها و نمایندگان دولت تعیین شده، همچنان با گذشت یک ماه پس از تصویب، مورد اعتراض جامعه کارگری است.

نمایندگان کارگری در کمیته دستمزد می‌گویند صورتجلسه مصوبه این مبلغ به عنوان دستمزد سال جاری را امضا نکرده‌اند؛ در مقابل فعالان کارگری می‌گویند این افراد نمایندگان واقعی کارگران نیستند و هیچ اقدامی جهت انتخاب این افراد از سوی کارگران یا سندیکاهای کارگری صورت نگرفته است.

بخشی از نمایندگان کارگری از شورای عالی کار نزد دیوان عدالت اداری شکایت کردند و از سیدابراهیم رئیسی رئیس قوه قضاییه خواستند رسیدگی کند. ابراهیم رئیسی نیز در دستور ویژه‌ای به سازمان بازرسی کل کشور، این سازمان را مسئول پیگیری تخلف احتمالی در تعیین حداقل دستمزد کرده است.

با اینهمه، مصوبه کمیته دستمزد شورای عالی کار از سوی محمد شریعتمداری وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی برای اجرا به وزارتخانه‌ها و سازمان‌های مختلف در کشور ابلاغ شده و به این ترتیب کارفرمایان رقم ناچیز تعیین شده را به عنوان معیار پرداخت حقوق به کار گرفته‌اند.

نمایندگان کارگری معتقدند از یکسو بر اساس قانون می‌بایست مبلغ حداقل دستمزد بر اساس و همسان با میزان نرخ تورم در کشور تعیین شود و از سوی دیگر دستور وزیر کار برای اجرای این مصوبه در حالی که نمایندگان کارگری آن را امضا نکرده‌اند اقدامی غیرقانونی است.

مصائب کارگر بودن در ایران

جدا از مسئله مهم حداقل دستمزد، کارگران در ایران از مشکلات دیگری نیز رنج می‌برند. یکی از اصلی‌ترین مشکل جامعه کارگری در ایران قراردادهای کار است؛ موضوعی که جمهوری اسلامی نیز به شکل هدفمندی نسبت به آن بی‌تفاوت است تا امنیت شغلی و درآمدی میلیون‌ها حقوق‌بگیر و به ویژه کارگران همواره در تزلزل باشد.

بسیاری از کارفرمایان کارگران را با قراردادهای موقت و حتی سفیدامضا به کار می‌گیرند؛ جدا از آنکه کارگری که با این نوع قراردادها شاغل شده مشمول همه مزایای شغلی و قوانین استخدامی نمی‌شود و شرایط شغلی و مبلغ دریافتی او به سلیقه کارفرما بستگی دارد بلکه در صورت اخراج نیز به دلیل در دست نداشتن قرارداد رسمی، مشمول بیمه بیکاری نمی‌شود. این روند از جنبه‌های دیگری نیز برای کارگران دردسر ساز است؛ برای مثال اگر کارگری با چنین قراردادی در محیط کار دچار آسیب شود و کارفرما از پرداخت هزینه و بیمه از کار افتادگی و خسارت به او خودداری کند، نمی‌تواند از کارفرما شکایت کند. هولناک آنکه به گفته فعالان کارگری ۹۶ درصد از قراردادهای کارگران موقت و سفیدامضا است. کارگران برای نجات از بیکاری و بی‌پولی حاضر می‌شوند با هر قید و شرطی با قراردادهای موقت یا سفیدامضا موافقت کنند.

حالا در کنار این مصائب موج اخراج کارگران از اواخر اسفندماه و دو سه هفته پس از شیوع کُرونا آغاز شده و هر چه می‌گذرد افزایش می‌یابد. خانوارهای کارگری و حداقل‌بگیر که نیمی از جمعیت ایران را تشکیل می‌دهند با این کُرونا و اخراج دچار مشکلات مضاعف شده‌اند.

در چنین روزهایی که کارگران بیش از همیشه نیازمند حمایت هستند، دولت تنها به شعارهای پوچ مشغول است. در نبود نهادهای صنفی و سندیکاهای مستقل کارگری که توسط جمهوری اسلامی تار و مار شده‌اند، مسئولان نهادهای فرمایشی صنفی کارگری مانند «خانه کارگر» نیز که هرگز مستقل نبوده، و همچنین «شوراهای اسلامی کار» نیز تنها به شعارهای دلخوش‌کن مشغول هستند و در عمل هیچ اقدام موثری برای بهبود وضعیت کارگران انجام نمی‌دهند.

زنان کارگر، تبعیض مضاعف

در این میان وضعیت زنان کارگر سخت‌تر و دشوارتر از مردان است؛ بسیاری از کارفرمایان استخدام مردان را در اولویت قرار داده و همچنین هنگام اخراج نیز همواره کارگران زن در اولویت قرار می‌گیرند!

زنان کارگر که بسیاری از آنها سرپرست خانوار هستند نه تنها فرصت‌های برابر با مردان جهت استخدام ندارند بلکه در دریافت حقوق و مزایا نیز غالبا کمتر از مردان دریافت می‌کنند.

شرایط کُرونا اکنون زنان کارگر را با مشکلات بیشتری روبرو کرده است بطوری که به گزارش سازمان جهانی کار، کووید۱۹، زنان و دخترانی را که عموما درآمد و پس‌انداز کمتر و امنیت شغلی پایین‌تری دارند، از نظر اقتصادی به شدت دچار مشکل کرده است.

همچنین بر اساس این گزارش با توجه به اینکه زنان بطور کلی دسترسی محدودتری به حمایت‌های اجتماعی دارند و همچنین درصد بالایی از خانواده‌های تک‌سرپرست را زنان تشکیل می‌دهند توانایی آنها برای گذر از بحران‌های اقتصادی ضعیف‌تر است. سازمان جهانی کار افزوده که زنان در کشورهای در حال توسعه در وضعیت بدتری قرار دارند زیرا حدود ۷۰ درصد از زنان شاغل در بازارهای غیررسمی فعال هستند و حمایت‌های مالی و اقتصادی کمتری دارند و اجازه مرخصی نیز ندارند. مشاغل زنان در این کشورها بیشتر به فضای عمومی و روابطی بستگی دارد که در حال حاضر به شدت تحت تاثیر بیماری کووید۱۹ ضربه خورده است.

این در حالیست که در شرایط عادی نیز زنان همواره از وضعیت نامطلوبی در حوزه اشتغال روبرو بوده‌اند. بر اساس گزارش‌های مرکز آمار ایران و وزارت تعاون، کار و امور اجتماعی در بهار سال ۹۸ تعداد شاغلان مرد ۱۹ میلیون و ۹۱۹ هزار و ۸۸۵ نفر و در مقابل تعداد شاغلان زن تنها چهار میلیون و ۴۶۲ هزار و ۸۵۸ نفر بوده است. درواقع با وجود آمار بالای تحصیلات زنان و مردان در ایران، مردان ۱۶ برابر زنان اشتغال رسمی دارند.

در کل آندسته از زنان و مردانی هم که اشتغال غیررسمی دارند هیچیک از حمایت‌های دولتی در شرایط کُرونا برخوردار نیستند.

جمهوری اسلامی هیچ آمار رسمی و شفافی درباره اشتغال غیررسمی در کشور ارائه نمی‌دهد. با وجود این بر اساس گزارش‌های ارائه شده از شهرهای مختلف بسیاری از افراد بیکار و کارگران اخراج شده و حتی بازنشستگان برای تأمین هزینه‌های زندگی خود به مشاغل غیررسمی و حتی کاذب روی می‌آورند. دستفروشی و جمع‌آوری ضایعات از جمله این مشاغل است.

روشنک آسترکی

آلمان تمامی فعالیت‌های حزب‌الله را در خاک این کشور ممنوع کرد

مراسم عزاداری حزب‌اللهی‌ها درر برلین

● وزارت کشور آلمان فعالیت‌های حزب‌الله را ممنوع اعلام کرد.

● شاخه نظامی حزب‌الله از سال ۲۰۱۳ توسط اتحادیه اروپا در فهرست سازمان‌های تروریستی قرار گرفت.

● به گزارش رویترز، اسرائیل و ایالات متحده به آلمان فشار آوردند تا کل حزب‌الله را تروریستی اعلام کند.

● نیروهای پلیس آلمان به چند مسجد و مرکز به‌اصطلاح فرهنگی اسلامی در سه ایالت آلمان از جمله برلین و برمن یورش بردند.

وزارت کشور آلمان پنجشنبه ۳۰ آوریل (۱۱ اردیبهشت) تمامی فعالیت‌های «حزب‌الله» را در خاک این کشور ممنوع اعلام کرد.

رویترز با اعلام این خبر نوشت که آلمان این گروه را یک سازمان تروریستی می‌داند. فعالیت این گروه که با حمایت جمهوری اسلامی در سال‌ها نخست دهه ۸۰ میلادی در لبنان شکل گرفت، به نوشته‌ی خبرگزاری‌های آلمان، در عمل در کشور آلمان ممنوع بوده و شاخه نظامی این گروه از سال ۲۰۱۳ در لیست سازمان‌های تروریستی اتحادیه اروپا قرار گرفته است.

خبرگزاری رویترز همچنین گزارش داد پلیس آلمان صبح پنجشنبه، ۳۰ آوریل ۲۰۲۰، عملیاتی را با هدف دستگیری برخی از اعضای حزب‌الله در ایالت‌های مختلف این کشور انجام داد و به بازرسی مساجد و اماکن به‌اصطلاح فرهنگی اسلامی در برلین، برمن و نوردراین وستفالن پرداخت.

مقام‌های امنیتی آلمان می‌گویند حدود ۱۰۵۰ نفر از اعضای افراطی این گروه در خاک این کشور فعالیت می‌کنند.

یکی از سخنگویان وزارت کشور آلمان در یک پیام توییتری نوشت: «هورست زهوفر وزیر کشور، سازمان تروریستی شیعه حزب‌الله در آلمان را ممنوع کرده است».

وی افزوده است: «حتی در مواقع بحرانی نیز به قانون عمل می‌شود».

آلمان پیش از این بین شاخه سیاسی حزب‌الله و شاخه نظامی آن که در کنار بشار اشد رئیس جمهوری رژیم سوریه می‌جنگد تمایز قائل بود.

در ماه‌های گذشته اسرائیل و ایالات متحده به آلمان فشار می‌آوردند تا حزب‌الله را بطور کلی تروریستی اعلام کند چرا که شاخه نظامی آن از سال ۲۰۱۳ توسط اتحادیه اروپا که آلمان مهم‌ترین عضو آن است در لیست تروریسم قرار دارد.

حالا آلمان در حالی حزب‌الله را یک سازمان تروریستی اعلام می‌کند که سال گذشته نیلسن آنن معاون وزارت امور خارجه آلمان در مصاحبه‌ای با هفته‌نامه اشپیگل اعلام کرده بود که برلین قصد ندارد شاخه سیاسی حزب‌الله لبنان را در فهرست سازمان‌های تروریستی قرار دهد.

مایک پمپئو وزیر خارجه آمریکا سال گذشته در سفری به برلین ابراز امیدواری کرده بود آلمان مثل انگلیس فعالیت حزب‌الله را ممنوع کند. انگلیس فوریه سال گذشته قوانینی را وضع کرد که بر اساس آنها حزب‌الله به عنوان یک سازمان تروریستی شناخته شد.

رویترز نوشته نیروهای امنیتی برای بازداشت اعضای حزب‌الله به چهار مسجد در ایالت غربی نوردراین وستفالن، برمن و برلین یورش برده‌اند. این افراد به اعتقاد دادستانی فدرال آلمان در رابطه با حزب‌الله هستند.

۲۳ آوریل پایگاه خبری «نشنال اینترست» نوشت تحریم جمهوری اسلامی ایران و ادامه کارزار «فشار حداکثری» علیه آن و افزون بر آن شیوع ویروس کرونا و بیماری کووید۱۹ درآمدهای حزب‌الله را در لبنان به شدت کاهش داده است. اما همزمان آنها به دنبال کانال‌های پیچیده‌تری برای درآمدزایی هستند که مقابله با آن مستلزم همکاری کشورهای اروپایی است. ممنوعیت حزب‌الله در آلمان را می‌توان در چارچوب همین مقابله ارزیابی کرد.

چندی پیش ماتیو لویت تحلیلگر سابق FBI در یک سمینار آنلاین که توسط موسسه RUSI برگزار شد گفته بود کشورهایی مانند آلمان را باید ترغیب کرد که کل حزب‌الله را به عنوان سازمان تروریستی اعلام کنند.

حزب‌الله در اروپا در پوشش مؤسسات خیریه و حتی یتیم‌خانه اقدام به پولشویی می‌کرده است.

این کارشناس اف‌بی‌آی گفته بود «تروریست‌ها موفق به ایجاد شکاف در اجرای قوانین اروپا شده‌اند و متوجه شده‌اند که اروپا جایی نسبتاً راحت برای جمع‌آوری بودجه است. مهم‌ترین دلیل آنهم این است که کشورهای اروپایی زیر بار اینکه هر دو شاخه سیاسی و نظامی حزب‌الله را در فهرست سازمان‌های تروریستی قرار دهند نرفته‌اند. این در حالیست که افراد دارای تابعیت دوگانه و همچنین باندهای جنایتکار با تأسیس شرکت‌های صوری و پولشویی، به آسانی اسلحه و تجهیزات هواپیما جابجا کرده و سرمایه جمع می‌کنند».

وضعیت نامعلوم کیم جونگ اون؛ احتمال جانشینی خواهر بجای برادر در کره شمالی

● در حالی که اطلاعات دقیقی از حال رهبر کره شمالی در دست نیست، گروهی پزشک چینی برای بررسی وضعیت او به پیونگ‌یانگ اعزام شده‌اند و بحث جانشینی خواهرش نیز در رسانه‌ها مطرح شده است.

● یک تحلیلگر به آسوشیتدپرس گفته «در میان صاحبان قدرت در کره شمالی کیم یو جونگ بالاترین شانس برای به ارث بردن قدرت را دارد و من فکر می‌کنم که این احتمال بیش از ۹۰ درصد است».

● مایکل ماددن که وبسایت سازمان دیده‌بان رهبری کره شمالی را مدیریت می‌کند به نیویورکر گفت کیم یو جونگ نسبت به گذشته خیلی جدی‌تر شده. وی جوانتر که بود می‌خندید و چهره دوستانه‌ای داشت اما الان شبیه پدرش شده است.

کیم یونگ جونگ

در روزهای اخیر درباره وضعیت جسمی رهبر کره شمالی اخبار ضد و نقیض منتشر شده است. شنبه‌شب ۲۵ آوریل (۶ اردیبهشت) دو روزنامه‌نگار هنگ‌کنگی مدعی شد کیم جونگ اون مُرده است.

اکنون شماری از رسانه‌ها نوشته‌اند اگر کیم جونگ اون بمیرد احتمالاً خواهر کوچک‌اش کیم یونگ جونگ جانشین وی خواهد شد.

خواهر رهبر کره شمالی اکنون سمت معاون اول دبیرکل کمیته مرکزی حزب کارگر حاکم بر کره شمالی را به عهده دارد. او در سوئیس تحصیل کرده و فرد مورد اعتماد کیم جونگ اون و دومین فرد با نفوذ در این کشور است. در ماه مارس اولین بیانیه رسمی بین‌المللی از طرف وی صادر شد که علیه کره‌جنوبی بود.

روزنامه «نیویورک پست» پیش‌بینی کرده به زودی قدرت در دست کیم یونگ جونگ خواهد افتاد.

نام یونگ جونگ به دلیل نقض حقوق بشر در فهرست تحریم‌های آمریکا قرار دارد.

یک تحلیلگر به آسوشیتدپرس گفته «در میان صاحبان قدرت در کره شمالی کیم یو جونگ بالاترین شانس برای به ارث بردن قدرت را دارد و من فکر می‌کنم که این احتمال بیش از ۹۰ درصد است».

اولین بار که نام جونگ به عنوان یک مقام بلندپایه کره‌شمالی در سطح بین‌المللی برجسته شد در بازی‌های المپیک زمستانی ۲۰۱۸ بود که بطور مشترک با کره جنوبی برگزار شد. او به عنوان نماینده کره شمالی در کنار رئیس جمهور کره جنوبی نشست.

جونگ در اواخر دهه ۱۹۹۰ برای تحصیل در مقطع دبستان به برن سوئیس جایی که برادرش مشغول تحصیل بود فرستاده شد. به گزارش دیده‌بان رهبری کره شمالی این دو در یک خانه شخصی با کارمندان و محافظان زندگی می‌کردند.

در مورد زندگی او بین زمان حضورش در سوئیس تا سال ۲۰۰۷ اطلاع چندانی در دست نیست. پس از آن نیز در حزب کمونیست پست و مقام گرفت. طبق گزارش‌ها او بسیار مورد علاقه پدرش کیم جونگ ایل بود که از سال ۱۹۹۴ تا زمان مرگ در سال ۲۰۱۱ بر کره شمالی حکومت کرد.

مایکل ماددن که وبسایت سازمان دیده‌بان رهبری کره شمالی را مدیریت می‌کند به نیویورکر گفته است او نسبت به گذشته خیلی جدی‌تر شده؛ قبلاً که جوانتر بود می‌خندید و چهره دوستانه‌ای داشت اما الان شبیه پدرش شده است.

پیشتر وبسایت خبری «Daily NK» در کره جنوبی که اخبار کره شمالی را پوشش می‌دهد به نقل از یک منبع مطلع مدعی شد کیم جونگ اون ۱۲ آوریل تحت عمل جراحی قلب و عروق قرار گرفته و در ویلایی در شمال پیونگ‌یانگ تحت درمان قرار دارد.

بازدید رهبر کره شمالی از تجهیزات نظامی و نظارت در پرتاب موشک و مانور هواپیمای ارتش؛ تعدادی از فرماندهان اطراف او بینی و دهان خود را با ماسک پوشانده‌اند. این تصویر اواسط آوریل توسط KCNA منتشر شد

شماری از رسانه‌ها نیز خبر داده‌اند که رهبر ۳۶ ساله کره شمالی عمل جراحی شده اما حالش همچنان وخیم است و به هوش نیامده. شماری از مقامات کره‌جنوبی و چین نیز رد کرده‌اند که حال رهبر کره شمالی وخیم است. همچنین شایعه شد او دچار مرگ مغزی شده و به کما رفته است.

خبرگزاری رویترز روز جمعه ۲۴ آوریل (۴ اردیبهشت) به نقل از سه منبع نوشت چین یک تیم پزشکی برای مشاوره در خصوص وضعیت او به کره شمالی اعزام کرده است. دو منبع مطلع که خواستند نامشان فاش نشود به رویترز گفته‌اند رئیس این هیات یک مقام ارشد بخش بین‌المللی حزب کمونیست چین است.

یک مقام کره جنوبی نیز به رویترز گفت اطلاعات موجود نشان می‌دهد که کیم جونگ اون زنده است و به زودی در انظار عمومی ظاهر می‌شود. وی گفت که هیچ نظری درباره شرایط کنونی کیم و یا نقش چین در این قضیه ندارد.

یک مقام آمریکایی هم به این خبرگزاری گفت که همه از مشکلات سلامتی کیم جونگ اون با خبر بوده‌اند ولی هیچ دلیلی وجود نداشت که فکر کنند او به شدت بیمار است و به همین دلیل نمی‌تواند در انظار حاضر شود.

شایعات و حدس و گمان‌ها در مورد وضعیت سلامت کیم جونگ‌اون از ۱۵ آوریل پس از آن آغاز شد که او در مراسم تولد پدربزرگش شرکت نکرد. چهار روز پیش از این مراسم اون در یک جلسه کاری شرکت کرده بود

در همین زمان خبرگزاری رویترز خاطرنشان کرد که مقامات و رسانه های کره شمالی بسیار عجیب رفتار کرده و نسبت به گزارش های مربوط به وضع نامساعد سلامتی کیم جونگ اون هیچ واکنشی نشان نداده‌اند.

دوشنبه هفته گذشته خبرگزاری دولتی KCNA تصویری منتشر کرد که نشان می‌داد شمار زیادی از قانونگذاران در پیونگ‌یانگ نزدیک یکدیگر نشسته‌اند و هیچ ماسک و اقدامات قابل مشاهده دیگری برای محافظت از سرایت کرونا ندارند. این در حالیست که همین خبرگزاری عکسی از بازدید رهبر کره شمالی از تجهیزات نظامی و نظارت در پرتاب موشک و مانور هواپیمای ارتش منتشر کرده که در آن تعدادی از فرماندهان اطراف او با ماسک بینی و دهان خود را پوشانده‌اند.

در حالی که با انتشار اخبار و گزارش‌ها در مورد وضعیت جسمی رهبر کره شمالی بحث در مورد جانشینی او و سرنوشت رژیم کمونیستی پیونگ‌یانگ در محافل سیاسی مطرح شده، شایعات درباره مرگ وی به سوژه‌ی کاربران شبکه‌های اجتماعی نیز تبدیل شده است.

این نخستین بار نیست که شایعه مرگ کیم جونگ اون مطرح می‌شود. در سال ۲۰۱۴ نیز حدود یک ماه از او خبری در هیچ جا نبود اما پس از مدتی در حالی که کمی می‌لنگید در تلویزیون ظاهر شد.

تعدادی از نیروهای ایرانی و سوری در حمله هوایی اسرائیل به حوالی دمشق کشته شدند

● دیده‌بان حقوق بشر سوریه می‌گوید چهار ایرانی و سه سوری در این حمله کشته شده‌اند.

● خبرگزاری دولتی سوریه می‌گوید در این حملات تعدادی غیرنظامی کشته و زخمی شدند.

خسارات سنگین به تاسیسات و سازه‌ها در سوریه پس از حملات هوایی اسرائیل

در حمله هوایی جنگنده‌های اسرائیل به اهدافی در خاک سوریه در حوالی دمشق تعدادی از نیروهای نظامی و شبه‌نظامی وابسته به رژیم بشار اسد و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی کشته شدند.

این حملات که بامداد دوشنبه هشتم اردیبهشت صورت گرفت مقرّهای سپاه در «الکسوه» در جنوب دمشق و منطقه «سیده زینب» را هدف قرار دادند.

دیده‌بان حقوق بشر سوریه می‌گوید چهار ایرانی و سه سوری در این حمله کشته شده‌اند.

خبرگزاری دولتی سوریه «سانا» گزارش داده در این حملات تعدادی غیرنظامی کشته و زخمی شدند.

دولت سوریه می‌گوید «اکثر موشک‌های دشمن صهیونیستی را پیش از اصابت به اهداف رهگیری و ساقط کردند».

منابع لبنانی می‌گویند جنگنده‌های اسرائیل پس از عبور از آسمان لبنان و پرواز در ارتفاع پایین اطراف دمشق را بمباران کردند.

به گزارش اورشلیم پست، پیش از این حمله، نفتالی بنت وزیر دفاع اسرائیل هشدار داده بود که کشورش از اقدامات دفاعی خود کوتاه نخواهد آمد و مصمم‌تر از رژیم ایران است. بنت تاکید کرده بود وضعیت رژیم ایران و گروه‌های نیابتی وابسته به سپاه پاسداران در سوریه خوب نیست.

از یک ماه پیش که شیوع کُرونا سبب توقف بسیاری از عملیات نظامی شده، این برای سومین بار است که اسرائیل پایگاه‌های سپاه و حزب‌الله در سوریه را هدف قرار داده است.

جمهوری اسلامی عموماً در مورد تلفات خود در سوریه پس از حملات اسرائیل سکوت می‌کند اما چند روز بعد بی‌سر و صدا تشییع جنازه کشته‌شدگان ایرانی در این حملات در گوشه و کنار کشور برگزار می‌شود.

وزارت خزانه‌داری آمریکا وبسایت روزنامه دولتی «ایران» را مسدود کرد

● در بخش مالک دامنه این وبسایت که از هفته گذشته مسدود شده، نام OFAC Holding به ثبت رسیده است.

● خبرگزاری ایرنانوشته پیگیری‌های حقوقی برای رفع انسداد و مصادره دامنه وبسایت «ایران» در جریان است.

دفتر دارایی‌های خارجی وزارت خزانه‌داری آمریکا (OFAC) دامنه وبسایت رسمی روزنامه «ایران» به آدرس iran-newspaper.com را مصادره و مسدود کرده است.خبرگزاری ایرنا شنبه ۶ اردیبهشت با اعلام این خبر نوشت: «در بخش مالک دامنه سایت روزنامه ایران که از هفته گذشته مسدود شده، نام OFAC Holding به ثبت رسیده است».در حال حاضر وبسایت این روزنامه با آدرس irannewspaper.ir در دسترس است و به نوشته ایرنا پیگیری‌های حقوقی برای رفع انسداد و مصادره دامنه این روزنامه در جریان است.وبسایت iran-newspaper.com در سال ۱۳۷۶ به ثبت رسید و آرشیو این روزنامه در سال‌های ۱۳۸۰ به بعد در این وبسایت در دسترس بود.در بهمن سال ۱۳۹۸ نیز دامنه خبرگزاری فارس وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی توسط وزارت خزانه‌داری آمریکا مسدود شد.دفتر کنترل دارایی‌های خارجی آمریکا (OFAC) یک آژانس اجرایی و اطلاعاتی مالی است که زیرمجموعه وزارت خزانه‌داری آمریکا محسوب می‌شود و وظیفه آن برنامه‌ریزی و اجرای تحریم‌های اقتصادی و تجاری در حمایت از اهداف امنیت ملی و سیاست خارجی آمریکا است.

دارالترجمه بین المللی فریس
زیر نظر و با مسئولیت دکترناصر رحیمی
(استاد دانشگاه)
ترجمه رسمی شناسنامه، قباله ازدواج و طلاق، مدارک حقوقی، تجاری، طبی، تحصیلی و مدارک مربوط به تقاضای پناهندگی
تلفن:
020-8735 6500 / 020-8222 8884 / 020-8222 8831
فکس: 020-7760 7160
www.assot.co.uk
Email: assot@aol.com
Suite 611 , Britannia House , 11 Glenthorne Road
Hammersmith , London W6 0LH
دوشنبه تا جمعه ۱۰ صبح تا ۵ بعداز ظهر

تحریم یک فرد و شرکت به اتهام همدستی با سپاه قدس در قاچاق سلاح و موشک

● امیر دیانت با نام مستعار «امیر عبدالعزیز جعفر» از راه‌های غیرقانونی صاحب شرکتی به نام «طیف» بوده که به سپاه پاسداران از طریق حمل و نقل محموله‌های تسلیحاتی و قاچاق موشک به عراق و یمن خدمات می‌داده است.

● سپاه پاسداران انقلاب اسلامی برای انتقال محموله‌های تسلیحاتی حساب ویژه‌ای روی دیانت باز کرده بود و از ارتباطات تجاری وی برای دریافت مجوزهای قانونی استفاده می‌کرده است.

جمهوری اسلامی با ارسال انواع تسلیحات نظامی اقدام به تقویت شبه نظامیان در منطقه می‌کند

دفتر کنترل دارایی‌های خارجی آمریکا (OFAC) جمعه اول ماه مه (۱۲ اردیبهشت) یک فرد و یک شرکت را به دلیل همکاری با سپاه قدس بازوی خارجی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تحریم کرد.

به گزارش وبسایت وزارت خزانه‌داری آمریکا امیر دیانت یک دوتابعیتی ایرانی- عراقی و از دستیاران قدیمی مقامات ارشد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است که سال‌ها با این تشکیلات همکاری کرده است.

امیر دیانت با نام مستعار «امیر عبدالعزیز جعفر» از راه‌های غیرقانونی صاحب شرکت خدمات معدنی به نام «طیف» مستقر در مسقط پایتخت عمان بوده که به سپاه از طریق حمل و نقل محموله‌های تسلیحاتی و قاچاق موشک به عراق و یمن خدمات می‌داد.

همزمان دادستانی ایالت کلمبیا پرونده‌ای را علیه دیانت و یکی از همکاران تجاری او به اتهام دور زدن تحریم‌ها و پولشویی به جریان انداخته است. دادستانی این ایالت جریمه‌ای به مبلغ حدود ۱۲ میلیون دلار برای او تعیین کرده است.

استیون منوچین وزیر خزانه‌داری آمریکا گفته رژیم ایران و حامیان آن پول‌هایی را که باید صرف سلامت و بهداشت مردم ایران شود برای تقویت شبه‌نظامیان تروریست منطقه خرج می‌کنند. او تاکید کرده آمریکا در همکاری با نهادهای مالی و متحدان خود تلاش خواهد کرد که کمک‌های بشردوستانه را مستقیم به مردم ایران برساند.

امیر دیانت با بهنام شهریاری و رستم قاسمی از نیروهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی همکاری داشته است. او در سال‌های اخیر در عملیات قاچاق اسلحه نقش بسزایی داشته و با کشتی محموله‌های تسلیحاتی از جمله موشک را انتقال می‌داده است.

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی برای انتقال محموله‌های تسلیحاتی حساب ویژه‌ای روی دیانت باز کرده بود و از ارتباطات تجاری وی برای دریافت مجوزهای قانونی استفاده می‌کرد. دیانت همچنین بطور مستقیم در قاچاق سلاح از ایران به یمن دست داشته است. او همچنین به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی کمک می‌کرده تا با حمل و نقل محموله‌های نفتی به درآمدهای غیرقانونی برسد. شرکت تحت مالکیت او در سال ۲۰۱۹ یک نفتکش در اختیار سپاه پاسداران گذاشت.

در گزارش وزارت خزانه‌داری آمریکا تاکید شده این اقدام که در پی دستور اجرایی ۱۳۲۲۴ اتخاذ شد و توسط دستور اجرایی ۱۳۸۸۶ اصلاح شده بود، به دنبال نامگذاری‌های اخیر توسط شبکه‌های اصلی است که از فعالیت بی‌ثبات‌کننده نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی حمایت می‌کنند.

دیانت طبق دستور اجرایی ۱۳۲۲۴ به جرم معاونت و همکاری با سپاه قدس بازوی خارجی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و دستیابی به تجهیزات و تکنولوژی‌های مورد نیاز و ارائه خدمات پشتیبانی به سپاه قدس در فهرست تحریم‌ها قرار گرفته است.

شهردار لندن: به شهردار تهران نگفتم در مقابله با کُرونا از ما بهتر عمل کرده‌اید!

● صادق خان شهردار لندن این ادعای رسانه‌های داخل ایران را که وی به حناچی گفته است جمهوری اسلامی بهتر از بریتانیا در برخورد با بحران کُرونا عمل کرده است، تکذیب کرد!

صادق خان شهردار لندن؛ ۳ مارس ۲۰۲۰

نازنین انصاری – دفتر شهردار لندن ادعای برخی رسانه‌های جمهوری اسلامی را در مورد اینکه صادق خان به شهردار تهران گفته است که دولت جمهوری اسلامی ایران در مبارزه با بیماری کُرونا «موفق‌تر از ما عمل کرده» را تکذیب کرده است.

این شایعه بعد از گفتگوی پیروز حناچی شهردار تهران و صادق خان در فضای مجازی (Skype) از سوی خبرگزاری مهر و تهران تایمز وابسته به این خبرگزاری منتشر شده است.

در این گزارش آمده شهردار لندن می‌گوید: اغلب اقدامات دولت بریتانیا برای کنترل و مقابله با گسترش ویروس کووید۱۹ مشابه روش‌های مورد استفاده مسئولان بهداشت و درمان ایران برای غلبه به این ویروس پیشرفته‌تر و نتیجه‌بخش‌تر از نحوه مداوای بیماران مبتلا به کُرونا در انگلستان بوده است!

به دنبال انتشار این قبیل نقل و قول‌ها از سوی رسانه‌های داخل ایران، سخنگوی صادق خان در پاسخ به پرسش کیهان لایف از انتشارات کیهان لندن اعلام کرده: آنچه از قول شهردار پایتخت انگلستان در رسانه‌های ایران درج شده، برداشتی نادرست از گفتگوهای آقای خان با همتای تهرانی خود بوده که به تقاضای وزارت خارجه بریتانیا برای مبادله تجربیات طرفین در برخورد با این ویروس خطرناک صورت گرفته بوده است.

سخنگوی شهردار لندن اضافه کرده: تهران پیش از شیوع بیماری کُرونا در بریتانیا مورد حمله این ویروس قرار گرفته بود. ضمن آنکه در جریان گفتگو میان دو شهردار صحبتی از چگونگی و نحوه سرکوب کووید۱۹ در دو کشور به میان نیامده است.

هنوز معلوم نیست چرا وزارت خارجه بریتانیا از شهردار لندن خواسته بود با همتای ایرانی خود درباره ویروس کُرونا صحبت کند یا اینکه کدامیک از دو طرف برای تبادل نظر در این زمینه پیشقدم شده است.

گفته می‌شود پیروز حناچی در روزهای اخیر و با شروع ماه رمضان با شماری از همتایان خود تماس داشته و در ارتباط با موضوعات مورد علاقه طرفین گفتگو کرده است.

سخنگوی شهردار لندن یادآور شده: صادق خان در جریان تماس با شهردار تهران درباره نازنین زاغری، رنج‌ها و مرارت‌هایی که در این سال‌ها در زندان ایران بر او رفته نیز صحبت کرده است.

منوچهر بختیاری:

من دادخواه پویا هستم؛ مردم و چهره‌های شناخته‌شده کمک کنند تا داد او و همه جوانان را بستانیم!

پویا بختیاری یکی از جانباختگان اعتراضات سراسری آبان ۹۸ در ایران است که ۲۵ آبان در سن ۲۷ سالگی در مهرشهر کرج به دلیل اصابت گلوله مأموران امنیتی به سرش جان باخت و به نماد اعتراضات نسل کنونی جوانان ایران برای آزادی و امنیت و آینده روشن تبدیل شد.

پدر او، منوچهر بختیاری، از هنگام قتل فجیع پویا، برای دادخواهی پویا و پویاها تلاش می‌کند. وی بارها توسط نهادهای امنیتی احضار شد و زیر فشار قرار گرفت اما سکوت نکرد. پدر، مادر و چند عضو دیگر خانواده پویا بختیاری چند روز مانده به مراسم چهلم پویا بازداشت شدند تا از تجمع مردم بر مزار وی جلوگیری شود.منوچهر بختیاری به تازگی کمپینی برای دادخواهی پویا و دیگر کشته‌شدگان اعتراضات سراسری آبان ۹۸ به راه انداخته است.

او با اندوهی عمیق به کیهان لندن می‌گوید «هر روز برای من ۲۵ آبان» است. پدر پویا با یادآوری جمله‌ای از پسرش که در ویدئویی می‌گوید «این هم غروبی زیبا، به امید طلوعی بهتر» تاکید می‌کند: همه جوانان ایران به امید طلوعی بهتر هستند.

پی نوشت؛ فرمایشات ناشتایی، ضامن پیشرفت کرونایی

همچنان اهمیت پی‌نوشت بیش از متن است!

پی‌نوشت یا همان پ.ن. که معرف حضورتان هست، گزارش‌های کوتاه ویدئویی کیهان لندن است که زوایای دیگری از متن و رویدادها را به نمایش می‌گذارد. این بار: فرمایشات ناشتایی، ضامن پیشرفت کرونایی

تناقض در آمار جانباختگان کادر درمان:

ستاد کُرونا ۱۰۰ نفر، سخنگوی وزارت بهداشت ۶۳ نفر!

● «بیش از ۱۵هزار کادر پزشکی و بیش از ۱۰۰ هزار پرستار در خط مقدم مبارزه با کُرونا قرار دارند.»

● «مردم خیّر حدود ۵۰۰ میلیارد تومان برای کمک به بیمارستان‌ها جهت خرید تجهیزات پزشکی و محافظتی و تجهیزات آی سی یو هزینه کردند.»

● سخنگوی وزارت بهداشت: «یک کمیته ویژه بر اساس مدارک، مستندات و شاخص‌ها اسامی و تعداد را اعلام خواهد کرد.»

● «بیش از ۱۰۰ گروه از نیروی جهادی»، «با هماهنگی کادر پزشکی»، «بیماران مبتلا به کُرونا را همراهی کردند و بار بزرگی از دوش جامعه پزشکی برداشته شد!»

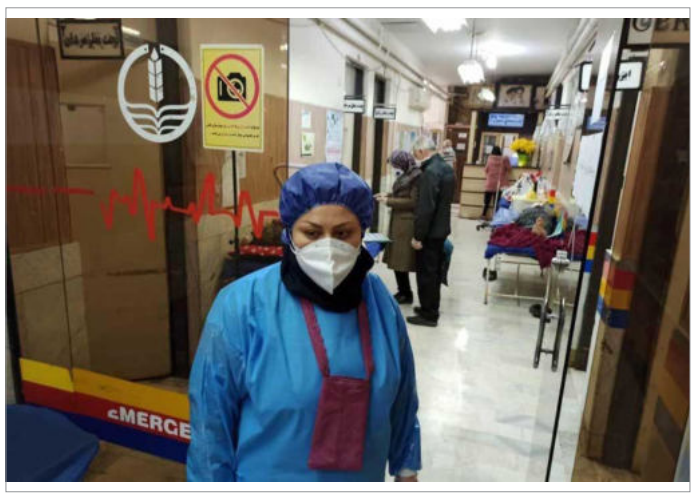

در حالی که بر اساس اطلاعات رسیده به کیهان لندن، شمار پزشکان، پرستاران و کادر درمانی که در جریان خدمت‌رسانی به مردم بر اثر ابتلا به کُرونا جان خود را از دست دادند، به ۱۶۰ نفر افزایش یافته است. مدیر هماهنگی بین‌دستگاهی ستاد کُرونا شمار جانباختگان را ۱۰۰ نفر و سخنگوی وزارت بهداشت، ۶۳ نفر اعلام کردند.

پس از حداقل دو ماه از بروز ویروس کُرونا در ایران، نه تنها آمار مبتلایان و قربانیان این ویروس بطور دقیق و واقعی اطلاع‌رسانی نشده بلکه در زمینه شمار قربانیان کُرونا در بین پزشکان و پرستاران نیز تناقض‌گویی دستگاه‌های مربوطه مشاهده می‌شود.بر اساس آخرین گزارش‌های رسیده به کیهان لندن، شمار پزشکان، پرستاران و کادر درمانی که در جریان خدمت‌رسانی به مردم بر اثر ابتلا به کُرونا جان خود را از دست دادند، تا دیروز ۸ اردیبهشت‌ماه بیشتر از ۱۰۰ تن است.

این درحالیست که سردار نصرالله فتحیان مدیر هماهنگی بین دستگاهی در ستاد ملی مدیریت بیماری کُرونا، امروز سه‌شنبه ۹ اردیبهشت‌ماه، تنها مرگ ۱۰۰ نفر از پزشکان، پرستاران و کادر درمانی را در جریان خدمات‌رسانی به مردم را تأیید کرد.وی گفت: «این قشر فداکار ۱۰۰شهید عزیز را تقدیم کشور کردند و جامعه پزشکی بار دیگر در برابر مردم ایران رو سفید شد!»

همزمان اما کیانوش جهانپور سخنگوی ستاد ملی مقابله با کُرونا آمار متفاوتی ارائه کرد: «تا کنون بیش از ۶۳ نفر از کادر درمانی این کشور در اثر ابتلا به بیماری کووید ۱۹ جان باخته‌اند.»

وی احتمال داد که شمار جانباختگان کادر درمانی بیش از این باشد و تأکید کرد که «یک کمیته ویژه براساس مدارک، مستندات و شاخص‌ها اسامی و تعداد را اعلام خواهد کرد.»

سخنگوی وزارت بهداشت ایران همچنین مدعی شد: «بر خلاف اخبار منتشر شده، تقریبا یکی از کمترین موارد ابتلا به کووید۱۹ در میان کادر درمانی فعال در بخش مقابله با کرونا نسبت به بسیاری از کشورها را داشته‌ایم.»

این مسئول ستاد ملی مقابله با کُرونا، همچنین درباره تعداد پزشکان و پرستارانی که در بیمارستان‌ها برای مقابله با کُرونا فعالیت می‌کنند، اظهار داشت: «بیش از ۱۵هزار کادر پزشکی و بیش از ۱۰۰هزار پرستار در کشور کار بزرگی کردند.»

ادامه در صفحه ۱۷

بازگشت «سینمادرایو» توسط سپاه پاسداران انقلاب اسلامی؛ تماشای فیلم و نوحه‌خوانی با اتومبیل!

● «سینمادرایو» به اسم «سینماماشین» توسط سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در حالی باز می‌گردد که نخستین‌بار در سال ۱۳۳۹ در تهران‌پارس راه افتاد ولی پس از انقلاب ممنوع شد!

● سپاه پاسداران انقلاب اسلامی این شیوه تماشای فیلم را حتی برای اجرای مراسم نوحه‌خوانی و عزاداری مذهبی به کار گرفته است.

● سپاه پاسداران ادعا کرده، برای اولین‌بار این ایده را وارد ایران کرده، حال آنکه چنین شیوه‌ای از دهه ۴۰ در ایران مرسوم شده بود.

باوجود تداوم ممنوعیت مراسم‌های مذهبی، سعید حدادیان در هیئت ماشینی برگزار کرده!

سازمان رسانه‌ای- فرهنگی «اوج» وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، از اجرای طرح «سینماماشین» یا همان تماشای فیلم روی پرده‌ی سینما از داخل اتومبیل خبر داد که از روز جمعه ۱۲ اردیبهشت‌ماه با نمایش فیلم سینمایی «خروج» ساخته ابراهیم حاتمی‌کیا آغاز می‌شود.

سازمان رسانه‌ای- فرهنگی «اوج» وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اعلام کرد، طرح «سینماماشین» یا همان تماشای فیلم روی پرده سینما از داخل اتومبیل را «برای اولین‌بار» در ایران از روز جمعه ۱۲ اردیبهشت‌ماه آغاز خواهد کرد!

ادعای «اولین‌بار» در حالی از سوی سپاهیان پاسدار طرح می‌شود که پروژه «درایوین سینما» در ایران در سال ۱۳۳۹ در تپه‌های تهران‌پارس با فیلم سینمایی «فضانورد» از کمپانی والت‌دیسنی با ظرفیت ۲۸۴ اتومبیل افتتاح شد.

«سینمادرایو» شیوه تماشای فیلم داخل اتومبیل پس از انقلاب در ایران ممنوع شد ولی حالا دوباره توسط سپاه پاسداران که در همه چیز دخالت می‌کنند، قرار است برگردد!

این شیوه‌ی تماشای فیلم در اتومبیل شخصی، در منطقه ونک تهران در سال ۱۳۴۸ نیز برپا شد و به فرهنگ رایج سینماروها تبدیل شد اما پس از وقوع انقلاب، اجرای آن ممنوع گشت و حالا سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با بحران ویروس کرونا و امکان‌ناپذیر شدن حضور در سالن‌های سینما، آن را از سر گرفته و مدعی شده است آن را برای «اولین‌بار» در ایران اجرا می‌کند!

«سینمادرایو» اکنون شیوه‌ای مرسوم و متداول در دنیاست و پیش از انقلاب، چنان گسترده و مورد اقبال عمومی قرار داشت که تماشاگران در داخل اتومبیل‌شان، خدمات دیگری چون، سرو غذا در اتومبیل هم دریافت می‌کردند.

فیلم سینمایی «خروج» ساخته ابراهیم حاتمی‌کیا، با سرمایه‌گذاری این سازمان، پس از شکست در اکران اینترنتی، حالا قرار است، اولین فیلم سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در پروژه «سینماماشین» باشد.

آنگونه که خبرگزاری «فارس» اعلام کرده، «خروج» به مدت یک هفته در سانس‌های ۲۱ و ۲۳:۳۰ دقیقه در پارکینگ شماره ۳ برج میلاد تهران اکران می‌شود و از فردا صبح هم بلیت‌فروشی آن را آغاز می‌کند.

هنوز قیمت بلیت اعلام نشده است اما خبرگزاری فارس نوشته، بلیت «سینماماشین» برای هر اتومبیل کمتر از «۴۰ هزار تومان» در نظر گرفته شده، حال آنکه قیمت بلیت سینماها اکنون حدود ۲۰ هزار تومان است.

بر اساس گزارش‌های منتشر شده، سازمان رسانه‌ای- فرهنگی «اوج» برنامه‌ریزی کرده تا برای هر سئانس حداقل ۱۶۰ اتومبیل را در محوطه پارکینگ برج میلاد جای دهد.

همزمان با اعلام چنین برنامه‌ای از سوی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، با اینکه تجمعات مذهبی به دلیل شیوع کرونا تا اطلاع بعدی همچنان ممنوع است، تصاویری از مجلس روضه‌خوانی سعید حدادیان مداح «بیت‌رهبری» در فضای مجازی منتشر شده که نشان می‌دهد مردم با اتومبیل‌های خود در پارکینگ «پارک ارم» تهران توقف کرده و مشغول عزاداری هستند!

بیانیه کانون نویسندگان ایران به مناسبت روز جهانی کارگر

● اگر چه سرکوب خشن و بازداشت و زندان پاسخ همواره‌ی صاحبان قدرت به اعتراض‌ها و اعتصاب‌های کارگری در ایران بوده است، از یک سال پیش اوجی تازه به آن داده و جمع پرشمارتری از کارگران و حامیان آنها را با پرونده‌سازی‌های جعلی روبرو کرده‌اند.

● دولت همراه با نمایندگان کارفرمایان در متن بیکاری و گرانی سرسام‌آور، حداقل دستمزد امسال را با کاهشی واقعی، ولو نسبت به خط فقر، تعیین کرد.

کانون نویسندگان ایران در بیانیه‌ای به مناسبت اول ماه مه روز جهانی کارگر با صدور بیانیه‌ای ضمن گرامیداشت این روز، خواستار آزادی «سریع و بی‌قید و شرط فعالان کارگری» شده است.

در بخشی از این بیانیه آمده است: «اگر چه سرکوب خشن و بازداشت و زندان پاسخ همواره‌ی صاحبان قدرت به اعتراض‌ها و اعتصاب‌های کارگری در ایران بوده است، از یک سال پیش اوجی تازه به آن داده و جمع پرشمارتری از کارگران و حامیان آنها را با پرونده‌سازی‌های جعلی روبه‌رو کرده‌اند.»

در این بیانیه با اشاره به شیوع کُرونا در ایران آمده است که «شیوع ویروس کُرونا بهانه‌ای تازه در دست دولت شده است تا بر محدودیت آزادی بیان بیافزاید و منتقدان و معترضان به سیاست‌های مقابله با بیماری کُرونا را به سکوت وا دارد.»

متن کامل بیانیه کانون نویسندگان ایران به شرح زیر است:

اول ماه مه، روز جهانی کارگر، گرامی باد!

اول ماه مه، روز جهانی کارگر، را امسال در شرایطی گرامی می‌داریم که وضعیت معیشتی کارگران دشوارتر و سرکوب اعتراضات‌شان شدیدتر از پیش شده و شیوع ویروس کرونا نه فقط معاش اندک آنها که جانشان را نیز در معرض خطر قرار داده است.

اگر چه سرکوب خشن و بازداشت و زندان پاسخ همواره‌ی صاحبان قدرت به اعتراض‌ها و اعتصاب‌های کارگری در ایران بوده است، از یک سال پیش اوجی تازه به آن داده و جمع پرشمارتری از کارگران و حامیان آنها را با پرونده‌سازی‌های جعلی روبرو کرده‌اند. بازداشت تعداد زیادی از کارگران و حامیان آنها در تجمع روز جهانی کارگر در سال گذشته از نمونه‌های این پرونده‌سازی‌ها است؛ «بازداشت‌های موقتی» که برخی تا آستانه‌ی سال جدید ادامه یافت و به احکام سنگین و حبس‌های طولانی مدت ختم شد.

در حالی که دامنه‌ی این سرکوب‌ها روز به روز گسترده‌تر می‌شود، روزنامه‌ها و رسانه‌های دیگر از انعکاس اخبار واقعی منع، و روزنامه‌نگاران و شهروندان متعهدی که دست بر این بی‌عدالتی‌های روزافزون می‌گذارند با ارعاب و بازداشت مواجه می‌شوند.

شیوع ویروس کُرونا بهانه‌ای تازه در دست دولت شده است تا بر محدودیت آزادی بیان بیفزاید و منتقدان و معترضان به سیاست‌های مقابله با بیماری کرونا را به سکوت وادارد؛ همزمان با عدم حمایت از معاش مردم فرودست و باز نگه داشتن کارخانه‌ها و کارگاه‌ها جان شمار بسیاری از کارگران و آحاد مردم را به خطر انداخته است.

در جریان همه‌گیری بیماری کُرونا ضمن برملا شدن تبعیض‌های بی‌شمار، بار دیگر ثابت شد این کارگرانند که حامی و بانی حقیقی رفاه وسلامت جامعه هستند؛ نمونه‌ی مثال زدنی آنها کادر درمانی و خدماتی بیمارستان‌ها، پرستاران و پزشکانی‌اند که با وجود همه‌ی کمبودهای ناشی از بی‌اعتنایی تلنبار شده‌ی دولت‌ها مسئولانه به مصاف کرونا رفتند و هنوز نیز بدان مشغول‌اند.

در مقابل، دولت همراه با نمایندگان کارفرمایان در متن بیکاری و گرانی سرسام‌آور، حداقل دستمزد امسال را با کاهشی واقعی، ولو نسبت به خط فقر، تعیین کرد؛ بعضی مفسدان اقتصادی بنام را از حبس به مرخصی فرستاد ولی درهای زندان را حتی در شرایط مرگبار کرونایی بر روی کارگران معترض، حامیان آنها و بسیاری دیگر از زندانیان سیاسی و عقیدتی بسته نگه داشت و در آستانه‌ی روز کارگر موجی تازه از بازداشت فعالان کارگری به راه انداخت.

کانون نویسندگان ایران در آستانه‌ی روز جهانی کارگر، بر آزادی سریع و بی‌قید و شرط فعالان کارگری تأکید می‌کند و این روز را به همه‌ی کارگران به ویژه کارگران بخش سلامت و بهداشت و کارگران بخش کتاب و نشریات شادباش می‌گوید.

کانون نویسندگان ایران
۱۰ اردیبهشت ۱۳۹۹

بابک داد، روزنامه‌نگاری که در ۵۱ سالگی چشم از جهان فرو بست

بابک داد روزنامه‌نگار، نویسنده و فعال سیاسی، شامگاه جمعه پنجم اردیبهشت‌ماه در سن ۵۱ سالگی در فرانسه درگذشت.

بابک داد روزنامه‌نگار، نویسنده و فعال سیاسی ساکن فرانسه، شامگاه روز جمعه پنجم اردیبهشت‌ماه در سن ۵۱ سالگی درگذشت. علت درگذشت وی که به بیماری دیابت مبتلا بود، از سوی فرزندش در صفحه اینستاگرام وی عارضه قلبی عنوان شده است.

بابک داد روزنامه‌نگاری را در روزنامه «سلام» آغاز کرد. وی دومین دبیر سرویس سیاسی، پارلمانی روزنامه «سلام»، خبرنگار ویژه حجت‌الاسلام محمد خاتمی در انتخابات دوم خرداد ۱۳۷۲ و مشاور مهدی کروبی در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۴ بود.

وی ستونی با نام «صد روز با خاتمی» در روزنامه «جامعه» مربوط به خاطرات سفرهای تبلیغاتی محمد خاتمی در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۱۳۷۶ داشت که در ۹۰ قسمت منتشر شد. بعدها این خاطرات در قالب کتابی به همین نام منتشر شد.

«آخرین سلام»، «خاتمی در پاریس» و «رأی مردم» از کتاب‌های دیگر بابک داد است.

وی از جمله روزنامه‌نگارانی بود که پس از انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۱۳۸۸ مجبور به ترک کشور و ساکن فرانسه شد.

بابک داد همچنین برادر سیف‌الله داد فیلمساز و معاون وقت امور سینمایی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در دولت خاتمی بود. سیف‌الله داد در سال ۱۳۸۸ بر اثر ابتلا به سرطان خون درگذشت.

بابک داد که با زمینه‌های اخلاقی (اتیک) سال‌ها از اصلاح‌طلبی دفاع کرده بود در آخرین یادداشت خود در صفحه‌ی اینستاگرامش به مناسبت سال جدید و نوروز ۱۳۹۹ با اشاره‌ی رویدادهای ناگوار سال ۹۸ از جمله سرکوب آبان‌ماه و شلیک موشک به هواپیمای مسافری اوکراین در دی‌ماه با خدای خود «نجوا» کرده و نوشته بود: «سیاهی‌های ۹۸ را همینجا دفن کن!»

بابک داد در وبلاگی به نام «فرصت نوشتن» به شرح وقایعی که در دوران فعالیت سیاسی و روزنامه‌نگاری بر وی رفته بود می‌پرداخت و همچنین نظرات خود را درباره مسائل ایران در این وبلاگ می‌نوشت.

کیهان لندن منتشر کرد:

کتاب «سوریه: چاله عنکبوت» به قلم حامد محمدی (افسر خلبان)

برای نخستین بار ابعاد گسترده حضور نظامی و ناگفته های دخالت رژیم جمهوری اسلامی در جنگ داخلی سوریه را به صورت مستند از آغاز این جنگ تا به امروز به تصویر می کشد. علاقمندان می توانند این کتاب را مستقیما از طریق تماس با کیهان لندن ads@kayhan.london
و یا انتشارات ساتراپ و سوپر هرمز در لندن و کتابفروشیهای معتبر ایرانی در اروپا و آمریکا به نشانی های زیر به مبلغ معادل ۲۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.

Satrap Publishing: Email: satrap@btconnect.com www.satrap.co.uk
Super Hormuz, Finchley Road, Golders Green, NW11 0AD
Ibex Publishers Bookshop, Inc. PO Box 30087, Bethesda, MD 20824-0087, USA
Ferdosi Bookshop, Box 45095, SE-104 30 Stockholm, SWEDEN
UTOPIRAN, 89 Rue du Ruisseau, 75018 Paris , FRANCE
Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24, 50676 Köln, GERMANY

NEWS & VIEWS
FOR A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY
وبسایت کیهان لندن به زبان انگلیسی

واشنگتن تایمز: خطرناکترین ویروس ایران، رژیم دروغگو و سرکوبگر آن است

دیدار علی خامنه‌ای و بسیجیان آذر ۱۳۹۶

● شیوع و گسترش شدید کُرونا نتیجه مستقیم این است که جمهوری اسلامی هرچیزی بجز منفعت خودش را نادیده می‌گیرد.

● جمهوری اسلامی مردم را از داشتن اطلاعات حیاتی برای محافظت از خودشان محروم کرد و سپس به آنها اطلاعات غلط و مرگبار داد.

● هیچ نشانه‌ای از اینکه جمهوری اسلامی بعد از برداشته شدن تحریم‌ها رفتار خود را تغییر می‌دهد وجود ندارد.

● برداشته شدن تحریم‌ها بیشتر از آنکه رنج مردم ایران را کم کند باعث ادامه بدبختی آنها از طریق بیشتر کردن فرصت و زمان برای در قدرت ماندن رژیم می‌شود.

● اگر آمریکا واقعاً به دنبال کمک به مردم ایران است نمی‌تواند با اقداماتی دیگر، رژیم ایران را تقویت کند! اگر بنا بر کمک به مردم باشد، آمریکا باید برای مشروعیت‌زدایی از رژیم و در عین حال نشان دادن دوستی خود به مردم ایران اقداماتی انجام دهد.

روزنامه آمریکایی «واشنگتن تایمز» در مقاله‌ای مشترک به قلم مارک والاس و مایکل ماکوفسکی که ۲۹ آوریل (۱۰ اردیبهشت) منتشر شد نوشته ویروسی خطرناکتر از کُرونا که مردم ایران گرفتار آن هستند جمهوری اسلامی است که با فریبکاری و دروغگویی جان مردم را قربانی سیاست‌های بدخیم خود می‌کند.

در این مقاله آمده مردم ایران با یک فاجعه کشنده روبرو هستند که کُرونا نیست. هرچند این ویروس در ایران شیوع پیدا کرده اما دروغگویی رژیم بی‌عرضه ایران از این ویروس بدتر است.

رهبران رژیم ایران از شیوع کُرونا به عنوان فرصتی برای تقویت قدرت خود و تضعیف دشمنانشان سوء استفاده می‌کنند و نه اینکه بخواهند رسیدگی به مشکلات مردم را مورد توجه قرار دهند. ایران اکنون به دنبال دریافت وام از صندوق بین‌المللی پول و متوقف کردن تحریم‌های آمریکاست اما در این حقیقت که رژیم می‌گذارد تا مردم بمیرند هیچ تغییری داده نمی‌شود. برای کمک واقعی به مردم ایران آمریکا باید فشار را روی رژیم حفظ کند و همزمان به مردم ایران کمک مستقیم برساند.

شیوع و گسترش شدید کُرونا نتیجه مستقیم این واقعیت است که جمهوری اسلامی هر چیزی بجز منافع خودش را نادیده می‌گیرد.

به نوشته این روزنامه، منشاء شیوع کُرونا در ایران شهر مذهبی قم بود اما زمامداران ایران ویروس را توطئه خارجی خواندند که گویا هدف آن ضربه به حضور مردم در انتخابات مجلس شورای اسلامی است! انتخاباتی که نتیجه‌ی آن افراطی‌های بیشتری را به قدرت رساند. در نتیجه زیارتگاه‌ها بسته نشدند و پروازها به چین از جمله شهر ووهان ادامه پیدا کرد.

در این گزارش با اشاره به پنهانکاری رهبران رژیم ایران در مورد شیوع کُرونا و امتناع حکومت از قرنطینه، تاکید شده است که فریبکاری رژیم حقیقتی را به مردم ایران اثبات کرد که قبلا هم آن را دریافته بودند. رژیم همیشه و در هر حال دروغ می‌گوید: از کشتن معترضان گرفته تا سرنگونی هواپیمای اوکراینی و حالا هم در مورد کُرونا.

نویسندگان در ادامه نوشته‌اند، بی‌اعتمادی نسبت به رژیم ایران شهروندان را قربانی می‌کند. جمهوری اسلامی مردم را از داشتن اطلاعات حیاتی برای محافظت از خودشان محروم کرد و سپس به آنها اطلاعات غلط و مرگبار داد. امروز مردم ایران می‌میرند نه فقط دلیل ابتلا به ویروس بلکه با سوء مصرف الکل یا لیس زدن ضریح اماکن مذهبی که توسط ملاهای نادان (اگر نگوییم خبیث) به آنها القاء شده است.

اطلاع‌رسانی توسط رسانه‌های عمومی در مورد اخبار نادرست نه تنها بسیار کم و دیرهنگام بود بلکه مردم بی‌اعتماد و ناامید ایران همانها را هم نادیده گرفتند.

در میان مشکلات عدیده‌ی داخلی زمامداران ایران وقت پیدا کردند تا تبلیغات سیاسی و موشک‌پرانی خود را علیه آمریکا به کاراندازند. شبه‌نظامیان وابسته به ایران به پایگاه‌های آمریکایی حمله کردند که به کشته شدن دو آمریکایی و یک بریتانیایی منجر شد.

در این گیر و داد علی خامنه‌ای از سخنرانی خود به مناسب سال نو استفاده کرد و تقصیر گرفتاری‌های ناشی از شیوع ویروس کُرونا را به گردن آمریکا انداخت و همچنین کمک‌های آمریکا و بین‌المللی را رد کرد. به خاطر چنین رژیمی است که دولت ترامپ تحت فشار قرار گرفته تا تحریم‌های آن را بردارد! چنین کاری نه منطقی است نه نتیجه‌ی مثبتی خواهد داشت.

نخست اینکه کمک‌های بشردوستانه و دارو پیش از شیوع کُرونا نیز مشمول تحریم‌ها نبودند. ایران می‌تواند از دارایی‌های خود برای واردات کالاهای بشردوستانه استفاده کند. همچنین می‌تواند از سرمایه‌هایی که تحت کنترل علی خامنه‌ای است استفاده کند. از آنجا که مقامات ایران ادعا می‌کنند امکانات کافی دارند که حتی می‌توانند به چین بفرستند، پس تهران احتمال ندارد کمک‌های خارجی به مردم را قبول کند و کمک‌های آمریکا را هم رد کرد. این وضعیت روشن می‌کند مشکل دوم برداشته شدن تحریم‌ها چیست: تصور می‌شود این کمک جدید باید به مردم ایران باشد نه به رژیم آن اما رژیم فقط رنج مردم را با اختصاص منابع مالی به شبه‌نظامیان و فعالیت‌های اتمی بیشتر می‌کند.

در بخش دیگری از این مقاله آمده: هیچ نشانه‌ای از اینکه جمهوری اسلامی بعد از برداشته شدن تحریم‌ها رفتار خود را تغییر می‌دهد وجود ندارد. برداشته شدن تحریم‌ها بیشتر از آنکه رنج مردم ایران را کم کند باعث ادامه بدبختی آنها از طریق بیشتر کردن فرصت و زمان برای در قدرت ماندن رژیم می‌شود. اگر آمریکا واقعاً به دنبال کمک به مردم ایران است نمی‌تواند با اقداماتی دیگر، رژیم ایران را تقویت کند! اگر بنا بر کمک به مردم باشد، آمریکا باید برای مشروعیت‌زدایی از رژیم و در عین حال نشان دادن دوستی خود به مردم ایران اقداماتی انجام دهد.

آمریکا می‌تواند در همکاری با متحدان اروپایی خود از طریق نهادهای بین‌المللی و سازمان‌های امدادی مثل سازمان بهداشت جهانی و صلیب سرخ و پزشکان بدون رمز برای مردم ایران بسته‌های دارویی و بشردوستانه ارسال کند. این روش راهی برای مقابله با فساد و ناکارآمدی جمهوری اسلامی است. از این طریق می‌توان مطمئن بود مردم کمک‌های مورد نیاز را دریافت می‌کنند. مردم در این شرایط می‌فهمند چه کسانی به آنها کمک کرده‌اند. در مواجهه با این پیشنهاد رژیم ایران دو گزینه خواهد داشت: یا مرزهایش را به روی همه‌ی کمک‌ها باز کند یا بطور رسمی با کمک و نجات جان مخالفت کند.

خطرناک‌ترین بیماری واگیردار در ایران رژیم جمهوری اسلامی است و درمان آن برداشتن تحریم‌ها نیست.

***منبع: واشنگتن تایمز**
***نویسنده: مارک والاس و مایکل ماکوفسکی**
***ترجمه و تنظیم: کیهان لندن**

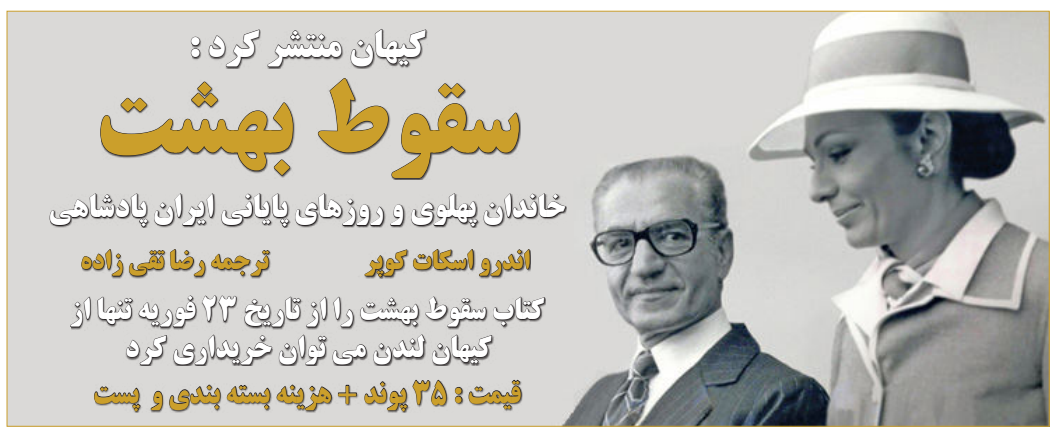

تاریخ شفاهی ایران
خاطرات عبدالرضا انصاری
(۱۷)

مسألهٔ پرداخت ارز به محصلین دیگر جنبهٔ عادی به خود گرفته و به‌طور اتوماتیک انجام می‌شد. خلاصه در تمام رشته‌ها، در اجرای برنامه‌هایی که مورد تصویب دولت قرار گرفته بود، در سراسر کشور فعالیتهایی جریان داشت و به‌غیر از وزارتخانه‌های جنگ و خارجه، کلیه سازمانهای دولتی دربارهٔ یک یا چند برنامه با سازمان اصل چهار همکاری داشتند و روابط منطقی مناسبی برقرار نموده بودند و هر جا که در سطح کشور یک اتومبیل اصل چهار دیده می‌شد مردم عادی به دور آن جمع شده و اگر لازم بود از هیچ گونه کمک دریغ نمی‌کردند. فقط در یک مورد در شهر شیراز به‌تحریک عوامل چپی، غائله‌ای در دفتر اصل چهار ایجاد شد که موجب نگرانی مأمورین آمریکایی بود ولی در این مورد نیز ایرانیانی که در برنامه کار می‌کردند و مأمورین دولتی که به‌دستور شخص آقای دکتر مصدق به محل اعزام شده بودند، در کوتاه زمانی غائله را برطرف ساختند و کارها به‌حالت عادی برگشت.در بهار ۱۳۳۳ (اوایل ۱۹۵۳) آقای دکتر محمد مقدم که بیشتر برای امور ترجمه با وارن همکاری داشت، تصمیم گرفت برای دنبال کردن کارهای تحقیقاتی به دانشگاه برگردد. بنابراین، وارن از من خواست که به‌طور تمام وقت در دفتر مرکزی مشغول کار شوم.

در روز بیست و پنجم مرداد ۱۳۳۲ ساعت هفت صبح رادیو تهران اعلام کرد که در شب گذشته عده‌ای از افسران گارد شاهنشاهی قصد یک کودتای نظامی داشته‌اند که در اثر مراقبت دولت، کودتاچیان دستگیر و زندانی شده‌اند و بعداً طی روز اعلام شد که اعلیحضرت با یک هواپیمای کوچک ارتشی از ایران خارج شده و در بغداد فرود آمده‌اند.

آن روز اصل چهار مانند سایر سازمانهای دیگر دولتی به کار خود ادامه می‌داد و چون ازچندی پیش ترتیبی داده شده بود که در عصر روز بیست و ششم مرداد یک مهمانی کوکتل با شرکت حدود یکصد نفر از مقامات ایرانی و آمریکایی در منزل وارن که در زرگنده نزدیک تجریش قرار داشت برگذار شود، امور مربوط به این میهمانی نیز به‌طور عادی پیش می‌رفت و در ساعت مقرر، تمام میهمانان ازجمله آقای حسین علاء به منزل ایشان آمدند.

نزدیک غروب بود که خبر رسید شهر تهران متشنج است و عده‌ای که پرچمهای سرخ به دست دارند راه افتاده‌اند و شیشه‌های مغازه‌ها را شکسته و اموال مردم را غارت می‌کنند و مجسمه‌های شاه را هم در میدانهای شهر به پایین می‌کشند. با رسیدن این اخبار، میهمانان به‌تدریج جلسهٔ میهمانی را ترک کردند و یک حالت بهت‌زدگی به همه دست داده بود. ولی روز بعد با مراقبت مأمورین انتظامی، کارها جریان عادی خود را دنبال کرد و در اصل چهار هم خبر جدیدی نبود و دستگاه به کار خود ادامه می‌داد. در روز بیست و هشتم مرداد ساعت ۱۰ صبح جلسهٔ هیأت مدیرهٔ «بنیاد خیریهٔ دریفوس» در بانک ملی ایران تشکیل می‌شد.

این بنیاد در زمان جنگ توسط همسر سفیر آمریکا، آقای دریفوس برای کمک به مستمندان و درماندگان تشکیل یافته بود. هیأت مدیرهٔ این بنیاد عبارت بودند از تعدادی همسران مقامات عالی سفارت آمریکا و عده‌ای خانمهای متشخص ایرانی به‌علاوهٔ آقای دکتر دفتری معاون بانک ملی. جلسات این هیأت هم در ساختمان بانک ملی و با حضور یکی دو نفر صاحب منصبان عالیرتبهٔ بانک از جمله آقای خوش‌کیش تشکیل می‌شد. از وارن هم دعوت کرده بودند که به‌عنوان عضو هیأت مدیره در این جلسات شرکت نماید. ایشان نیز مرا به‌عنوان جانشین خود در هیأت مدیره معرفی نموده بود و پس از این که همسر وارن به ایران آمد او نیز در جلسات هیأت مدیره شرکت می‌کرد.

در روز بیست و هشتم مرداد طبق قرار قبلی جلسه هیأت مدیره در ساعت ۱۰ صبح تشکیل گردید و کلیهٔ اعضا نیز در آن شرکت داشتند و به امور مربوطه رسیدگی کردند و حدود ظهر جلسه پایان یافت و من هم به اصل چهار مراجعت کردم. وقتی به اداره رسیدم خبر دادند که چون جنوب شهر شلوغ است قرار است اداره تعطیل باشد. بنابراین کارمندان در حال رفتن به منازلشان بودند ولی من به دفترم رفتم و سرگرم رسیدگی به کارهای روزانه شدم و رادیویی را که در دفترم داشتم باز گذاشتم که اگر خبری باشد، آگاه شوم.

در حدود ساعت ۲ بعد از ظهر بود که صدای تیراندازی در خیابان پهلوی و خیابان کاخ و بطور کلی آن منطقه شروع شد و همینطور ادامه داشت تا این که در رادیو صدای کسانی که به دستگاه فرستندهٔ رادیو حمله کرده و آن را گرفته بودند، شنیده شد که اعلام می‌کردند دولت آقای دکتر مصدق برکنار شده و تیمسار زاهدی زمام امور را به‌دست گرفته‌اند و در این موقع بود که مردم به خیابانها آمدند و تعداد زیادی هم کامیون و جیپ که پاسبانها و نظامیان در آن بودند در شهر می‌گشتند و شعارهای زنده‌باد شاه می‌دادند.

در مورد وقایعی که در آن روز گذشت آنقدر گفته شده است که من لزومی نمی‌بینم بیشتر دربارهٔ آن صحبت کنم و منظورم از ذکر وقایع آن روز تا آنجایی که من شخصاً حضور داشتم این است که کسانی که دربارهٔ حقایق وقایع روز بیست و هشتم مرداد ۱۳۳۲ تحقیق می‌کنند به این نکته توجه داشته باشند که هرگاه مقامات عالی سفارت آمریکا و اصل چهار از وقایعی که باید آن روز اتفاق می‌افتاد آگاهی داشتند امکان عقلی نداشت در حالی که منازل کلیهٔ آنها در مناطق شمال تهران مانند تجریش و زرگنده و الهیه قرار داشت اجازه بدهند که همسرانشان به مرکز شهر یعنی خیابان فردوسی که محل ساختمان بانک ملی بود، بیایند و در جلسه یک بنیاد خیریه شرکت کنند.

به‌هر حال روز بیست و نهم مرداد ادارهٔ اصل چهار طبق معمول گذشته فعالیت خود را شروع کرد و تغییر دولت اثری در جریان کارها به‌وجود نیاورد که دربارهٔ آن توضیح خواهم داد. ولی قبل از آن باید ذکر کنم که بعد از انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ و خارج شدن از ایران، کتاب آقای کرمیت روزولت که دربارهٔ وقایع ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ نوشته بود، به دستم رسید. در این کتاب، ایشان جریانات پشت پردهٔ سیاست را از نظر خودش توضیح داده بود و نشان می‌داد که آمریکائیان تا چه حد در پیش آمدن وقایع ۲۸ مرداد مؤثر بوده‌اند. پس از خواندن این کتاب، به وارن نوشتم و از او خواستم حال که دوران بازنشستگی را می‌گذراند وجداناً برای من که از نزدیکترین دوستان ایرانی او بودم، روشن کند که در تمام آن سالهایی که ایشان به‌عنوان نمایندهٔ آمریکا و یک دوست با آقای دکتر مصدق و دولت ایشان ارتباط نزدیک و همکاری داشت و حتی با پسر آقای دکتر مصدق یعنی دکتر غلامحسین مصدق مرتباً در تماس بود، آیا این کار را فقط به‌حسب وظیفهٔ میهنی خود انجام می‌داد و در حقیقت یک نوع ظاهرسازی بود و در پشت پرده مشغول توطئه برای برکناری ایشان بوده است؟ جواب ایشان بطور روشن و بدون ابهام این بود که به هیچ وجه از اقداماتی که آقای روزولت از آن یاد می‌کند، اطلاع نداشته و جزئی‌ترین دخالتی در آن نداشته است. پس از چند روزی که تیمسار زاهدی ریاست دولت را به‌دست گرفتند از وارن رئیس اصل چهار دعوت شد برای ملاقات با آقای نخست‌وزیر به کاخ وزارت امور خارجه بروند.در این ملاقات که آقای عبدالله انتظام وزیر خارجه جدید و آقای دکتر امینی وزیر دارایی جدید نیز حضور داشتند من نیز وارن را همراهی می‌کردم و وظیفهٔ ترجمه را به‌عهده داشتم. پس از مراسم معرفی و تعارفات معمول، تیمسار زاهدی مانند یک سردار فاتح، با وقار کامل و صدایی آرام و گیرا، اظهار داشت: «دولت مصمم است برای برقراری نظم و آرامش و رفع فقر و پریشانی که سراسر کشور را در بر گرفته است، اقدامات عاجل و دامنه‌داری را شروع کند و چون از طریق پسرم اردشیر از فعالیتهای اصل چهار در تمام مملکت اطلاع دارم و می‌دانم سازمان شما در شهرها و روستاها مشغول اقداماتی است که بهرهٔ آن نصیب مردم عادی در پائین‌ترین سطح اجتماع می‌شود لذا می‌خواستم به شما اطمینان بدهم که در آینده از هر گونه پشتیبانی دولت برخوردار خواهید بود. ضمناً از شما می‌خواهم که هرچه سریعتر برای رفع بیکاری در منطقهٔ تهران که تعداد بیکاران به‌حد وحشتناکی رسیده است، اقداماتی را شروع کنید که به‌فوریت تعداد قابل توجهی به کار مشغول شوند.».

در مورد روابط دولت جدید با سازمان اصل چهار نیز اظهار داشتند: «رویه‌هایی که تا به‌حال برقرار گردیده به‌جای خود باقی خواهد ماند و موافقتنامه‌ها و قراردادهای مصوب دولت سابق، بدون تغییر مورد قبول است و فقط به‌جای آقایان وزرای سابق که با اصل چهار همکاری داشته‌اند وزرای جدید امور مربوطه را عهده‌دار خواهند بود.».

وارن نیز ضمن اظهار خوشوقتی از ملاقات با ایشان و اظهار تشکر از تأییدی که از برنامه‌های اصل چهار شد، به‌اطلاع تیمسار رساندند که بر اساس تصمیم دولت آمریکا که طی نامهٔ آقای لوئی هندرسن به دولت اعلام شده است علاوه بر برنامهٔ کمکهای فنی که تا به‌حال در جریان بوده برای رفع مشکلات دولت مبلغ چهل و پنج میلیون دلار نیز به‌عنوان کمک مالی در نظر گرفته شده که به‌تدریج از طریق سازمان اصل چهار در اختیار دولت قرار داده خواهد شد و اولین پرداخت نیز ظرف چند روز آینده در اختیار وزارت دارایی برای تأمین حقوق کارکنان دولت گذاشته خواهد شد که بتواند حقوقهای چند ماه عقب افتادهٔ کارمندان را پرداخت نماید و من را نیز به‌عنوان رابط به آقای دکتر امینی وزیر دارایی معرفی کردند. این جلسه به‌صورت بسیار خوبی به‌پایان رسید و در پایان جلسه، آقای انتظام مرا مورد لطف و محبت قرار دادند که توانسته بودم وظیفهٔ بسیار حساسی را که از بابت ترجمه به من محول شده بود به‌خوبی انجام دهم. بعد از ظهر آن روز، جلسه‌ای با شرکت تعدادی از مسؤولین طرحها در اصل چهار تشکیل گردید و موضوع خواستهٔ آقای نخست وزیر دربارهٔ شروع کارهایی که عده‌ای از بیکاران را مشغول نماید، مطرح شد و پس از بررسیهای مفصل بالاخره تصمیم گرفته شد که در چهارچوب طرحهای مصوبه و اعتبارات موجود، با به‌کار گماردن تعدادی قابل ملاحظه از کارگران به‌صورت روزمزد در طرحهای کشاورزی و بهداشتی که در منطقه تهران در دست اجرا بود، اقدام شود. ازجمله طرح ساختن سد کرج که به‌منظور تأمین آب آشامیدنی تهران از طرف دولت شروع شده و عملیات راه‌سازی اطراف سدّ که به‌علت نداشتن امکانات مالی به‌کندی پیشرفت می‌کند ضمن این برنامه کمک فوری منظور شده و با تأمین اعتبار و کمک به سازمان سدّ کرج در مورد به‌کار گماردن عده قابل ملاحظه‌ای کارگر به‌صورت روزمزد اقدام شود. در هفته بعد نیز اولین کمک مالی به دولت ایران برای پرداخت حقوق‌های عقب‌افتادهٔ کارکنان به‌مبلغ پنج میلیون دلار در اختیار وزارت دارایی قرار داده شد و با این عمل، ارتباط اصل چهار با دولت ایران که تا آن تاریخ فقط به کمکهای فنی و کارشناسی و طرحهای کوچک آزمایشی محدود بود در سطح وسیعتری که امور مالی را نیز در بر می‌گرفت گسترش یافت و به‌مدت دو سه ماه ادامه یافت تا این که یک روز وقتی طی ملاقات با آقای دکتر امینی وزیر دارایی، چک پنج میلیون دلاری کمک ماهانه را حضورشان بردم، چک را به من برگرداندند و گفتند به این آقایان بگوئید که ما احتیاج به صدقه نداریم و اگر می‌خواهند کمکی به دولت بکنند باید تمام وجوهی را که طبق نامه رسمی تعهد کرده‌اند یکجا در اختیار دولت بگذارند که دردی را دوا کند والاّ این پرداختهای ماهانه هرچند در یکی دو ماه اول کمک مهمی بود ولی ما لازم نداریم برای همیشه به این صورت کمک به ما بشود.

ادامه دارد

بلومبرگ: ونزوئلا ۹ تن شمش طلا به ارزش ۵۰۰ میلیون دلار در اختیار ایران قرار داده

● واپیمایی ماهان در چندین پرواز مواد افزودنی برای تولید بنزین، قطعات و گروهی تکنسین برای کمک به تعمیر یکی از پالایشگاه‌های قدیمی ونزوئلا منتقل کرده است.

● پمپئو وزیر خارجه آمریکا گفته پروازهای ماهان به ونزوئلا باید متوقف شود. وی از کشورهای دنیا خواسته حریم هوایی خود را برای پروازهای ماهان ممنوع کنند.

ایرباس پهن‌پیکر ماهان در فرودگاه ونزوئلا

رژیم چپگرای نیکلاس مادورو دیگر پولی در بساط ندارد. خبرگزاری بلومبرگ در گزارشی می‌نویسد ونزوئلا در قبال کمک جمهوری اسلامی ایران به احیای پالایشگاه‌های بنزین این کشور ۹ تن طلا به ارزش ۵۰۰ میلیون دلار در اختیار حکومت ایران قرار داده است.

در این گزارش که اول ماه مه (۱۲ اردیبهشت) منتشر شد آمده دولت ونزوئلا ۹ تُن شمش طلا معادل ۵۰۰ میلیون دلار در ماه آوریل در هواپیماهایی به مقصد تهران بارگیری کرده تا هزینه کمک این کشور به احیای پالایشگاه‌های بنزین ونزوئلا را بپردازد.

ارسال این محموله طلا که باعث کاهش ناگهانی ذخایر خارجی ونزوئلا شده، تنها ۶.۳ میلیارد دلار سرمایه ارزی برای این کشور داشته که پایین‌ترین حد طی سه دهه گذشته است.

رژیم اسلامی ایران و دولت چپگرای ونزوئلا سعی می‌کنند با تحریم‌های آمریکا، شیوع ویروس کُرونا و کاهش قیمت نفت که درآمد اصلی آنهاست مقابله کنند. این معامله‌ها با ونزوئلا یک منبع جدید درآمد برای جمهوری اسلامی ایران است و به ونزوئلا اطمینان می‌دهد تولید و عرضه بنزین ادامه دارد.

در هفته‌های گذشته هواپیماهای شرکت ماهان چندین پرواز به ونزوئلا داشته و در اغلب این پروازها مواد افزودنی برای تولید بنزین، قطعات و گروهی تکنسین را برای کمک به تعمیر یکی از پالایشگاه‌های قدیمی ونزوئلا در شمال غرب این کشور به ونزوئلا برده است.

همزمان «ماهان ایر» هواپیماهای دیگری را به یک فرودگاه بین‌المللی در خارج از کاراکاس فرستاده تا شمش‌های طلا را به مقصد تهران بارگیری کنند.

با سقوط قیمت نفت، ذخایر طلا که در کاراکاس نگهداری می‌شود به یک منبع با اهمیت ثروت برای ونزوئلا تبدیل شده است. در حالی که این کشور ۷۰ تن طلا در ذخایر خود دارد، فروش آنها روز به روز سخت‌تر می‌شود.

در واکنش به همکاری تهران با کاراکاس برای دور زدن تحریم‌های آمریکا مایک پمپئو در توییتی نوشته «ما از رفتار بی‌ثبات کننده رژیم ایران در ونزوئلا بسیار نگران هستیم، هواپیمایی [ماهان] ایران محموله‌های نامعلومی را برای حمایت از حکومت ونزوئلا به این کشور منتقل کرده. ما تلاش خود را برای احیای دموکراسی ادامه می‌دهیم و خواهان کنار گذاشتن رژیم مادورو هستیم».

وزیر خارجه آمریکا پیش از این نیز در یک سخنرانی خواستار توقف پروازهای ماهان به ونزوئلا شده بود و از کشورهای جهان خواست حریم هوایی خود را به روی هواپیمایی ماهان ببندند. مقامات جمهوری اسلامی هنوز به خبر حمل و نقل‌های بین ایران و ونزوئلا واکنش نشان نداده‌اند.

ممنوعیت فعالیت «حزب‌الله» و تروریستی نامیدن آن از سوی دولت آلمان چه پیامی برای جمهوری اسلامی دارد؟

● شمار زیادی از مساجد و انجمن‌های اسلامی در اروپا که پاتوق نیروهای حزب‌الله است پیدا و پنهان با سفارتخانه‌های رژیم ایران در اروپا ارتباط دارند و به صورت شبکه‌ای فعالیت می‌کنند.

● بخشی از نیروهایی که در برون مرزهای کشور با جمهوری اسلامی همکاری دارند مزدور هستند و فقط برای پول خرابکاری می‌کنند. به این ترتیب وقتی کارفرما با کمبود منابع مالی روبرو شود، آنها برای تأمین خود به منابع دیگری روی می‌آورند و آنچه برای امثال جمهوری اسلامی باقی می‌ماند فقط افراد سیاسی- عقیدتی هستند که مهارت لازم برای انجام عملیات ندارند!

● تنگنای مالی جمهوری اسلامی پیامدهای خود را امروز در آلمان نشان داد و دولت این کشور در مقابله با تحرکات خرابکارانه و تروریستی حزب‌الله سرانجام آن را بطور کامل ممنوع و جزو سازمان‌های تروریستی اعلام کرد.

● اقدام دولت آلمان گامی بلند برای مقابله تروریسم و بنیادگرایی اسلامی و ضربه‌ای کوبنده علیه جمهوری اسلامی به شمار می‌رود.

برگزاری مراسم یادبود سلیمانی فرمانده سپاه قدس در برلین با سخنرانی سفیر رژیم ایران دی‌ماه ۱۳۹۸

در پی سقوط شدید قیمت نفت، ادامه «کارزار فشار حداکثری» دولت ترامپ علیه رژیم ایران و افزون بر آن شیوع کُرونا درآمدهای سالانه حزب‌الله را به شدت کاهش داده است. آیا ممنوع شدن فعالیت حزب‌الله در آلمان و قرار گرفتن شاخه سیاسی آن در لیست سازمان‌های تروریستی می‌تواند در چارچوب تشدید تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی ارزیابی شود؟

۳۰ آوریل (۱۱ اردیبهشت) سرانجام پس از سال‌ها دولت آلمان تصمیم گرفت فعالیت شاخه سیاسی حزب‌الله را نیز در آلمان ممنوع کند. شماری از تحلیلگران و رسانه‌ها می‌گویند اسرائیل و آمریکا به آلمان فشار آورده‌اند تا فعالیت شاخه سیاسی حزب‌الله را نیز مانند شاخه نظامی آن ممنوع کرده و آن را در لیست سازمان‌های تروریستی قرار دهد. اما به نظر می‌رسد این همه‌ی ماجرا نباشد. ضمن آنکه شاخه نظامی این گروه از سال ۲۰۱۳ در لیست تروریسم از سوی اتحادیه اروپا قرار داد. حزب‌الله لبنان در اوایل دهه ۸۰ میلادی پس از انقلاب ۱۹۷۹ در ایران توسط جمهوری اسلامی شکل گرفت و از آن زمان رژیم ایران اصلی‌ترین تغذیه‌کننده مالی و تسلیحاتی این گروه تروریستی است.

از سوی دیگر، در طول تقریبا چهار دهه، حزب‌الله به یکی از قوی‌ترین بازوی‌های جمهوری اسلامی در اروپا تبدیل شد. سال‌هاست مساجد و «مراکز اسلامی» که تحت پوشش مسائل فرهنگی و با ادعای فعالیت در چارچوب قوانین اساسی کشورهای اروپایی فعالیت می‌کنند، با حمایت‌های مالی جمهوری اسلامی به عنوان محافلی برای تبلیغ شیعه‌گری و جذب جوانان تلاش می‌کنند. فعالیت‌های تبلیغاتی و مالی جمهوری اسلامی و گروه‌های مذهبی وابسته به آن از جمله حزب‌الله لبنان به ویژه در آلمان بسیار گسترده است.شمار زیادی از مساجد و انجمن‌های اسلامی در اروپا که پاتوق نیروهای حزب‌الله و بنیادگرایان اسلامی است پیدا و پنهان با سفارتخانه‌های رژیم ایران در اروپا ارتباط دارند و به صورت شبکه‌ای فعالیت می‌کنند.

مراکز و انجمن‌های اسلامی در ماه محرم از هامبورگ تا هانوفر و از برلین تا برمن با حمایت نیروهای حزب‌الله دسته‌های سینه‌زنی و زنجیرزنی به راه می‌اندازند. آنها پای اصلی برگزاری روز قدس و تبلیغات ضدیهودی در آلمان هستند. آنان در تمام سال‌های گذشته با مجوز ادارات مسئول و برخورداری از حفاظت پلیس در تجمعات خود پوسترهای خمینی و حسن نصرالله و علی خامنه‌ای را به دست می‌گرفتند و هر جا که لازم بود با فرصت‌طلبی کامل در نقش گروه‌های فشار در تجمعات به اخلال پرداخته و خرابکاری می‌کردند.

دستگاه امنیتی آلمان همواره فعالیت گروه‌های مختلف از جمله بنیادگرایان اسلامی را نه تنها رصد می‌کند بلکه هر سال گزارشی مبسوط درباره آنها منتشر می‌کند. رهبران آلمان همیشه از فعالیت‌های مشکوک حزب‌الله در کشور خود با خبر بوده‌اند. هایکو ماس وزیر خارجه آلمان در دسامبر سال ۲۰۱۹ (آذر ۱۳۹۸) در توییتی نوشته بود «حزب‌الله حق موجودیت اسرائیل را رد کرده، آن را تهدید می‌کند و خود را به شدت مسلح می‌کند. آنها در سوریه نیز یاری‌رسانان بی‌رحم اسد هستند. ما در آلمان باید تمامی ابزار دولت حقوقی را به کار بگیریم تا با فعالیت‌های جنایتکارانه و تروریستی حزب‌الله مقابله کنیم».

از خصوصیات مشترک سازمان‌های تروریستی این است که وقتی لایه یا گروهی از آنها شناسایی می‌شوند بقیه آنها تا مدت‌ها ناپدید شده و فعالیت خود را بیش از پیش زیرزمینی می‌کنند و همین شناسایی آنها را سخت‌تر می‌کند.

تا پیش از آنکه شاخه سیاسی حزب‌الله در آلمان در فهرست سازمان‌های تروریستی قرار بگیرد برای فعالیت‌های خود مجوز داشت. اعضای ارشد این سازمان در انجام اقدام ضدامنیتی در زیر پرچم قانون کارکشته هستند. بنابراین قرار دادن آنها در فهرست سازمان‌های تروریستی با وجود اطلاع از فعالیت‌های آنها، به رصد دقیق و شناسایی شبکه‌های پیچیده و ارتباطات و تحرکات آنها نیازمند بود تا پیش از ممنوعیت بتوان آنها را ناکار کرد.از سوی دیگر چنانکه هایکو ماس نیز اشاره کرده، برای متوقف کردن فعالیت‌های این سازمان نیاز به استفاده از ابزارهای قانونی بود.

در اغلب کشورهای دنیا بین سفارتخانه‌های جمهوری اسلامی ایران و نیروهای حزب‌الله ارتباط تنگاتنگی برقرار است. به عنوان مثال در سال ۲۰۱۳ سازمان اطلاعاتی آلمان با شنود مکالمه اعضای سفارت رژیم ایران در بیروت و نیروهای حزب‌الله متوجه شد که بشار اسد علیه غیرنظامیان از سلاح شیمیایی استفاده کرده است.

گزارش‌های متعددی در مورد رابطه با آیت‌الله رضا رمضانی امام جمعه و مدیر پیشین مرکز اسلامی هامبورگ و نماینده مرجعیّت اعلای شیعه در آلمان از سوی نهادهای امنیتی آلمان منتشر شده است. او اکنون دبیرکل «مجمع جهانی اهل بیت» و نماینده گیلان در مجلس خبرگان است.

سفارت جمهوری اسلامی در آلمان با کمک مراکز و انجمن‌های اسلامی در چند شهر آلمان از جمله برلین و فرانکفورت حتی مراسم یادبود قاسم سلیمانی را برگزار کرد و نیروهای حزب‌الله نیز در آن شرکت کردند.

بر اساس تعریف هم در زبان و هم در تاریخ، «مزدور» (mercenary) به نیروی نظامی یا شبه‌نظامی گفته می‌شود که عمدتا بدون انگیزه‌های ملی- مذهبی و فقط به عنوان «حرفه» در برابر دریافت دستمزد به نیابت از یک سازمان یا دولت به صورت پیمانکار عمل می‌کند و فقط به وظیفه‌ی محول شده به او عمل می‌کند و پول می‌گیرد.

بخش مهمی از نیروهای برون‌مرزی که با جمهوری اسلامی همکاری دارند در این معنا مزدور به شمار می‌روند. تأمین آنها یکی از اقلام مهم هزینه‌های رژیم ایران را تشکیل می‌دهد.

به این ترتیب وقتی کارفرما با کمبود منابع مالی روبرو می‌شود، به ویژه نیروهای حرفه‌ای و کارکشته دیگر انگیزه‌ای برای ادامه‌ی فعالیت ندارند و به منابع دیگری برای تأمین خود روی می‌آورند. در چنین شرایطی فقط آن افرادی دور مزددهنده باقی می‌مانند که اعتقادات ایدئولوژیک آنها بر انگیزه‌های مالی بچربد.

اما این باقیماندگان گرچه عمدتاً «جان‌فدا»تر هستند ولی از مهارت کافی برای اجرای ماموریت‌ها برخوردار نیستند! اگر این افراد مؤمن و معتقد از نظر حرفه‌ای نیز کارآمد می‌بودند، کارفرمایان ترور و اخلال مجبور نمی‌شدند مزدوران حرفه‌ای جذب کنند!

از همین رو بین کاهش منابع مالی و کیفیت نیروهای تحت امر دولت‌ها و سازمان‌های تروریستی رابطه مستقیم برقرار است. هرچه رهبران آنها پول بیشتری خرج کنند مزدوران ماهرتری را جذب می‌کنند. روشن است که وقتی یک دولت یا سازمان تروریستی نیروهای با کیفیت و ماهر را مامور اهداف خود می‌کند تا رد پایی از آنها باقی نگذارند، شناسایی آنها برای نهادهای امنیتی کشورهای میزبان سخت‌تر خواهد بود. آنطور که آمریکا اعلام کرده است، هدف ایالات متحده از کارزار فشار حداکثری علیه جمهوری اسلامی، از جمله قطع تامین مالی تروریسم است که بطور طبیعی ریزش نیروهای مزدور از پیامدهای آن است. در این شرایط یک سازمان تروریستی و حکومتی مانند جمهوری اسلامی که از آنها استفاده می‌کند، با کمبود نیروی ماهر روبرو شده و فعالیت‌های ضدامنیتی آنها بسیار آسانتر شناسایی می‌شود. لو رفتن ماموریت، افشای شبکه‌های مالی و پولشویی، اشتباهات فردی و ارجحیت دادن به باورهای ایدئولوژیک و دینی در مواقعی که به زیان فرمان‌دهندگان است از پیامدهای سپردن ماموریت‌های مهم به دست نیروهای غیرماهر و صرفا سیاسی- عقیدتی است.تنگنای مالی جمهوری اسلامی پیامدهای خود را امروز در آلمان نشان داد و دولت این کشور در مقابله با تحرکات خرابکارانه و تروریستی حزب‌الله سرانجام آن را بطور کامل ممنوع و جزو سازمان‌های تروریستی اعلام کرد.از طرفی بخش عمده فعالیت‌های حزب‌الله در آلمان تحت پوشش موسسات نیکوکاری و حتی یتیم‌خانه‌ها بوده است. درواقع تنگدستان و کودکان بی‌سرپرست به عنوان سپر انسانی حزب‌الله در این کشور مورد سوء استفاده قرار می‌گرفته‌اند. واقعیت این است که پیوند عاطفی و هویتی میان مزدور یا اعضای سازمان‌های تروریستی با بدنه‌ی جامعه‌ای که به آن احساس تعلق می‌کنند (مثلا جامعه مسلمانان آلمان) مقابله با فعالیت‌های تروریستی را به شدت پیچیده و دشوار می‌کند. اقدام دولت آلمان گامی بلند برای مقابله تروریسم و بنیادگرایی اسلامی و ضربه‌ای کوبنده علیه جمهوری اسلامی به شمار می‌رود. ممنوعیت و تروریستی اعلام شدن حزب‌الله لبنان در آلمان این پیام را برای محافل مشکوک مذهبی- سیاسی وابسته به رژیم ایران دارد که نیروهای امنیتی آلمان که همواره آنها را زیر نظر داشته‌اند، دیر یا زود به سراغ آنها نیز خواهند آمد.

۴۰۰ طلبه حوزه‌های علمیه خواستار بازداشت و محاکمه آذری‌جهرمی و فیروزآبادی شدند!

● امضاکنندگان این نامه، فیروزآبادی و آذری‌جهرمی را «متهم ردیف اول پرونده» دانسته که «مکررا، به نفع سرویس‌های خارجی وقت‌کشی کرده و تعهدات خود را طی ۵ سال اخیر نقض کرده و به دستورات و منویات رهبر انقلاب عمل نکرده‌اند.»

● در این نامه تحت عناوینی چون سلب امنیت روانی مردم با انتشار دروغ و شایعات در مورد ویروس کرونا، فراهم کردن «ترویج اباحه‌گری و قبح‌شکنی گناه، حمله به مقدسات دینی و ارزش های اسلامی- ایرانی، ترویج سبک زندگی غربی، ترویج بی‌خدایی، مسیحت، بهائیت و عرفان‌های کاذب» مورد انتقاد قرار گرفته است.

● در بخش دیگری از نامه طلاب به سیدابراهیم رئیسی این نهادها به «مخاطره انداختن امنیت ملی از طریق بهره‌گیری گروه‌های تروریستی از شبکه‌های اجتماعی مطلقا بی‌ضابطه برای هَماهنگی و ارتباط‌گیری» نیز متهم شدند و از «حمله داعش به مجلس شورای اسلامی، حرم امام خمینی و مراسم رژه‌ی نیروهای مسلح در اهواز، اغتشاشات دی‌ماه ۹۶ و آبان ۹۷» به عنوان گوشه‌ای از پیامد این اقدامات یاد اشاره شده است.

۴۰۰ طلبه از حوزه‌های علمیه ۶۵ شهر در نامه‌ای از سیدابراهیم رئیسی رئیس قوه قضاییه خواستند تا محمدجواد آذری جهرمی وزیر ارتباطات و ابوالحسن فیروزآبادی رئیس شورای عالی فضای مجازی را تحت عنوان «عاملان ولنگاری فاجعه بار فضای مجازی» بازداشت و محاکمه کند.

شورای هماهنگی گروه‌های فرهنگی حوزه، مجمع نمایندگان طلاب حوزه علمیه قم و بیش از ۴۰۰ نفر از طلاب حوزه‌های علمیه از ۶۵ شهر کشور در نامه‌ای از ابراهیم رئیسی رئیس قوه‌قضائیه خواستند تا محمدجواد آذری‌جهرمی وزیر ارتباطات و ابوالحسن فیروزآبادی رئیس شورای عالی فضای مجازی را تحت عنوان «عاملان ولنگاری فاجعه‌بار فضای مجازی» بازداشت و محاکمه کنند.

امضاکنندگان این نامه، فیروزآبادی و آذری‌جهرمی را «متهم ردیف اول پرونده» دانسته‌اند که «مکررا، به نفع سرویس‌های خارجی وقت‌کشی کرده و تعهدات خود را طی ۵ سال اخیر نقض کرده و به دستورات و منویات رهبر انقلاب عمل نکرده‌اند.»

طلاب حوزه‌های علمیه در نامه خود به رئیسی نوشتند که «اسناد و مدارک تخلف‌های فراوان نامبردگان از قوانین کشور» را می‌توانند در اختیار وی بگذارند.

به نظر می‌رسد درخواست این طلاب برای بازداشت مسئولان فضای مجازی، در واکنش به جنجال‌های اخیری باشد که بین برخی از سلبریتی‌ها و چهره‌های شناخته شده در اینستاگرام رخ داده است. پس از بروز ویروس کرونا در ایران و خانه‌نشینی اجباری مردم، بر شمار فعالیت کاربران فضای مجازی به‌خصوص در اینستاگرام، افزوده شد و گفتگوهای زنده در این شبکه اجتماعی و اظهارات و عملکرد آنان، بحث‌برانگیز شد.

در این نامه، به سخنرانی علی خامنه‌ای درباره اهمیت فضای مجازی اشاره شده که از آن به عنوان «قتلگاه نوجوانان و جوانان» و «سلاح شیمیایی» که دشمن علیه مردم به کار می‌برد، یاد کرده و مسئولان را «موظف به تاراندن دشمن از فضای مجازی» کرد.

امضاکنندگان نامه، عملکرد وزارت ارتباطات در «عدم راه‌اندازی شبکه ملی اطلاعات» را «دشمن‌پسند» توصیف کردند که مورد انتقاد خامنه‌ای هم بوده ولی «نتوانست این نهادها را ملزم به انجام وظایف قانونی خود کند!»

در متن این نامه، طلبه‌های حوزه‌های علمیه مواضع و عملکرد آذری‌جهرمی و فیروزآبادی «فاجعه‌بار» توصیف شده که «گویای آن است اساسا این دو مسئول، اعتقادی به سر و سامان

ادامه در صفحه ۱۷

زنان شاخص

اختر کریمی زند

(۱۳۰۷ - ۱۳۹۴)

اختر کریمی زند با نام هنری دیانا هنرپیشه تلویزیون و سینمای ایران بود. او تحصیلات خود را در مقطع ابتدایی رها کرد. وی همسر «عبدالوهاب شهیدی» (خواننده) می‌باشد. یکی از بازیگران زن نقش‌های کمدی در سینما و همین‌طور سریال‌های تلویزیونی در پیش از انقلاب.

وی از سال ۱۳۳۰ فعالیت خود را با بازی در نمایش «فتح سنندج» در تئاتر سپاهان اصفهان آغاز نمود. او در مدت ۱۵ سال حضور در صحنه تئاتر در نمایش هائی مانند: بینوایان، خانه برنارد آلبا، بتکده سومنات، از کجا آورده‌ای، پدر مصلحتی، جان فدای وطن، مست ومعروفه و یک اشتباه از خردمندترین آدم‌ها سر می‌زند، الوت، در پوست شیر، هاملت با سالاد فصل لبنک اب فروش بازی کرد

کریمی‌زند فعالیت خوانندگی و گویندگی در رادیو را از سال ۱۳۴۰ آغاز کرد. او در این زمان نام «دیانا» را برای خود برگزید. او در سال ۱۳۳۸ با بازی در فیلم «تپه عشق» ساخته ساموئل خاچیکیان فعالیت سینمایی خود را آغاز نمود. چند ماه بعد به دعوت تلویزیون ملی ایران در مجموعه «خانه قمر خانم» بازی کرد و در سال‌های بعد در مجموعه‌های تلویزیونی آلاخون‌والاخون، کانون گرم خانواده، ایتالیا ایتالیا، بینوایان، و عروسی ۷۷ ایفای نقش نمود. دیانا در فیلم سینمایی محلل ساخته نصرت کریمی و در فیلم خواستگار علی حاتمی بازی کرد. او در مرداد ۱۳۹۴ درگذشت و اجازه دفن در قطعه هنرمندان بهشت زهرا را ندادند.

خشکی پوست زیر چشم

پوست ناحیه ی اطراف چشم نسبت به سایر قسمت های بدن نازک تر و ظریف تر است. به همین دلیل کمتر قادر به حفظ رطوبت و بیشتر در معرض خشک شدن است.

از علل شایع خشکی پوست زیر چشم: مواد پاک کننده خشن صورت و یا صابون، برس آرایشی کثیف، آفتاب سوختگی، مواد محرک در لوازم آرایشی و محصولات زیبایی، محصولات مو که بر روی صورت خود می ریزید، مالش بیش از حد چشم خود، آب بیش از حد گرم در هنگام شست و شو. پوستی که خشک شده باشد پوسته پوسته نیز می شود و می تواند به سرعت خارش پیدا کرده، تحریک شده، ترک خورده، قرمز و یا حتی تغییر رنگ بدهد. خشکی پوست مزمن نیز می تواند به چین و چروک زودرس منجر شود و در حالت بدتر ممکن است پوست شما عفونت کند.

جلوگیری و درمان خشکی پوست: محصولات مناسب، همراه با سازگاری و مرطوب کننده می تواند یک راه طولانی برای مبارزه با خشکی باشد.

محصولات نامناسب: استفاده بیش از حد از پاک کننده های صورت و محصولات پوست مانند مالش، پاک کننده عمیق و لایه برداری که حاوی مواد شیمیایی خشن است می تواند پوست را خشک کند و چون پوست زیر چشم نازک تر و حساس تر است پس خیلی بیشتر در معرض التهاب می باشد.

مراقبت روزانه از پوست: هر روز صورت خود را با آب ولرم و صابون فاقد پاک کننده صورت بشویید و از یک مرطوب کننده ی بدون چربی استفاده کنید و به یاد داشته باشید که قبل از رفتن به رختخواب آرایش خود را پاک کنید.

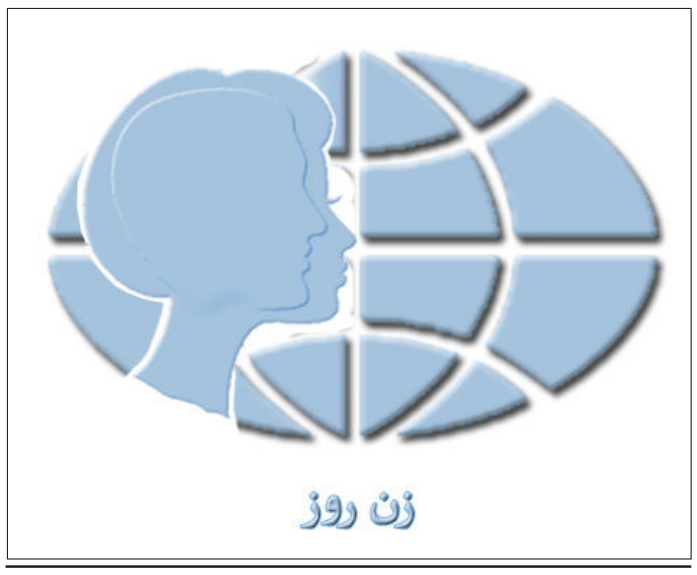

نوبهار آمد و از سبزه زمین زیبا شد
بوستان بار دگر دلکش و روح افزا شد
سبزه رویید و چمن سبز شد و غنچه شکفت
باغ یک پارچه آتشکده از گلها شد
بوی گل آورد از طرف چمن باد بهار
موسم گردش دشت و دمن و صحرا شد
ای عجب گر دل بگرفته من وا نشود
اندر این فصل که از باد صبا گل وا شد
وقت آن است که خاطر شود آزاد زغم
باید از شادی گل شاد شد و شیدا شد
مرغ دل در قفس سینه نگیرد آرام
تا غزل خوان به چمن بابل خوش آوا شد
ژاله صبحدم از چشم تر ابر چکید
گشت همخانه گل، گوهر بی همتا شد

ژاله اصفهانی

رابطه جنسی در زمان شیوع کرونا ویروس

کرونا ویروس جدید که سبب کووید ۱۹ می شود، به سرعت در سرتاسر جهان منتشر شده. در بسیاری از کشورها، انتشار این ویروس سبب شد که افراد رعایت فاصله اجتماعی را تمرین کنند. خیلی از افراد نمی دانند که آیا ملاقات با دیگران و داشتن رابطه جنسی در طول شیوع کرونا ویروس امری بی خطر است یا نه؟

نمی توان به سادگی به این سوال با "بله" یا "خیر" پاسخ داد. میزان خطر، بسته به عوامل گوناگونی نظیر این موارد متفاوت است:

می‌خواهید فرد جدیدی را ملاقات کنید
ازدواج کرده اید و فردی در زندگی تان هست
با همسرتان زندگی می کنید

شما و همسرتان به طور کلی قادر به پرهیز از داشتن تماس با افراد دیگر و محیط خارج از خانه هستید.

شما و همسرتان در دسته ای از افراد هستید که به میزان زیاد در معرض این ویروس قرار دارند.

شما و همسرتان علائم کووید ۱۹ را دارید و یا تست کووید ۱۹ شما مثبت بوده است.

اگر شما، کسی که با او زندگی می‌کنید یا کسی که با او در تماس هستید علائم کووید ۱۹ را از خود نشان داد (از جمله سرفه، تب، تنگی نفس) فرد بعد از مثبت شدن نتیجه تست، باید در داشتن ارتباط با دیگران وقفه ایجاد کند. در این زمان نه رابطه جنسی داشته باشید و نه به ملاقات کسی بروید. در این شرایط با پزشک تماس بگیرید، از او بپرسید که آیا به انجام تست کووید ۱۹ نیاز است یا نه و ببینید چگونه باید معاینه شوید.

برای انتقال کووید ۱۹، لزوما نیازی به داشتن رابطه جنسی با فردی که بیمار است نیست. کرونا ویروس به روش های دیگر (همچون از طریق ذرات تنفسی آلوده) منتقل می شود. ترشحات دهان (از جمله بزاق و خلط) و بینی می توانند حاوی ویروس باشند.

تنها راه انتقال کرونا ویروس از طریق رابطه جنسی نیست. اگر تا حدی به فرد بیمار نزدیک هستید که با او رابطه جنسی دارید، به قرار گرفتن در معرض کووید ۱۹ نیز نزدیک هستید. با این که برای داشتن اطلاعات کافی درباره کووید ۱۹ خیلی زود است، اما شواهدی وجود ندارد که نشان دهد انواع کرونا ویروس قبلی در مایع منی یا ترشحات واژن وجود داشتند. اما باید گفت که انواع مختلفی از کرونا ویروس ها در مایعات مختلفی از بدن یافت می شدند. به همین خاطر ممکن است ویروسی که سبب کووید ۱۹ (SARS-CoV-2) می شود در سایر ترشحات بدن یافت شود؛ اما قرار گرفتن در برابر ذرات تنفسی بیمار اصلی ترین راه انتقال است.

رابطه جنسی با فردی که با او زندگی می کنید

خطر داشتن رابطه جنسی در زمان شیوع کرونا ویروس، تا حد زیادی به این بستگی دارد که با چه کسی رابطه جنسی دارید. اگر در حال حاضر با کسی زندگی می کنید و رختخواب تان مشترک است، دیگر داشتن یا نداشتن رابطه جنسی برای انتقال ویروس چندان اثری ندارد. اگر یکی از شما کووید ۱۹ داشته باشد، احتمال قرار گرفتن دیگری در برابر این ویروس خیلی بالاست. در چین، انتقال در خانواده، اصلی ترین منبع برای عفونت کووید ۱۹ جدید بود. در نتیجه داشتن رابطه جنسی در این شرایط چندان مطرح نیست و خطر اضافه ای محسوب نمی شود. پس اگر هر دویتان می خواهید رابطه جنسی داشته باشید، ترس از کرونا ویروس دلیل خوبی برای پرهیز از آن نیست.

رابطه جنسی با فردی که با او زندگی نمی کنید

اگر می خواهید با فردی که با او زندگی نمی کنید رابطه جنسی داشته باشید، بهتر است درباره خطرات آن و فاصله اجتماعی فکر کنید. اگر هر دوی شما تنها زندگی می کنید، از خانه کار می‌کنید، از قرار گرفتن در موقعیت های اجتماعی می‌پرهیزید و تنها با همدیگر ملاقات می کنید شرایط متفاوت است با زمانی که چندین هم اتاقی دارید، یا یکی از شما در محیطی شلوغ کار می کند. در موقعیت اول اگر تصمیم به برقراری رابطه جنسی کنید، هر دوی شما دارید ریسک می کنید. در این شرایط اگر یکی از شما با کووید ۱۹ آلوده باشد و دیگری را نیز عفونی کند، احتمال این که افراد زیادی را در معرض این ویروس قرار دهید کم است. اما اگر یکی از شما یا هر دوی شما به علت شغل تان با افراد زیادی در محیط بسته در ارتباط هستید، خطر بودن در معرض ویروس متفاوت است. در این شرایط، باید مد نظر داشته باشید که ممکن است برای هر فردی که در تماس نزدیک با او هستید خطری برای تماس با ویروس باشید. خطر عفونت بسته به این که کووید ۱۹ تا چه در حد محل زندگی تان رایج است، متفاوت است.

تا زمانی که یک تست همه جانبه انجام نشود، نمی توان با اطمینان کامل گفت که ویروس در چه جاهایی وجود دارد و در چه جاهایی وجود ندارد. اگر در جایی زندگی می کنید که اقدامات احتیاطی برای حفظ فاصله اجتماعی به میزان زیاد رعایت می شوند داشتن رابطه جنسی یا حتی ملاقات با هم، با ایده رعایت فاصله اجتماعی همخوانی ندارد.

ملاقات با افراد جدید

در زمان شیوع این ویروس گسترده و جهانی بهتر است به جای ملاقات با هم، به صورت آنلاین با عزیزانتان در ارتباط باشید. خیلی از کشورها هم اکنون رستوران ها، مکان های عمومی و سایر مکان هایی که افراد می توانند دور هم جمع شوند را بسته اند. بیرون رفتن و ملاقات با افراد جدید، در شرایطی که جوامع در حال تلاش برای محدود کردن انتقال این ویروس مسری هستند، ایده مناسبی نیست. به جای این کار به صورت آنلاین با دیگران در تماس باشید یا با اعضای خانواده با هم فیلم ببینید. اگر با وجود وضعیت کنونی این ویروس تصمیم به ملاقات با دیگران داشتید و یکی از شما علائمی نظیر تب داشت، بهتر است مهمانی را کنسل کنید. اگر یکی از شما با فردی که مشکوک یا مبتلا به کووید ۱۹ بوده در ارتباط بوده، بهتر است مهمانی را کنسل کنید. برای کاهش خطر عفونت، توصیه های بهداشتی مرکز کنترل و پیشگیری از بیماری (CDC) و توصیه های مختص کشور خودتان را رعایت کنید.

علائم اولیه ام اس چیست؟

علائم مهم و اولیه بیماری ام اس کدامند؟

سرگیجه : این بیماران معمولا در مستقیم حرکت کردن مشکل دارند. در واقع این عدم تعادل در کنترل حرکات معمولا با پیشرفت تخریب سلول های عصبی فرد را تحت تاثیر قرار می دهد. به همین خاطر است که بسیاری از مبتلایان به MS برای راه رفتن نیاز به عصا دارند.

کاهش حافظه از علائم بیماری اماس : کاهش و ضعف حافظه، ناتوانی در تمرکز، صحبت کردن و مشکلات زبانی از اختلالات رایج در نتیجه ی پیشرفت MS است که البته خیلی وقت ها می تواند از علائم شروع این بیماری باشد.

اختلالات جنسی از علائم بیماری ام اس : در بیماران مبتلا به ام اس در مراحل شدید، اختلالات جنسی یکی از شایع ترین اختلالات در نظر گرفته می شود. این وضعیت که در بیشتر اوقات ام اس یک بیماری است که اثر مستقیم بر روی سیستم عصبی دارد و کاهش حافظه، سرگیجه، اخلالات جنسی و افسردگی از علائم بیماری ام اس هستند

بیماری ام اس چیست؟

مولتیپل اسکلروز (MS) یک بیماری مزمن است که بر سیستم عصبی مرکزی تأثیر می گذارد، علائم آن از خفیف و متناوب تا شدید و دائمی می تواند خسته یا ناتوان کننده باشد در حال حاضر هیچ درمان قطعی برای MS نیست، اما بسیاری از داروها و درمان های جایگزین در دسترس هستند. درمان MS معمولا علائم بیماری را هدف قرار می دهد، زیرا علت آن شناخته شده نیست و علائم MS ناشی از فروپاشی ارتباط بین مغز و اعصاب است برای همین درمان کامل این بیماری فعلا غیرممکن است و تنها تحقیقات و مطالعات انجام شده توانسته راههای برای کنترل و درمان علائم بیماری ام اس نتیجه بخش باشد.

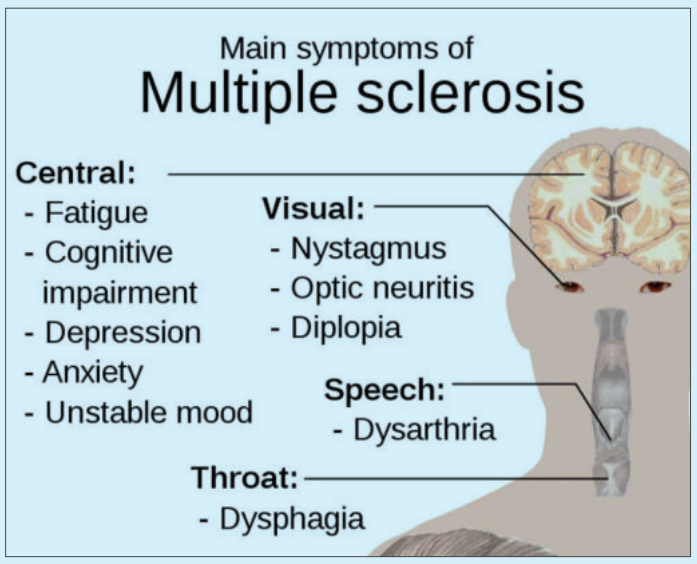

این بیماری مختص اعصاب مرکزی بوده (مغز و نخاع) و ایجاد لکه های سفید یا پلاکهای متعددی در مغز می کند.پلاکها گویای سفت شدگی غلافهای سلولهای (میلین ها) عصبی مغز می باشند, که این سفت یا سخت شدگی جلوگیری از انتشار جریان الکترو شیمیایی رشته های عصبی و اختلال در حرکات می شود و در نتیجه فرمانی که از مغز صادر می شود براحتی به اعضاء و ماهیچه ها نمی رسد و کار براحتی انجام نمی شود. مغز فرمانده, کل بدن بوده و در جایگاه رفیعی قرار دارد. شخص باید دقیقا این اندام مهم و حیاتی را بشناسد و حداکثر مراقبت را از این اندام مهم بنماید.

بیماران مبتلا به MS است که به علت آسیب و تخریب سلول ها عصبی در مغز و نخاع ایجاد می شود. پاها شایع ترین بخش بدن برای بروز این عارضه اند.

ضعف و گرفتگی عضلات از علائم بیماری ام اس است : اسپاسم ها و گرفتگی های عضلانی حمله ای یکی از علائم آزاردهنده ی ام اس است. این اسپاسم ها معمولا شدیدا دردناک هستند، در بخش های انتهایی بدن نظیر دست ها و پاها ایجاد می شوند و بعد از چند دقیقه برطرف می شوند.

بی حالی و افسردگی از علائم بیماری ام اس : ابتلا به بیماری آزاردهنده ای نظیر MS، علاوه بر آسیب جسمی می تواند ابزاری برای شکنجه روحی فرد باشد. بسیاری از مبتلایان به ام اس، احساس افسردگی، تحریک پذیری و تغییرات خلق و خو را یکی از مشکلات رایج خود بیان می کنند.

همچنین از علائم شایع بیماری ام اس می توان به این علائم اشاره کرد: عدم هماهنگی بین کلمات در سخن گفتن ، سنگینی سر و بدن ، دیر هضم شدن غذا ، حساس و زود رنج شدن ، دیدن کابوس در برخی موارد ، علاقه به خوردن غذاهای سردی بخش (اسیدی) مانند لبنیات مخصوصا ماست و بستنی ، در صورت پیشرفت بیماری عدم کنترل ادرار ، عدم تحمل هوای گرم و آب گرم ، عدم تحمل آب سرد و هوای سرد ، افسردگی و خودخوری ، انزوا طلبی و گوشه گیری ، نداشن تعادل و لرزش هنگام حرکت ، یاری نکردن ماهیچه های پا هنگام راه رفتن ، سرما سرما شدن استخوانهای بدن خصوصا پاها.

چه کسانی در معرض ابتلا به بیماری ام اس قرار دارند؟

به طور کلی علاوه بر افراد عصبی و پراسترس بیشتر دو گروه اشخاص با رفتارهای غلط خود را در معرض ابتلا به بیماری ام اس قرار می دهند که شامل:

۱- افراد حساس و زودرنج به ام اس مبتلا می شوند

این نوع افراد عموما اشخاصی هستند فوق العاده حساس, زودرنج و عصبی و با کمترین ناملایمات از حالت عادی خارج شده و تعادل خود را از دست می دهند و ساعت ها فکر خود را مشغول کرده و به خود و دیگران پیله می کنند.

۲- افراد با طبع سردی به ام اس مبتلا می شوند

افرادی هستند که از نظر ژنتیک دارای طبع سردی بوده و مدام از غذاهای سردی بخش (غذاهائی با pH اسیدی) به حد وفور استفاده می کنند و علاقه زیادی به خوردن ترشی, سرکه, تمبر هندی, ماست, قره قورت و امثالهم دارند.

عارضه ای غیر قابل پیشگیری است، خیلی وقت ها یکی از علائم ابتلا به MS در نظر گرفته می شود.

اختلال در کنترل ادرار و مدفوع یکی از علائم ام اس : بی اختیاری در دفع ادرار و مدفوع در بیماری MS دور از انتظار نیست. تقریبا ۸۰ درصد بیماران مبتلا به MS در کنترل ادرار و مدفوع خود مشکل دارند. این افراد معمولا از احساس دفع ادرار مکرر و ناگهانی در عذاب هستند. مشکل آزاردهنده دیگر در این افراد، اسهال مداوم و اختلال کنترل تخلیه روده است.

دوبینی و تاری دید از علائم اماس: دوبینی یا همان اختلالات بینایی به دلیل حمله ی بیماری ام اس به سیستم عصبی و تاثیر بر روی عصب بینایی به وجود می آید و به طور شایع در مبتلایان به بیماری ام اس دیده می شود.

گزگز و مورمور شدن انگشتان بی‌حسی از نشانه های ام اس : بی‌حسی و مورمور شدن مداوم که معمولا صورت و دست ها و پاها را درگیر می کند، عارضه ی شایع

مرد روز

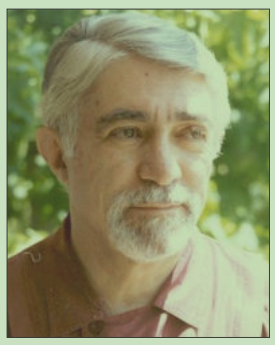

نادر نادرپور

بهار با نفس گرم بادها آمد
زمین، جوانی ازو جست و آسمان از او
گلوی خشک درخت چنان فشرده شد از بغض
که برگ، سر بدر آورد چون زبانی از او
بنفشه، بوی سحرگاه خردسالی را
به کوچه‌های مه آلود بی چراغ آورد
نگاه نرگس همزاد خاکی خورشید
به راه خیره شد و صبح را به باغ آورد
طلای روز در آیینه‌های جوی چکید
چمن ز روشنی و آب، تار و پود گرفت
شکوفه‌ها همه چون پیله‌ها شکافته شد
هوا لطافت ابریشم کبود گرفت...

Pexels

فلفل سیاه ضد چاقی است

نتایج تحقیقات جدید ثابت کرد که فلفل سیاه ضد چاقی است و در درمان این مشکل رایج دنیای تکنولوژی اثر فوق العاده ای دارد.

فلفل سیاه چربی و قند خون را کاهش داده و چاقی شکم را رفع می کند.

محققان هندی به مدت ۶ ماه تعدادی موش را مورد بررسی قرار دادند تا در نهایت تاثیر فلفل سیاه را در درمان چاقی و همچنین کاهش چربی و قند خون به اثبات برسانند. بعد از مدت معین موش هایی که فلفل سیاه در رژیم غذایی آنها گنجانده شده بود درصد چربی، میزان قند خون و وزن بدن شان کاهش یافته بود و استخوان بندی قوی تری نسبت به سایر حیواناتی داشتند که تنها غذاهای چرب مصرف کرده بودند.

در یک مطالعه جداگانه، محققان انگلستان در کالج لندن امپریال، جهش هایی را در یک ژن مربوط به چاقی کشف کردند وعنوان داشتند که مصرف فلفل سیاه برای کنترل آن نیز موثر بوده است.

به گزارش دیلی میل ، موش هایی که فلفل سیاه مصرف کرده بودند بعد از ۶۰ دقیقه کاهش قند خون مشهودی داشتند که این تغییر ثابت کرد ادویه پرخاصیت تند قابلیت کاهش قند خون را نیز دارد و از این رو مصرف آن به مبتلایان به دیابت و قند خون بالا توصیه می شود.

به گفته محققان مصرف منظم و به اندازه فلفل سیاه و مکمل های این ادویه در مدت کوتاهی بدن را در برابر چاقی مقاوم کرده و توانیی چربی سوزی را بالا می برد.نتایج این تحقیقات در مجله Nutrition and Metabolism با چاپ رسید.

مردان شاخص

علی حاتمی

(۱۳۲۳ - ۱۳۷۵)

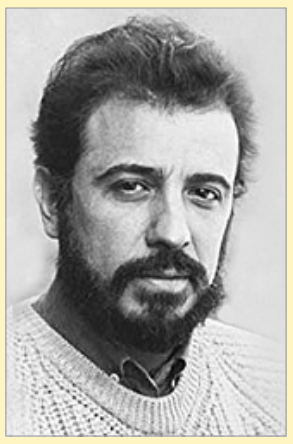

علی حاتمی کارگردان، فیلم‌نامه‌نویس و تهیه‌کننده سینما بود. او از فیلم‌سازان پیشروی نسلی به‌شمار می‌رود که پیشگامان فصل جدید سینمای ایران از اواخر دهه ۱۳۴۰ به بعد از میانش برخواسته، از جمله ناصر تقوایی، بهرام بیضایی، مسعود کیمیایی، فریدون گله و داریوش مهرجویی. اولین اثر سینمایی حاتمی در سال ۱۳۴۸ با عنوان حسن کچل ساخته شد و آخرین فیلم نیمه‌تمامش با نام جهان پهلوان تختی که یکی از بزرگ‌ترین پروژه‌های سینمایی او بعد از مجموعه هزاردستان بود،به علت مرگ ناشی از بیماری سرطان نافرجام ماند. پس از مرگش نیز دو فیلم مبتنی بر هزاردستان با تدوین واروژ کریم‌مسیحی (به نام‌های کمیته مجازات و تهران روزگار نو) ساخته شد.در سال ۱۳۵۶ با پنج سال فاصله، حاتمی فیلم سوته‌دلان را ساخت. بسیاری از منتقدان سوته‌دلان را مهم‌ترین و کامل‌ترین فیلم حاتمی در قبل از انقلاب می‌دانند.

علی حاتمی به عنوان کارگردانی صاحب سبک و مؤلف، سعی کرد با استفاده از قصه‌ها، مثل‌ها، فولکلورها یا باورهای عامیانه ایرانی، فرهنگ کهن کوچه و بازار و معماری دیرپای ایرانی ـ اسلامی طرحی نو در سینمای ایران دراندازد. وی به حق توانست فرهنگ، آداب و ارزش‌های فکری و عملی مردم این سرزمین را بر پرده خیال نقاشی کند از این رو وی را به علت بهره‌بردن از زبان تصویر و خلق شخصیت‌های شاعرانه، سعدی سینمای ایران می‌دانند.

چگونه خواب می تواند به درمان کرونا ویروس کمک کند؟

همراه با آغاز سال ۲۰۲۰ میلادی، یک نام جدید به گوش همه مردم جهان رسید! نامی که به یک پاندمی تبدیل شد؛ کرونا ویروس.

بسیاری از مردم تصور می کردند که با پر کردن قفسه هایشان با دستمال کاغذی، شوینده ها و ضد عفونی کننده ها و ... خیلی زود این پاندمی رو از سر خواهند گذراند اما ...

این ویروس شبیه به آنفولانزا بود ولی با ابعادی متفاوت و ترسناک! نوع انتقال این ویروس به شدت سریع بود و دوران خاموش زیادی داشت. حالا چگونه باید با کرونا ویروس زندگی کرد؟ کدامیک از نیازهای اولیه را تحت تاثیر قرار میدهد؟ تاثیرات خواب و کرونا بر یکدیگر چگونه است؟ کرونا ویروس چقدر روی خواب افراد تاثیر خواهد گذاشت؟

Pexels

زیرا کیفیت خواب با سیستم ایمنی بدن رابطه مستقیمی دارد.

علائم کرونا ویروس COVID-۱۹ چیست؟

طبق اعلام متخصصان حوزه پزشکی بیماری کرونا ویروس علائمی دارد که طی ۲ تا ۱۴ روز خود را نشان میدهد که این علائم عبارتند از:

تب
سرفه کردن
تنگی نفس
خستگی
آبریزش بینی
گلو درد
بدن درد
سر درد مداوم
اسهال

موارد درخواست کمک پزشکی:

مشکل جدی در تنفس
تب بالای ۳۷ درجه
اگر شرایط بهداشتی خوبی ندارید
سن بالای ۶۰ سال دارید

با توجه به تحقیقات تیم پیژامه به نظر می رسد کرونا شباهت های زیادی به آنفولانزا دارد و معمولاً با تب و سرفه همراه است که هر دو عاملی برای پایین آورد سطح کیفیت خواب شماست و باعث کاهش میزان خواب عمیق شما خواهد شد. پس بهتر است در صورتی که تب دارید با توجه به دستور پزشک قبل از رفتن به تخت خواب از داروهای تب بر استفاده کنید زیرا آثار این نوع داروها حدود ۴ تا ۸ ساعت خواهد بود.

پاشویه و استفاده از حوله خیس روی پیشانی قبل از خواب نیز میتواند موثر باشد تا هم تب شما را کاهش دهد هم به بالا بردن کیفیت خواب شما کمک کند.

در کنار مصرف تب بر ها، اگر سرفه می کنید بهتر است از دمنوش هایی مثل آویشن و عسل، چای گرم، دمنوش های زنجبیل و لیمو و ... و یا داروهای ضد سرفه استفاده کنید و یک لیوان آب در کنار تخت خود بگزارید تا در صورت نیاز از آن استفاده کنید.

اگر شما به کرونا ویروس مبتلا هستید، (امیدواریم هرچه زودتر سلامتی خود را بدست بیاورید) یک درمان اساسی و طبیعی برای شما خوابیدن است! خوابیدن همیشه در زمان بیماری یکی از راه هایی است که به بدن شما کمک می کند تا انرژی خود را حفظ کرده و برای مقابله با ویروس‌ها، باکتری‌ها و میکروب ها از این انرژی استفاده کند. این مساله در مورد کرونا ویروس نیز کاملا صادق است. (خواب و کرونا با یکدیگر ارتباط مستقیم دارند)

خوابیدن بخش مهمی از روند درمان و بهبودی افرادی است که به این بیماری مبتلا شده اند، زیرا بدن در هنگام خواب فرصت کافی برای مقابله و ترمیم خود پیدا خواهد کرد. خواب کافی و با کیفیت باعث میشود بدن شما بر روی درمان و مقابله با ویروس متمرکز شود این مهم باعث کوتاه تر شدن دوران بیماری نیز خواهد شد.

شاید خنده دار به نظر برسد اما یکی از توصیه های ما به شما در این دوران، انتخاب کالای خواب مناسب در زمان استراحت شماست پس به دقت بالش، تشک و الباقی لوازمی که برای خوابیدن لازم دارید را انتخاب کنید.

در پاسخ به این سوال باید گفت: باور کنید یا نه، محافظت از خانواده در برابر کرونا ویروس به معنای استفاده از حجم انبوهی از دستمال کاغذی و مواد شوینده نیست! بلکه کافی است مانند انواع آنفولانزا برخورد بهداشتی صحیحی داشته باشید.

دست های خود را به صورت مستمر بشویید

ازدست‌زدن‌به‌صورت‌خود‌پرهیز‌کنید.

اگر بیمار هستید یا حس میکنید بیمارید در خانه بمانید.

از ورود به فضاهایی که در آن ازدحام جمعیت وجود دارد پرهیز کنید.

هنگامی که سرفه یا عطسه میکنید، جلوی بینی و دهان خود را بگیرید سطوح را به صورت مستمر ضد عفونی آرامش خود را حفظ کنید و مثبت اندیش باشید

در زمان حاضر بهتر است به شایعات دامن نزنیم، دائما به دنبال اخبار نباشیم! و به اخبار موجود در شبکه های اجتماعی اطمنان نکنیم چون اکثر این اخبار یا دروغ است و یا مبالغه آمیز گفته شده است. لازم نیست تحت تاثیر قرار بگیریم و از این موضوع بترسیم، بهتر است اخبار از یک رسانه قابل اعتماد دنبال کنیم.

با دوستان و آشنایان خود از طریق برنامه ها و شبکه های اجتماعی در ارتباط باشیم و آن جا دور هم جمع شویم و در مورد مسائل مثبت صحبت کنیم. و در آخر بدانیم که این روزها خواهد گذشت و روزهای خوب برای همه مردم دنیا در راه است.

اهمیت گوگرد در بدن و اثرات کمبود آن

گوگرد سومین ماده معدنی مهم در بدن محسوب می شود و مقام اول و دوم به کلسیم و فسفر اختصاص دارد. گوگرد را می توان در قسمت های مختلفی از بدن از جمله عضلات، پوست، استخوان ها و حتی مو مانند سایر ارگان های بدن یافت و همچنین می تواند انعطاف پذیری پوست را نیز افزایش دهد و شکل و اندام مناسبی را هدیه کند و کمبود گوگرد در بدن باعث آسیب به بافت ها خواهد شد.

برخی فواید مهم گوگرد در سلامتی بدن

گوگرد نقش مهمی را در بدن ایفا می‌کند و برای ترکیبات پروتئینی بسیار مهم می باشد . گوگرد دارای خواص آنتی اکسیدانی است و سلول ها را از آسیب حفظ خواهد کرد . از آنجایی که استفاده از گوگرد موجود در مواد غذایی امر مهمی است اما می‌توان از مکمل گوگرد نیز استفاده کرد.

رفع شوره سر : سازمان جهانی سلامت تایید کرده است که گوگرد می تواند در برطرف کردن شوره سر مفید باشد زیرا اغلب با سالیسیک اسید همراه است. نتایج تحقیقات نشان می‌دهد شامپوهایی که حاوی گوگرد و سالیسیک اسید هستند، کمتر باعث شوره سر می شوند.

پوکی استخوان : مکمل های گوگرد برای درمان پوکی استخوان مورد استفاده قرار می گیرد که بیشتر در مورد زانو و غضروف ها صدق می‌کند.

آلرژی ها : مکمل های گوگرد به تسکین مشکلات ناشی از آلرژی کمک می‌کنند. در مطالعات و تحقیقات انجام شده، نشان داده شده است که مصرف مکمل های گوگرد به مدت ۳۰ روز علائم تنفسی مربوط به آلرژی را از بین می برد که نست به دیگر گروه‌های درمانی پلاسبو موثرتر است.

گل سرخی : گوگرد می تواند درمان خوبی برای بیماری گل سرخی باشد. لوسیون ها و پاک کننده هایی که حاوی گوگرد هستند، می توانند فواید درمانی گل سرخی را افزایش دهند.

عوارض جانبی مکمل های گوگرد

همچنان مطالعات دقیقی در این باره انجام نشده است اما بعضی از افراد گزارش کرده اند که مکمل های گوگرد باعث ایجاد عوارضی از جمله سردرد، سرگیجه، حالت تهوع، اسهال در آن ها شده است . مصرف گوگرد و خوردن آن از طریق مکمل کاملا امن و بدون خطر است. البته اگر غلظت این مکمل ها بیشتر از ۱۰ درصد نباشد. همچنین باید مراقب بود که فردی اقدام به کارهای خود درمانی نکند و قبل از استفاده از هر نوع مکملی از جمله گوگرد با پزشک متخصص خود مشورت کند. پس حتما در مورد تاریخچه مصرف دارو با پزشک تان صحبت کرده و او را در جریان بگذارید.

Pexels

عوارض جدی کمبود گوگرد در بدن چنانچه در این بخش از سلامت نمناک گفته ایم کمبود گوگرد در بدن عاملی برای ایجاد وضعیت های مختلفی مانند؛ چین و چروک، زخم، پوست آسیب دیده، نارسایی ریه ، سوزش مفصل و عضلات، دیابت ، میگرن، واکنش های آلرژیک ، عفونت، کلسترول بالا، آکنه ، آرتروز، شکنندگی ناخن و مو، افسردگی، کمبود حافظه، مشکلات گوارشی، قرمزی و دیر شفا یافتن زخم خواهد بود . کمبود گوگرد همچنین عاملی برای چاقی ، بیماری های قلبی، آلزایمر و خستگی مزمن می باشد و از طرفی عاملی برای درد ، التهابات و اختلالات اسکلتی است . کمبود گوگرد در بدن ممکن است که باعث مقاومت به انسولین شود . البته این موارد تنها عوارض کمبود گوگرد در بدن نیستند. سایر تاثیرات کمبود گوگرد در بدن عبارتند از:

پیشگیری از عملکرد طبیعی سلول ها بسیاری از افراد مخصوصا افراد مسن نمی‌توانند از رژیم غذایی خود، به اندازه کافی گوگرد دریافت کنند. بدن، بدون گوگرد کافی نمی تواند سم های موجود در کبد را از بین ببرد و دفع کند. سلول ها بدون گوگرد کافی نمی توانند عملکرد مناسب و طبیعی داشته باشند زیرا ارگان و ساختار سلول ها از طریق گوگرد محکم می شود. کمبود گوگرد همچنین از اکسیژن رسانی جلوگیری می کند و باعث می شود که فعالیت مغز و سلول ها به خوبی انجام نشود.

راه تقویت و افزایش سطح گوگرد بدن بدون دارو

نوع رژیم غذایی که استفاده می کنید، در جذب گوگرد و افزایش آن بسیار مهم است. به طور مثال اگر از رژیم غذایی با چربی کم استفاده کنید، گوگرد موجود در کلسترول که یک نوع گوگرد حیاتی در بدن است، از کبد به سیستم گوارشی تحویل داده می شود و پاتوژن تولید می کند. مصرف رژیم غذایی با میزان کربن کم با پروتئین کافی، گزینه بهتری نسبت به مورد قبلی می باشد. قرار گرفتن در معرض نور خورشید، سطح گوگرد را افزایش می ده، زیرا پوست ویتامین د ۳ را از نور خورشید دریافت می کند. البته نکته اینجاست که خود گوگرد به تنهایی در بدن نمی تواند کاری را از پیش ببرد. گوگرد بخشی از پروتئین موجود در بدن می باشد اما اگر بخواهیم که کمی خاص تر عمل کنیم، باید از مواد مغذی دیگر نیز استفاده کنیم.

آیا گوگرد برای سم زدایی مهم است؟

۱. گوگرد به خوبی فعالیت های مهم آنزیم ها را در بدن منظم می کند و در نتیجه خودش را به یک جزء حیاتی در بدن تبدیل کرده است که می تواند به خوبی عملکردهای بیولوژیکی و متابولیسمی انجام دهد که شامل پاکسازی سموم بدن نیز می باشد.

۲. گوگرد در تولید انرژی نیز نقش دارد و عملکرد انسولین را منظم می کند که هر دو عامل در سم زدایی بدن موثر می باشند.

۳. گوگرد در غشاهای سلولی وجود دارد که مواد مغذی وارد شده به سلول ها را کنترل کرده و مواد سمی را از آن ها خارج می سازد.

۴. گوگرد همچنین در از بین بردن مواد شیمیایی محیطی موثر است زیرا به آن ها می چسبد. این مواد شیمیایی شامل باریوم، جیوه و آلومینیوم می باشد.

۵. گوگرد همچنین کبد را پاکسازی می کند که راهی کلیدی و مهم برای پاکسازی دیگر اعضای بدن است.

۶. گوگرد ماده ای است که گلوتاتیون را می سازد که یک آنتی اکسیدان قوی است. این آنتی اکسیدان همچنین فعالیت آنتی اکسیدان های دیگر را نیز بهینه سازی می کند و در واقع سرپرست آنها محسوب می شود.

نامه بازیکنان «استقلال» به وزیر ورزش: مدیران «استقلال» بی‌کفایت و عوام‌فریب‌اند

بنر هواداران تیم باشگاه تاج که پس از انقلاب اسلامی مانند خیلی از نهادها و مؤسسات دیگر توسط زمامداران انقلاب غصب شد و نام «استقلال» بر آن نهاده شد! تیرماه ۹۷

بازیکنان تیم فوتبال استقلال (تاج) در نامه‌ای به مسعود سلطانی فر وزیر ورزش و جوانان کابینه حسن روحانی نوشته‌اند: مسئولان این باشگاه را باید بر اساس بی‌کفایتی و عوام‌فریبی سنجید نه کیفیت مدیریت، انتخاب‌ها و تصمیمات آنها. هنر مدیران کنونی استقلال و وعده‌هایشان توخالی است. آنها ما را حسرت به دل گذاشته‌اند و متاسفانه این روزها شاهدیم که شأن و بزرگی این باشگاه برای انجام تعهداتش تا چه حد زیر سوال رفته و چه افراد سخیف و نازلی مدعی کمک و حمایت شده‌اند.

نویسندگان نامه اضافه کرده‌اند: ما به احترام هواداران آقای فرهاد مجیدی و به رغم بی‌اعتنایی باشگاه به انجام تعهداتش در روزهای گذشته در تمرینات شرکت کردیم. اما به نظر می‌رسد که جز بازی‌های خبری و روش‌هایی مانند قرار دادن پیشکسوت‌ها مقابل مربیان و بازیکنان، هیچ تغییری در وضع موجود رخ نداده است. بنابراین مجبوریم صدای خود را اینگونه به گوش هواداران و شما برسانیم.

ضمنا برای نشان دادن اعتراض خود ناچار هستیم طور دیگری اقدام کنیم. ما اعضای تیم استقلال این‌بار شما را به عنوان رئیس مجمع و متولی [مسئول] باشگاه مورد خطاب قرار می‌دهیم و مطمئن هستیم مسئولیت استقلال این روزها با شماست.

اخیرا فرهاد مجیدی سرمربی تیم استقلال (تاج) از شرایط نابسامان مالی و مدیریتی باشگاه و نداشتن زمین تمرین و امکانات دیگر سخت انتقاد کرده بود.

روز دوشنبه این هفته وزیر ورزش از گل محمدی مدیرکل ورزش استان تهران خواست کمپ ناصر حجازی در تهران در اختیار باشگاه استقلال قرار داده شود.

موضوع فروش باشگاه‌های استقلال (تاج) و پرسپولیس که بعد از انقلاب مصادره شدند، از چند سال پیش در دستور کار دولت روحانی قرار گرفته اما تا کنون مشتری واجد شرایط برای آنها پیدا نشده است.

این دو باشگاه قبل از انقلاب از سوی صاحبان و مدیران عامل آنها، سپهبد پرویز خسروانی و علی عبده به بهترین نحو و بدون هیچگونه مشکلی اداره می‌شدند و از تیم‌های معتبر و حرفه‌ای خاورمیانه و آسیا به شمار می‌رفتند.

رئیس المپیک توکیو: اگر بازی‌ها در ۲۰۲۱ برگزار نشود، برای همیشه لغو خواهد شد

رئیس مسابقات المپیک ۲۰۲۰ توکیو گفته است: اگر بازی‌های المپیک سال آینده برگزار نگردد، تاریخ دیگری برای انجام آن تعیین نمی‌شود و به کلی لغو خواهد شد.

یوشیرو موری گفته: تصمیمی برای تعویق مجدد زمان بازی‌ها نداریم. قرار است المپیک توکیو از ۲۳ ژوئیه تا هشتم اوت ۲۰۲۱ انجام گیرد. اما کارشناسان و متخصصان بهداشت و سلامت تردید دارند که بدون کشف واکسن یا داروی موثری برای مداوای کووید۱۹ بتوان مسابقات المپیک را در تاریخ جدید اجرا نمود.

اما با وجود همه نگرانی‌ها و نا امیدی‌ها، رئیس المپیک اطمینان دارد که این رقابت‌ها در سال ۲۰۲۱ برگزار می‌شود. وی افزوده است: اگر در جدال با ویروس کرونا پیروز شویم و بازی‌های المپیک صورت بگیرد، این المپیک بیشتر از تمام المپیک‌های تاریخ ارزشمند خواهد بود. اما اگر این اتفاق روی ندهد، تمام تلاش‌های چندین ساله ما بی‌حاصل خواهد شد.

یوشیتیک یوکوکورا رئیس اتحادیه پزشکان ژاپن نیز روز سه‌شنبه گفت: بدون واکسن یا داروی موثر برای غلبه بر کرونا، بعید است بتوانیم المپیک را در سال ۲۰۲۱ برگزار نماییم. تازه اگر بیماری در ژاپن کنترل شود ولی در سایر نقاط دنیا ادامه داشته باشد، باز هم انجام بازی‌ها مشکل خواهد بود.

اغلب کارشناسان، محققین و دانشمندان پیش‌بینی می کنند واکسن کرونا تا اواسط سال ۲۰۲۱ تولید شود. اگرچه برخی هم می‌گویند تضمینی برای چنین دستاوردی وجود ندارد.

یوشیرو موری گفته: به خاطر صرفه‌جویی احتمالا مراسم گشایش مسابقات المپیک و پارا المپیک، برنامه‌های بازگشایی و پایانی مشترک خواهند داشت. البته در این مورد باید موافقت کمیته بین‌المللی المپیک و پارا المپیک را جلب کنیم چون جدا کردن این دو مراسم به دلیل آنکه بلیت‌های آنها قبلا فروخته شده آسان نخواهد بود.

دادکان: فساد جامعه ما را فرا گرفته، فوتبال هم بخشی از آن است

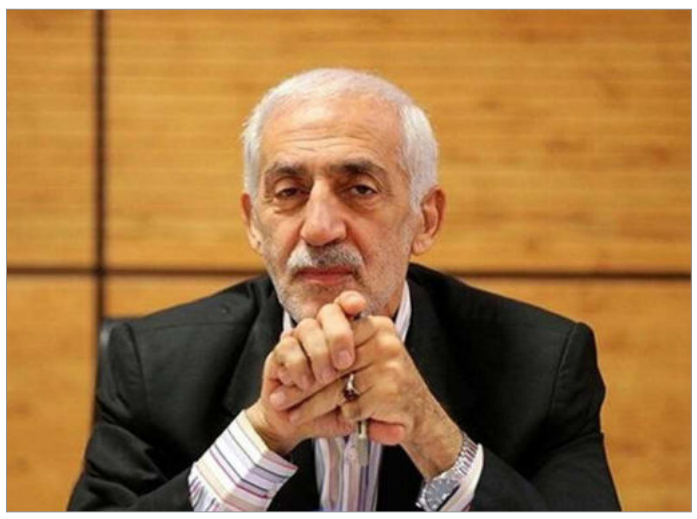

محمدحسین دادکان

● گدازاده‌ها هستند که این روزها میداندار شده‌اند.

محمدحسین دادکان رئیس پیشین فدراسیون فوتبال ضمن انتقاد شدید از وزارت ورزش جمهوری اسلامی گفته: جامعه ما خسته شده و از دنبال کردن اخبار ورزشی زده شده است. او تأکید کرده: دلیل به وجود آمدن این وضع، فراگیر شدن فساد است.

استاد بازنشسته دانشگاه ملی ایران ادامه داده: خیلی‌ها حرف از آقازاده‌ها می‌زنند، من خودم اولین کسی بودم که اصطلاح آقازاده‌ها را به کار بردم. اما الان به این نتیجه رسیده‌ام که آقازاده‌ها محترم هستند. کسانی که آلوده فسادند و آن را گسترش می دهند، گدازاده‌ها هستند که این روزها میداندار شده‌اند. چون اختیارات آنان را بالا می‌بریم و به آنها فرصت می‌دهیم تا هر کاری انجام دهند.

بازیکن سابق تیم‌های ملی و پرسپولیس در مصاحبه با برنامه آفساید رادیو جوان، در مورد هزینه‌های زیادی که در جریان جابجایی‌های مداوم در فوتبال ایران اتفاق می‌افتد نیز گفته: می‌گویند ما در فوتبال خوش استقبال و بد بدرقه هستیم. ضمنا باید دید چه کسانی افراد را جابجا می‌کنند. اشکال ورزش ما این است که به کسانی مسئولیت می‌دهیم که ورزش را نمی‌شناسند و به همین علت در عرض یک سال، پنج مدیرعامل را تغییر می‌دهند.

دادکان اضافه کرده: سخنان من نتیجه‌بخش نیست چون کسی را که خودش را به خواب زده نمی‌شود بیدار کرد.

او تأکید نموده: اصلا گذشته را کنار بگذاریم. این روزها که ورزش تعطیل است ، مسئول ورزش کشور و رئیس کمیته ملی المپیک بهترین زمان را دارند که به بررسی اوضاع مالی فدراسیون‌ها و باشگاه‌ها بپردازند.

وی با کنایه به وزیر ورزش افزوده: شما فدراسیونی زیر مجموعه خود دارید که بیش از صد میلیارد تومان بدهی دارد و باشگاه‌های استقلال و پرسپولیس هم نزدیک به همین رقم بدهکار هستند. مدیری هم هست که پنج ماه می‌ماند و ۲۰ میلیارد پول را جابجا می‌کند و مدرکی نیز باقی نمی‌گذارد و هنگامی که از او سوال می‌شود این پول به چه مصرفی رسیده، می‌گوید آن را به بازیکن دادم و وقتی از این بازیکن می‌پرسند آیا این پول را دریافت کرده‌ای؟ جواب می‌دهد چنین پولی به دست من نرسیده است.

دادکان ادامه داده: از اینگونه مسائل زیاد است. همیشه وجود داشته و نمی‌گویم اوضاع در زمان ریاست من بر فدراسیون فوتبال اینگونه نبوده، اما فساد آن زمان کجا و فساد حال حاضر کجا؟!

نماینده فیفا: پیگیر حضور بیشتر بانوان برای تماشای مسابقات در ورزشگاه‌های ایران هستیم

یوری ژورکایف

مدیرعامل بنیاد خیریه فدراسیون جهانی فوتبال «فیفا» می‌گوید: حضور خانم‌ها در ورزشگاه‌های ایران نباید تنها به مسابقات تیم ملی این کشور با تیم‌های دیگر کشورها محدود شود.

یوری ژورکایف که از بهترین بازیکنان تاریخ تیم ملی فرانسه بوده و چندی پیش به عنوان نماینده «فیفا» برای اطمینان از حضور بانوان در ورزشگاه صدهزار نفری و تماشای بازی مقدماتی جام جهانی به تهران رفته بود، گفته: موقعی که عازم این ماموریت بودم خیلی هیجان داشتم چون نشستن مادران، همسران، دختران بازیکنان و بطور کلی زنان ایران بعد از سال‌ها روی سکوهای استادیوم برای تماشای مسابقه فوتبال بسیار دلپذیر و باعث خرسندی بود.

او افزوده: این اولین بار بود که توانستیم به اتفاق یکدیگر کاری مثبت انجام دهیم. یعنی باز کردن در استادیوم‌ها به روی زنان و دختران ایران، آنهم بعد از حدود چهل سال. واقعا شرکت در این حرکت ملی، انسانی و اجتماعی برای من افتخار بزرگی محسوب می‌شد. این نخستین تجربه من به عنوان مدیرعامل بنیاد خیریه «فیفا» در یک کشور بود.

ژورکایف در سال ۱۹۹۸ همراه تیم فوتبال فرانسه قهرمان جهان شد. او با ۸۲ بازی و کسب ۳۸ گل به عنوان یکی از بهترین بازیکنان فرانسه و اروپا شناخته می‌شود.او گفته: من ریشه ارمنی دارم. مدتی نیز در ارمنستان بودم. ایران و ارمنستان همسایه هستند. وقتی در نیویورک زندگی می‌کردم دوستان ایرانی داشتم و در فرانسه نیز با دوستان ایرانی‌ام معاشرت می کنم.

ژورکایف درباره تلاش‌های فیفا برای اجازه ورود بانوان به ورزشگاه و تماشای مسابقات فوتبال در ایران یادآور شده: می‌دانستیم در تهران مخالفت‌هایی برای حضور زنان در مکان‌های ورزشی وجود دارد اما به هر حال باید این تغییر و تحول برای رسیدن خانم‌های ورزش‌دوست ایران به حقوق حقه خود از جایی شروع می‌شد که خوشبختانه موفق شدیم در نخستین حرکت راه را برای عبور پنج هزار نفر آنها از پیچ و خم‌های موجود به درون استادیوم باز کنیم و امیدواریم این تعداد به ده هزار نفر برسد و پس از آنهم کار به جایی برسد که آنها بتوانند مانند مردان بلیت بخرند و وارد ورزشگاه شده و همه مسابقات را از نزدیک تماشا کنند و لذت ببرند.

ژورکایف بر این نکته نیز تأکید کرده که ما نمی‌خواستیم به حکومت ایران نشان دهیم چون «فیفا» هستیم، قدرت و اختیارات فراوان داریم بلکه مصمم بودیم که هدف فیفا را که گسترش ورزش فوتبال در سراسر جهان و برای همه مردم فارغ از جنسیت، ملیت، رنگ پوست و نژاد خاص است پیاده کنیم. در ضمن باید بگویم که تماشاگران ایرانی در آن مسابقه‌ها در تهران عالی بودند. همینطور بازیکنان. آنها بعد از آنکه گل می‌زدند به طرف جایگاه خانم‌ها می‌رفتند و با آنها شادی می‌کردند.

یوری ژورکایف ادامه داده: وقایع و تحولات فوتبال ایران را همچنان دنبال می‌کنم.

او که در یک برنامه تلویزیونی اینترنتی ایرانی صحبت می‌کرد، گفت: مسابقه ایران و کامبوج از سری مسابقات مقدماتی جام جهانی فوتبال در سفر به تهران تماشا کرده بود.او در مورد ماموریت و وظایف بنیاد نیکوکاری «فیفا» نیز توضیح داده که: ما تشکیلاتی هستیم با ۲۱۱ عضو یعنی بیشتر از اعضای سازمان ملل متحد. وظیفه ما هم این است که فوتبال تمام قاره‌ها را پوشش داده و در گوشه و کنار جهان به گسترش این ورزش کمک کنیم.

ردادعای برگزاری مسابقات لیگ فوتبال ایران از تیرماه

● جنگی ناظر فدراسیون فوتبال می‌گوید از وزارت بهداشت مجوز صادر کند لیگ از تیرماه آغاز می‌شود.

● سهیل مهدی سرپرست کمیته مسابقات سازمان لیگ: ادعای جنگی برای شروع لیگ برتر نظر شخصی است و برگزاری بازی‌ها از ابتدای تیر موضع رسمی سازمان لیگ نیست.

استادیوم آزادی (آریامهر)

حسین جنگی ناظر فدراسیون فوتبال و رقابت‌های لیگ برتر فوتبال ایران دوشنبه اول اردیبهشت ادعا کرده در صورت امکان و با نظر وزارت بهداشت و درمان، مسابقات لیگ برتر از اوایل تیرماه برگزار می‌شود.

او گفته در صورت صدور مجوز آغاز مسابقات تیم‌ها باید هر چهار پنج روز یک بار به زمین بروند تا ۹ هفته باقی مانده لیگ به اتمام برسد.

سهیل مهدی سرپرست کمیته مسابقات سازمان لیگ به باشگاه خبرنگاران گفته ادعای حسین جنگی برای شروع لیگ برتر نظر شخصی است و برگزاری بازی‌ها از ابتدای تیر موضع رسمی سازمان لیگ نیست.

او افزود: «برای شروع تمرینات تیم‌ها و بازی‌ها همچنان منتظر اعلام نظر ستاد ملی مقابله با کرونا و فدراسیون پزشکی ورزشی هستیم».

لیگ فوتبال ایران در حالی که ۹ هفته به انتهای آن باقی مانده بود بعد از شیوع کرونا تعطیل شده است.

وضعیت روزنامه‌نگاران ایرانی پناهنده در ترکیه نگران‌کننده است

گزارشگران بدون مرز (RSF) دولت ترکیه و کمیساریای عالی سازمان ملل برای پناهندگان در ترکیه را به تضمین امنیت روزنامه‌نگاران ایرانی پناهجو و همیاری بایسته برای تسهیل دریافت اقامت در کشوری امن فرا می‌خواند. این روزنامه‌نگاران با دیرکرد اداری بررسی پرونده‌هایشان از سوی ترکیه و کمیساریای پناهندگی و تهدیدهای جمهوری اسلامی رو در روی هستند. همه‌گیری ویرویس کرونا این نابسامانی را بیشتر کرده است.

برای فرار از خشونت، بازداشت و محکوم شدن خودسرانه به زندان، ناگزیر به ترک ایران و به کشورهمسایه ترکیه پناه آورده‌اند. این دوازده روزنامه‌نگار و شهروندخبرنگار هم‌اکنون در شرایطی بسیار دشوار بسر می‌برند. نزدیک به مرزهای ایران خود و خانواده‌هایشان قربانی آزارگری نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی هستند. افزون بر این اداره مهاجرت ترکیه از ارائه همیاری بایسته به آنها برای درخواست و استقرار در کشوری امن رویگردانی می‌کند.

دیرکرد رویه‌های اداری

تا سپتامبر سال میلادی ۲۰۱۸، پناه جویان در ترکیه درخواست پناهندگی خود را به کمیساریای عالی سازمان ملل برای پناهندگان در ترکیه ارائه می‌کردند و این نهاد مسئول بررسی و تایید پناهندگی برای آنها بود. با تغییر قانون در ترکیه از آن تاریخ «ثبت نام و تعیین وضعیت پناهندگی در کشور ترکیه توسط کمیساریای عالی سازمان ملل متحد پناهندگان به پایان رسید» و پناهجویان ناگزیز باید درخواست خود را به اداره کل مدیریت مهاجرت (DGMM) و پلیس ارائه دهند. این تغییر رویه تاثیر منفی بر وضعیت پناهجویان گذاشته است. اداره مهاجرت در بررسی پرونده‌ها دیرکرد جدی دارد. این تاخیر برای شماری از این پناهجویان چنان درازمدت شده است، که روند پذیرش پرونده‌شان از سوی ایالات متحده امریکا که در دوران ریاست جمهوری اوباما با وجود محدودیت‌هایی اما پذیرفته شده بود، در دوران ریاست جمهوری دونالد ترامپ با تصویب سیاست محدویت برای مهاجرت، به تاخیر و در عمل تعلیق شده است. پیشنهاد برای انتقال به کشوری دیگر نیز در پیچ و خم بوروکراسی اداری کنونی، ناممکن و این پناهجویان با مشکل‌های فراوانی رو در روی شده‌اند. با همه‌گیری ویروس کرونا این وضعیت نابسامان‌تر شده است. از این میان شمار زیادی از آنها از امکان دسترسی ارزان و یا رایگان به خدمات درمانی نیز محروم شده‌اند.

افزون بر این، وضعیت امنیت این روزنامه‌نگاران گرفتار شده در ترکیه نیز نگران کننده است که همزمان با رو در رویی با این مشکل‌ها زیر تهدیدهای رژیم تهران نیز هستند. نزدیکی به مرزهای ایران، به نهادهای امنیتی از این میان سپاه پاسداران این امکان را داده است که روزنامه‌نگاران تبعیدی و خانواده‌هایشان را در ایران تهدید کنند.

رضا معینی مسئول دفتر افغانستان و ایران RSF در این‌باره می‌گوید: «ترکیه و کمیساریای عالی سازمان ملل برای پناهندگان باید به شکل موثرتری حفاظت از روزنامه‌نگاران پناهجو را تضمین کنند و همه امکان‌های بایسته را برای تسهیل درخواست پناهندگی و تسریع آن در زمانی مناسب به کار گیرد. در این‌باره افزون بر شتاب در یافتن راه حلی برای اسکان مجدد این پناهجویان، برای تضمین امنیت‌شان نیز باید ساز و کار فوری برای جابجایی به کشورهای امن پیدا شود.»

زندگی در سایه‌ی ترس

شراگیم زند روزنامه‌نگار و همکار رسانه‌هایی چون ایران وایر و رادیو فردا در نامه‌ای به گزارشگران بدون مرز نوشته است « من همیشه توسط رژیم ایران در ترکیه تهدید شده‌ام.» وی که در پی تهدید به بازداشت در سال ۱۳۹۳ ایران را ترک و به ترکیه آمده است، می‌گوید در این مدت « در سایه ترس زندگی کرده‌ام اما تهدیدهای رژیم به تازگی بیشتر شده است. این روزها آنها تهدید به قتل می‌کنند و من کمتر از خانه خارج می‌شوم.»

این تهدیدها زمانی باورپذیرتر می‌شوند که دو مورد ربودن و کشتن پناهجویان جامعه ایرانی‌های پناهجو در ترکیه را به شدت نگران کرده است.

ربودن و کشتن پناهجویان از سوی جمهوری اسلامی

آرش شعاع شرق مدیر مسئول سایت‌های اطلاع‌رسانی گیلان نو که برای «نشر اکاذیب و انتشار نشریه بدون مجوز» به ۴۰ ضربه شلاق محکوم شده بود، پس ازتهدیدها و فشارهای قضایی مجبور به ترک کشور شد و به ترکیه پناه آورد. وی به تاریخ ۵ فوریه ۲۰۱۸ در شهر وان ترکیه در برابر خانه‌اش ربوده و پس از ۲۵ روز به زندانی در ایران برده شد.

یکی از نزدیکانش می‌گوید: «مردان مسلحی که خود را پلیس معرفی کرده بودند، او را در برابر خانه‌اش دستبند زدند و با چشم‌بند سوار ماشین کردند. وی را در پارکینگی زیرزمینی که در آن سه سلول بود از خودرو پیاده کردند و همانجا زندانی کردند. به مدت چندین روز در آنجا از سوی یکی از ربایندگان که فارسی صحبت می‌کرد، بازجویی شد. پس از چند روز به او گفتند چون ماموران جمهوری اسلامی می‌خواسته‌اند او را بربایند، وی را به اینجا آورده‌اند. اما در بازجویی‌ها بیشتر درباره فعالیت‌ها و خانواده‌اش در ایران می‌پرسیدند. در یکی از همین بازجویی‌ها به او می‌گویند که در وان در خطر است و باید به آنکارا برود و اگر قول همکاری با پلیس ترکیه را بدهد او را به آنکارا می‌برند و امکانات لازم را در اختیارش قرار می‌دهند. آرش این پیشنهاد را رد می‌کند. و ۲۵ روز پس از ربودن‌اش او را به بهانه انتقال به آنکارا به ایران و به دست سپاه پاسداران می‌دهند.» نوع عملیات نشانگر دست داشتن نیروهای امنیتی ایران در این ربودن است.مسعود مولوی وردنجانی مدیر کانال تلگرامی «جعبه سیاه» در روز ۲۹ آبان ۱۳۹۸ با شلیک چندین گلوله در یکی از خیابان‌های استانبول یک سال پس از ورودش به ترکیه کشته شد. شخصیت پر مناقشه و همکار سابق نهادهای امنیتی و سپاه پاسداران در این کانال و برخی رسانه‌های تصویری درباره فساد و اختلاس بسیاری از مسئولان رژیم، سپاه پاسداران و بیت علی خامنه‌ای مدارکی را افشا کرده بود. خبرگزاری رویترز به تاریخ ۱۹ اسفند ۱۳۹۸ (۲۷ مارس ۲۰۲۰) در گزارشی در باره این ترور منتشر و به «دست داشتن دو دیپلمات جمهوری اسلامی ایران در ترکیه اشاره کرده است.»

انتظار در سایه‌ی تهدیدی دیگر : ویروس کرونا

ترس و آسیمه‌سری با آغاز همه‌گیری کرونا در ترکیه بیشتر شده است. علیرضا روشن شاعر، نویسنده و عضو سردبیری سایت اطلاع‌رسانی مجذوبان نور که پس از حوادث کوی گلستان تهران و بازداشت شماری از همکاران این سایت که با همسر و فرزندش به ترکیه پناهنده شده است می‌گوید :« اداره‌ی مهاجرت همه کارها را متوقف کرده‌اند و کمیساریای عالی پناهندگی هم ناتوان است.» پیش از کرونا نیز وضعیت پناهجویان سامان چندانی نداشت در وضعیت کنونی این نابسامانی بدتر خواهد شد. یکی از روزنامه‌نگار پناهجوی دیگر که در سال ۱۳۹۴ به ترکیه آمده است و خواهان فاش شدن نامش نیست درباره وضعیت‌اش می‌گوید، «پس از تایید پناهندگی‌ام از سوی سازمان ملل در مرحله تعیین کشور قرار شد به آمریکا بروم، ولی در سال ۲۰۱۷ برنامه پذیرش پناهنده‌ها در آمریکا با تصمیم دولت دونالد ترامپ متوقف شد و من در اینجا ماندگار شدم» تنها امید امروزش ناامیدی و سیاهی است. او در میان قطع کمک‌ها به پناهندگان، تهدیدهای تداوم‌دار رژیم در شبکه‌های اجتماعی و خطر دچار شدن به کرونا، گرفتار شده است.دررده‌بندی جهانی آزادی مطبوعات ۲۰۲۰ گزارشگران بدون مرز از میان ۱۸۰ کشور جهان جمهوری اسلامی ایران در رده ۱۷۳ و ترکیه در رده ۱۵۴ قرار دارند.

معاون موسسه تحقیقات مواد مخدر: مصرف مواد مخدر در ایران زنانه شده

● «بانوان طی دو سال مصرف مواد مخدر کاملا به آن وابسته می‌شوند. در حالی که این حالت در آقایان در طول هشت سال رخ می‌دهد و درواقع می توان این روزها از زنانه شدن مصرف مواد مخدر در ایران صحبت کرد.»

معاون موسسه «کادراس» می‌گوید: بررسی‌های ما در پانزده سال اخیر حاکی از آن است که گرایش خانم‌ها در ایران به مواد مخدر، دو برابر شده و الگوی مصرف آنها نیز از مواد مخدر صنعتی و روان‌گردان به گُل و حشیش تغییر پیدا کرده است.

فرزانه سهرابی گفته: بر اساس آمار و اطلاعات رسمی سازمان‌های مسئول، در حال حاضر ده درصد از معتادان کشور را بانوان تشکیل می‌دهند و گل و حشیش در بین دختران دانشجو بیش از مواد دیگر مورد علاقه آنهاست.

وی گفته: بر مبنای آمار ارائه شده، در گروه سنی ۱۵ تا ۲۹ سال به ازای هر ۶/۶ معتاد یک زن معتاد، در گروه سنی ۳۰ تا ۴۴ سال به ازای هر ۶/۴ مرد یک زن معتاد و در گروه سنی ۴۵ تا ۶۴ ، ۱۶/۴ بانوی معتاد وجود دارد.

او اضافه کرده: تحلیل «کتاب سال ۱۳۹۴» ستاد مبارزه با مواد مخدر نشان می‌دهد تعداد زنانی که در اثر سوء مصرف ماده مخدر جان خود را از دست داده‌اند، پانزده درصد سیر صعودی داشته است و از سوی دیگر، سن زنان معتاد کاهش چشمگیر نشان می‌دهد. بطوری که میانگین سن بانوان معتاد به مواد مخدر در رده سنی ۲۰ تا ۳۶ سال است که اغلب آنها از تریاک، شیشه، الکل و کراک استفاده می‌کنند و به این ترتیب باید گفت ۴۹ درصد از زنان مصرف‌کننده مواد مخدر روان‌گردان کمتر از ۲۵ سال دارند.

فرزانه سهرابی ادامه داده: بانوان طی دو سال مصرف مواد مخدر کاملا به آن وابسته می‌شوند. در حالی که این حالت در آقایان در طول هشت سال رخ می‌دهد و درواقع می توان این روزها از زنانه شدن مصرف مواد مخدر در ایران صحبت کرد.

او یادآور شده: مردها اول از سیگار، قلیان، حشیش و مواد مخدر سبک شروع می‌کنند و سپس به کشیدن شیشه، کراک و مواد مخدر خطرناک رو می‌آورند. اما در زنان این روند متفاوت است. خانم‌ها با شیشه و هروئین آغاز می‌کنند که بر بدن انسان اثرات وحشتناکی دارند.

جهانپور ادعا کرد:

کاهش و سه‌رقمی شدن موارد ابتلا به کُرونا پس از ۳۶ روز!

● مرگ ۵۲۵ نفر بر اثر نوشیدن الکل تقلبی و نابینا و کم بینا شدن «۹۵ نفر» و نیازمنددیالیزبودن«۴۰۵نفر».

رئیس مرکز روابط عمومی و اطلاع‌رسانی وزارت بهداشت اعلام کرد: تا کنون ۹۱ هزار و ۴۷۲ نفر در کشور بطور قطعی به ویروس کُرونا مبتلا شده و با فوت ۹۶ نفر در ۲۴ ساعت گذشته، شمار جانباختگان کُرونا در کشور به ۵۸۰۶ نفر رسید.

کیانوش جهانپور سخنگوی وزارت بهداشت امروز دوشنبه ۸ اردیبهشت‌ماه درباره آخرین وضعیت مبتلایان به ویروس کُرونا و قربانیان آن براساس آمار این وزارتخانه گفت: «بر اساس معیارهای قطعی تشخیصی ۹۹۱ بیمار جدید مبتلا به کووید ۱۹ در کشور شناسایی شد و مجموع بیماران کووید۱۹ در کشور به ۹۱ هزار و ۴۷۲ نفر رسید.»

به گفته‌ی وی، آمار شناسایی موارد مبتلا به ویروس کُرونا «پس از ۳۶ روز»، امروز برای اولین‌بار «سه رقمی و کمتر از هزار مورد» شده است.

طبق اعلام جهانپور، از ظهر دیروز تا امروز ۹۶ بیمار کووید ۱۹ جان خود را از دست دادند و شمار کل قربانیان این ویروس به ۵ هزار و ۸۰۶ تن رسید.

وی شمار بهبودیافتگان را «۷۰ هزار و ۹۳۳ نفر» و بیماران بستری در وضعیت حاد را «۳۰۱۱ نفر» اعلام کرد.

روال تست آزمایشگاهی کووید ۱۹ در ایران چنان کُند و آهسته سپری می‌شود که پس از ۲ ماه، تنها از ۴۳۲ هزار و ۳۲۹ نفر تست گرفته شده است.

جهانپور در این جلسه آمار قربانیان مصرف الکل تقلبی و مسموم‌شدگان را هم اعلام کرد و گفت: «از اول اسفند تا صبح امروز، ۵۰۱۱ نفر در کشور به دلیل مصرف الکل تقلبی دچار مسمومیت شدند و ۵۲۵ نفر از این مسمومین که به مراکز درمانی مراجعه کرده‌اند، جان خود را از دست داده‌اند.»

بر اساس این گزارش، «۲۲۹ نفر» از مسموم‌شدگان در بخش‌های عادی و «۴۷ نفر» در بخش مراقبت های ویژه ICU بستری هستند اما سه هزار و ۴۵۱ نفر ترخیص شده‌اند. همچنین، «۹۵ نفر» نابینا و کم بینا شده و «۴۰۵ نفر» نیز نیازمند خدمات دیالیز شده‌اند.

وی اظهار کرد: «روند مراجعه افرادی که مشروبات الکلی تقلبی مصرف کرده‌اند در برخی استان‌ها ادامه دارد.»

زنگ خطر اختلالات افسردگی سالمندان با طولانی‌شدن روند تنهایی قرنطینه

● حداقل بیش از ۹۳هزار خانواده درگیر ویروس کُرونا و تبعات روحی و روانی آن شده‌اند و در این بین، بیش از ۵هزار نفر نیز دیگر در میان خانواده خود نیستند. طبق گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۲۶ فروردین‌ماه ۹۹، با آمار ابتلای حدود ۷۰ هزار مبتلا، تخمین زده شد که بیش از ۴۰ هزار خانواده‌ی ایرانی، «یک» عضو فامیل را بر اثر ابتلا به کُرونا از دست داده‌اند.

● با توجه به ابعاد هولناک کُرونا، پیش‌بینی‌ناپذیری آن و حتی شیوه‌های غم‌انگیز خاکسپاری و عدم امکان سوگواری برای عزیزان از دست رفته، بار روحی و روانی سنگینی بر این خانواده‌ها تحمیل شده است.

● علیرضا زالی فرمانده ستاد مقابله با کُرونا ویروس در تهران امروز چهارشنبه ۱۰ اردیبهشت‌ماه، سن قربانیان ویروس کُرونا در پایتخت را ۱۰ سال بالاتر از میانگین سنی متوفیان کشور خواند.

علاوه بر اینکه خطر ابتلا به ویروس کُرونا برای سالمندان و مرگ ناشی از آن بالاست، به گفته‌ی یک روانشناس در ایران، تنهایی سالمندان در دوران قرنطینه، نیز مخاطره ابتلای آنان به اختلالات افسردگی را افزایش می‌دهد و «اکنون خیلی از سالمندان دچار اختلالات افسردگی شده‌اند.»

بر مبنای گزارش امروز وزارت بهداشت از آمار مبتلایان و درگذشتگان ویروس کُرونا، ۹۳هزار و ۶۵۷ تن به ویروس کُرونا مبتلا شده‌اند و مجموع ۵هزار و ۵۹۷ نفر نیز تا ظهر امروز جان خود را از دست داده‌اند.

بر این مبنا، حداقل بیش از ۹۳ هزار خانواده درگیر ویروس کُرونا و تبعات روحی و روانی آن شده‌اند و در این بین، بیش از ۵ هزار نفر نیز دیگر در میان خانواده خود نیستند.

طبق گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۲۶ فروردین‌ماه ۹۹، با آمار ابتلای حدود ۷۰ هزار مبتلا، تخمین زده شد که بیش از ۴۰ هزار خانواده‌ی ایرانی، «یک» عضو فامیل را به دلیل ابتلا به کُرونا از دست داده‌اند.

با توجه به ابعاد هولناک کُرونا، پیش‌بینی‌ناپذیری آن و حتی شیوه‌های غم‌انگیز خاکسپاری و عدم امکان سوگواری برای عزیزان از دست رفته، بار روحی و روانی سنگینی بر این خانواده‌ها تحمیل شده است.

علاوه بر مشکلات اقتصادی و هراس از ابتلا و مرگ ناشی از کُرونا، خانواده‌ها با چالش‌های روحی و بار سنگین عاطفی، با اجبار به تنها رها کردن سالمندان نیز مواجه‌اند آنهم در حالی که خود سالمندان نیز بیش از هر زمان دیگری با موضوع مرگ و ابتلا به یک بیماری ناشناخته درگیر هستند که باید به تنهایی و در فقدان جمع خانوادگی و فرزندانشان آن را هضم و تحمل کنند.مژگان نیکنام روانشناس و عضو هیئت علمی «دانشگاه آزاد اسلامی»، نسبت به افزایش خطر ابتلای سالمندان به بیماری افسردگی در قرنطینه هشدار داد و خواستار توجه به سلامت روان آنان توسط خانواده‌هایشان شد.

به گفته این روانشناس، این مشکلات روانی در سالمندان منجر به بروز بیماری‌های جسمی چون بیماری‌های قلبی می‌شود و سلامتی آنان را به خطر می‌اندازد.

همزمان، علیرضا زالی فرمانده ستاد مقابله با کُرونا ویروس در تهران امروز چهارشنبه ۱۰ اردیبهشت‌ماه، سن قربانیان ویروس کُرونا در پایتخت را ۱۰ سال بالاتر از میانگین سنی متوفیان کشور خواند.وی جزئیات دیگری از میانگین سنی مبتلایان و جانباختگان کُرونا را ارائه نکرد ولی تهران را «با توجه به دارا بودن بالاترین جمعیت ساکن و شناور، اتباع و گروه‌های مختلف»، یکی از مناطق آسیب‌پذیر در برابر کُرونا دانست.

با اینهمه، مژگان نیکنام عضو هیئت علمی «دانشگاه آزاد اسلامی»، تنهایی سالمندان در دوران قرنطینه را منجر به تشدید اختلالات افسردگی دانسته و گفته است: «پرستار یا کسانی که از سالمندان مراقبت می‌کنند، نمی‌توانند جای فرزندان و نوه‌ها را برای فرد پر کنند، بنابراین از تنها گذاشتن والدین خود اجتناب کنید.»

وی اظهار داشت: «آسیب‌پذیرترین افراد در زمان شیوع ویروس کُرونا سالمندان هستند و بیشترین میزان مرگ و میر در اثر کُرونا نیز به افراد بالای ۶۵ سال اختصاص دارد. بنابراین تغییر شرایط محیط با اولویت رعایت اصول بهداشتی توسط این افراد و مراقبت از آنها در این بحران اهمیت زیادی دارد.»

وی اضافه کرد: «در کنار رعایت توصیه‌های بهداشتی توسط سالمندان، سلامت روان آنها نیز باید مورد توجه قرار بگیرد. افراد سالمند بطور طبیعی درصدی از افسردگی را با خود به همراه داشته و معمولا تنها و به دور از فرزندان زندگی می‌کنند، بنابراین تنهایی به وجود آمده در زمان قرنطینه می‌تواند افسردگی سالمندان را تشدید کرده و خطر ابتلا به اختلالات روانی را در این افراد افزایش دهد.»

نیکنام تاکید کرد: «این روزها باید سلامت روان سالمندان مورد توجه قرار بگیرد. ممکن است ما به دلیل علاقه‌ای که به پدران و مادرانمان داریم برای پیشگیری از انتقال بیماری به آنها از رفتن به خانه‌شان خودداری کنیم، اما دور نگه داشتن آنها و ندیدن عزیزان می‌تواند عوارض روانی برای سالمندان ایجاد کند.»

او با توجه به اینکه زمان پایان شیوع ویروس کُرونا مشخص نیست، گفت: «باید یک الگو و سبک زندگی جدید برای رفتار با سالمندان و دیدار آنها پیدا کنیم چرا که ممکن است این دوره طولانی‌مدت بوده و وضعیت روانی سالمندان با خطر جدی مواجه شود.»

این روانشناس تأکید کرد که «سالمندان نمی‌توانند بیش از حد تنهایی را تحمل کنند. تماس‌های غیرحضوری و تماس تصویری برای سالمندان کافی نبوده و آنها دیدار مستقیم را ترجیح می‌دهند. اما توصیه‌های بهداشتی باعث شده فرزندان از دیدار سالمندان اجتناب کنند.»

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد پیشنهاد داد: «باید یک فضای محافظتی ایجاد کرده و نوه‌ها و فرزندان را به دیدار سالمندان ببریم. این اقدام می‌تواند برای دیدار حضوری و پیشگیری از تنهایی سالمندان مناسب باشد. رعایت نکات بهداشتی در دیدار حضوری الگوی جدیدی است که برای دیدار پدران و مادرانمان در زمان شیوع کُرونا می‌توانیم به کار ببریم.»

دو قرن فراز و نشیب مطبوعات در ایران (۱۶۷)

(کیهان لندن شماره ۱۳۴۸)

احمد احـرار

بازنشر

دورهٔ پنجم قانونگذاری روز بیست و دوم بهمن ۱۳۰۲ گشایش یافت.

محمدحسن‌میرزا ولیعهد، برای افتتاح مجلسی که مقدّر بود به سلطنت قاجاریه خاتمه دهد، با تشریفات کامل در عمارت بهارستان حضور یافت.

رئیس‌الوزرا، سردار سپه، نیز همراه با اعضای کابینه در مراسم حضور یافت اما طرز برخورد رئیس دولت با ولیعهد، از روابط سردشان حکایت داشت. سردار سپه احترامی برای ولیعهد قائل نبود و این را آشکارا نشان می‌داد.

حاج میرزا یحیی دولت‌آبادی قیافهٔ عمومی مجلس پنجم را در خاطراتش چنین تصویر می‌کند: «مجلس دائر می‌شود. انجمن‌هایش انتخاب شده به رسیدگی به اعتبارنامه‌ها می‌پردازند. به‌اعتبار تقدّم سن، اول جلسهٔ عمومی به‌ریاست نگارنده منعقد می‌شود و میرزا حسین‌خان مؤتمن‌الملک که در چند مجلس رئیس بوده است به‌ریاست انتخاب می‌گردد.

میرزا حسین‌خان مؤتمن‌الملک، میرزا حسن خان مشیرالدوله، میرزا حسن خان مستوفی‌الممالک، آقا سید حسن تقی‌زاده، دکتر محمدخان مصدق‌السلطنه، میرزا حسین خان علاء، آقا سید محمدرضا مساوات که همه دارای وجههٔ ملی هستند و در مشروطه‌خواهی دارای سوابق نیکو می‌باشند با یکدیگر روابط خصوصی دارند. نگارنده (دولت‌آبادی) هم با این جمع مربوط‌تر است تا با دیگران. بدیهی است این کسان که بعضی از آنها غالباً به مشاغل مهم مملکتی می‌پرداخته‌اند و در آزادیخواهی شهرتی دارند مورد ملاحظهٔ دیگرانند و در این مجلس دارای نفوذ معنوی می‌باشند، گرچه جزو منفردین هستند ولی با هم کار می‌کنند و نظریه یکدیگر را رعایت می‌نمایند.

بعد از این، یک هیأت روحانی و روحانی‌نما در مجلس هست بنام هیأت علمیه که بعضی از غیر روحانیون هم به آنها ملحق شده‌اند و عددشان به پانزده نفر می‌رسد و در رأس آنها آقا سید حسن مدرس اصفهانی قرار دارد. هیأت دیگری هست که خود را سوسیالیست می‌خواند با عدهٔ کمی و سلیمان میرزا محسن (اسکندری) رئیس آنهاست.

این سه هیأت اگر با هم اتفاق کنند باز اکثریت را تشکیل نمی‌دهند بلکه یک عده بنام تجددخواه که عددشان میان شصت و هفتاد است و طرفداران سردار سپه می‌باشند اکثریت دارند. گرچه این اجتماع برای گذرانیدن اعتبارنامه‌هاست که اشخاص ضعیف خود را داخل این جمع نموده‌اند و شاید بعد از گذشتن اعتبارنامه‌ها برای این جمع این عدد باقی نماند اما در هر صورت با موافقت‌هایی که از دستجات دیگر با اینها در مطالب بشود و یا از منفردین که عددشان کم نیست یک عده با آنها موافقت نمایند این جمع دارای اکثریت خواهند بود و کارهای دولت، و مخصوصاً نظریات سردار سپه به‌دست آنها انجام می‌گیرد...

اعتبارنامه‌ها در میان کمیسیون‌ها تقسیم شده داستان رد و قبول و کشمکش گذرانیدن و رد کردن آنها از مجلس شروع می‌گردد و چند هفته وقت مجلس صرف این کار می‌شود... نه‌تنها اشخاص خارج از حوزهٔ طرفداران سردار سپه از گذشتن اعتبارنامه خود نگرانند بلکه یک عده از جوانها که نه سن وکالت دارند و نه صلاحیت شخصی، چون جزو هوچیان حکومت نظامی بوده‌اند با اسباب‌چینی خود را به مجلس انداخته از نقاط دوردست به‌دست نظامیان یا نظمیه‌ها با سفارشهایی که دربارهٔ آنها شده است وکیل شده‌اند و اشخاص مهم، از منفردین و هیأت علمیه برای حفظ حیثیت خود و حیثیت مجلس می‌کوشند اعتبارنامه آنها تصویب نشود و آنها از مجلس خارج گردند. سردارسپه هم با مخالفت اشخاص مهم نمی‌تواند از جوانهای مزبور حمایت کند و به طرفداران خود بسپارد آنها را بپذیرند چون که برای پیشرفت مقاصد اصلی که دارد به آن اشخاص بیشتر حاجتمند است تا به پادوهای نورس که با پول و شغل‌های دیگر آنها را به‌آسانی می‌تواند راضی کند.

به‌هرصورت اعتبارنامه چند نفر از جوانهای مزبور رد می‌شود...

بیرون کردن یک عده از جوانهای پادو و نظامیان از مجلس، قوی بودن مجلس را در نظرها جلوه می‌دهد و مخالفین ظاهری سردار سپه که در رأس آنها آقا سید حسن مدرس واقع است، و مخالفین باطنی او که در میان دستجات و منفردین هستند از این موقعیت برای خود قوت و قدرتی تصور می‌کنند درصورتی که هر دو بی‌اساس است و تنها سیاست مدارا کردن سردار سپه که یک سیاست موقتی است این موقعیت را ایجاب نموده است. سردار سپه در مقابل دستجات مخالف خود و یا ناموافق که در مجلس و خارج هستند و مردم به آنها توجه دارند جمعیتی به‌نام تجددخواه تشکیل داده نمایندگان آنها در مجلس خود را مخالف هیأت علمیه می‌نمایانند. سردستهٔ آنها در مجلس سیدمحمد بیرجندی معروف به تدین است که او خود چون روضه‌خوان بوده است در کسوت روحانیان می‌باشد.

این دسته که دارای اکثریت می‌باشند برای اعتبارنامه‌های هیأت علمیه، مخصوصاً سردستهٔ آنها آقاسید حسن مدرس کارشکنی می‌کنند. در این صورت مدرس می‌باید با منفردین و دستجات دیگر سازش کند و با اشخاص بیطرف طرفیت حاصل نکند اما دیده می‌شود که چون اعتبارنامهٔ نگارنده (دولت‌آبادی) به مجلس می‌آید و کمیسیون خبر صحت آن را می‌دهد، او مخالفت می‌نماید از روی خودپسندی ذاتی که دارد و به‌ملاحظهٔ بعضی از روحانی‌نمایان اصفهان که از نگارنده دلخوش نمی‌باشند... در ظرف بیست و چهار ساعت فاصله، مدرس آنقدر سرزنش از زبان این و آن، مخصوصاً از زبان رجال محترمی که در مجلس هستند می‌شنود که در جلسهٔ دیگر حرف خود را پس گرفته بی آن که لازم باشد دفاعی از حق خود بکنم اعتبارنامهٔ من می‌گذرد...

کارهای مجلس معوق مانده است. کشمکش‌های باطنی آشکار شده، مدرس و همراهان او بعد از ناامید شدن از موافقت سردار سپه، به‌اشاره و کنایه و گاهی بصراحت نسبت به او بدزبانی می‌کنند تا روزی که مجلس بواسطهٔ معوق ماندن کارها حال مشوّشی دارد. در موقع تنفس، یکی از کارکنان سردار سپه که شخص طبیبی است و خالی از تهور نیست از زبان مدرس سخن اهانت‌آمیزی نسبت به سردار سپه می‌شنود و با او طرف می‌شود و کار به خشونت و فحاشی می‌کشد و بالاخره طبیب مزبور که احیاءالسلطنه لقب دارد پشت گردنی سختی به مدرس می‌زند بطوری که عمامهٔ او از سرش افتاده هنگامه برپا می‌گردد و تمام مخالفین ظاهری و باطنی سردار سپه به‌عنوان حمایت از مظلوم، از مدرس طرفداری می‌کنند و غائله دارد بزرگ می‌شود...»

سیلی خوردن مدرس از احیاءالسلطنه (دکتر حسین بهرامی) فضای سیاسی ایران را بیش از پیش آشفته ساخت و اثرات آن، حتی پس از میانجیگری این و آن و گذشت مدرس، بر جای ماند.

عباس خلیلی مدیر روزنامهٔ اقدام در خاطرات سیاسی خود می‌نویسد «پس از مخالفت مدرس با اعتبارنامه‌ها و رد بعضی از وکلا، کار مجلس از مشاجرات به زد و خورد کشید. مدرس به اختلاف بلکه جنگ و ستیز خارج مجلس که مبنی بر جمهوری بود تصریح کرد و تدین با عبارات تند او را تهدید کرد، سپس به اکثریت دستور خروج از جلسه داد. مدرس اول گفت من همینجا می‌مانم. گویا احساس خطر را کرد، سپس خارج شد و مؤتمن‌الملک به‌طور ملامت و عتاب گفت اگر همان وقت که تنفس داده بودم موافقت می‌کردید دچار این تشنج و کشمکش نمی‌شدید. تدین با نهایت غرور و تکبّر که یکی از صفات او بود پیشاپیش فراکسیون خارج شد. هر دسته از مخالفین و موافقین جمهوری به محل خود رفتند ولی در همان حال تدین عربده می‌کشید و فریاد می‌زد که چنین می‌کنم و چنان، و بر اثر تهدید و تحریک او دکتر حسین بهرامی (احیاءالسلطنه) برادر دبیر اعظم به مدرس حمله کرد و یک سیلی به روی او زد و مدرس به‌صورت یک سید مظلوم و حق‌به‌جانب و حقیقت‌گو درآمد.

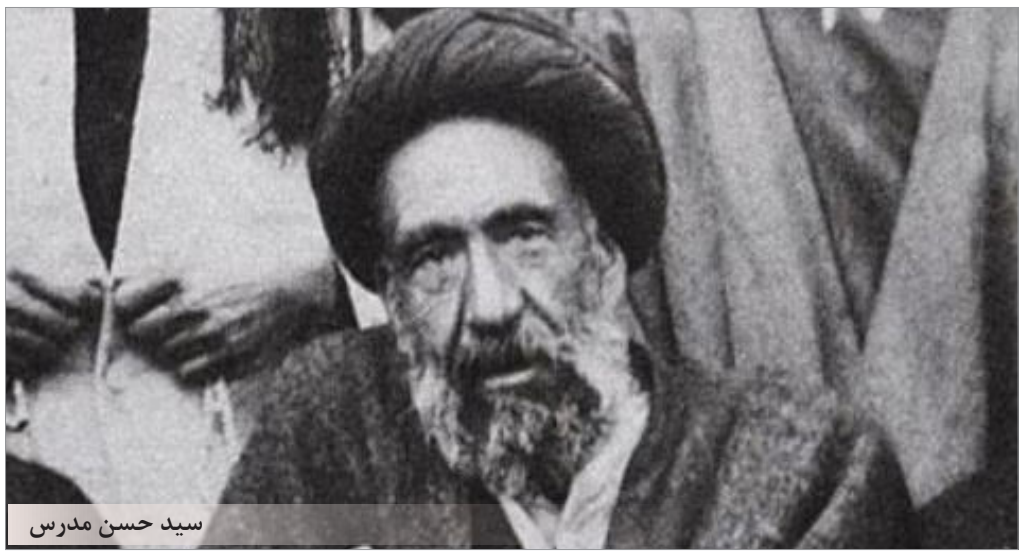

سید حسن مدرس

صدای آن سیلی در سراسر شهر منعکس شد و مردم مخالف جمهوری در همه جا به هیجان آمده و ضد مبادی قدرت تجمع نمودند. روز بعد برای این که کار یکسره شود تعطیل عمومی اعلان و موافقین جمهوری در همه جا تجمع و تظاهر نمودند. چند تن هم لباس سرخ پوشیده که روی آن نوشته بود زنده باد جمهوری. بیانیه‌های جمهوری هم در همه جا منتشر شد و ناطقین با حرارت تبلیغ می‌کردند و طهران به دو گروه متخاصم منقسم گردید. بر اثر سیلی مدرس، بعضی از اکثریت به اقلیت ملحق و منضمّ شدند و در خارج انعکاس بسیار بدی به‌وجود آمد. چون جمهوری‌خواهان دیدند که در کار خود موفق نمی‌شوند تصمیم گرفتند که بازار را تعطیل کنند.

روز بیست و نهم حوت (اسفند) عدهٔ تجهیزشده به بازار حمله نمودند ولی بازاریان سخت مقاومت کرده و برای تعطیل حاضر نشدند و به مهاجمین هم دشنام دادند. در آنجا سید محمدعلی شوشتری برای دفاع چند تیری به هوا شلیک کرد و سرتیپ محمد درگاهی که در رأس قوای انتظامی بود داخل بازار شد و بالاخره با آن هیجان و رعب و هرج و مرج بازار بسته شد و برای احتیاط از بیم تجمع مردم در مسجد شاه به‌دستور سرتیپ درگاهی درهای مسجد شاه هم بسته شد که ناگاه در آن حال خالصی‌زاده رسید...»

تأملات بهنگام؛ آدرنالین، تستوسترون و زیارت مجازی

کعبه؛ ۶ آوریل ۲۰۲۰

● همه‌گیری این ویروس چینی، رابطه آدمیان با جهان واقعیِ مبتنی بر زمان و مکان آشنا را به حداقل رسانده است و از این رو موجب تعلیق روابط آشنای انسان‌ها و نابودی کیفیت این روابط به بهانه حفظ سلامتی جسمانی آنها شده است.

● تغییر در روابط انسان‌ها با مفاهیمی چون زمان و مکان، از یک طرف به سازندگان محتوای تصویری و تولیدکنندگان محصولات وابسته به فضای مجازی قدرتی فراتر از سابق بخشیده و از سوی دیگر دکان ارباب الاهیات سامان‌یافته را کساد کرده و قدرت سازمان‌دهی آنها را که ارتباطی محکم با اماکن و ایام مذهبی دارد، کاهش داده است.

یوسف مصدقی - در این هفته‌های خانه‌نشینی اجباری ناشی از همه‌گیری ویروس چینی کُرونا، یکی از عمومی‌ترین سرگرمی‌ها، تماشای فیلم‌ها و سریال‌های متنوع و رنگارنگی است که کمپانی‌های ریز و درشت تولید تصاویر متحرک برای انواع ذائقه‌های بصری، تهیه کرده و می‌کنند. این محصولات که گستره وسیعی از سلیقه‌ها را در بر می‌گیرند، از مجاری قانونی و غیرقانونی راهشان را نخست به خانه جسم و سپس به خانه ذهن قرنطینه‌شدگان سراسر دنیا می‌گشایند و با زندگی روزمره این خیل عظیم، آمیخته می‌شوند.

از آنجا که بیشتر مصرف‌کنندگان این محصولات، هدفی جز فرار از ملال قرنطینه و کشتن اوقات پر کسالت‌شان ندارند، از این رو، بیشتر دنبال فیلم‌ها و سریال‌های پرماجرا و هیجان‌انگیزی هستند که دیدنشان یکچند آنها را از وضعیت فعلی غافل کند و با بالا بردن سطح آدرنالین در گردش خونشان ملال و افسردگی احوال آنها را قدری التیام بخشد.

بنا به بررسی‌های آماری هفته‌های اخیر، بخش قابل توجهی از اهل قرنطینه، افزایش سطح آدرنالین خونشان را برای گذر از ملال این ایام کافی ندانسته‌اند و سراغ بالا بردنِ میزان تستوسترون، دوپامین و اکسی‌توسین در بدنشان رفته‌اند. قسمت مهمی از این افزایش هورمونی، از دیدن پورنوگرافی حاصل شده؛ آمار بازدید وبسایت‌های تأمین‌کننده محصولات پورنوگرافی، حکایت از افزایش معنی‌دار اقبال خانه‌نشینان سراسر گیتی به این محصولات دارد.

اینهمه، نشانگر این واقعیت است که تصاویر متحرک، همراه برخی مخدرات اعم از نوشیدنی‌ها و کشیدنی‌ها و بالاانداختنی‌ها و تزریقی‌ها، نقشی تعیین‌کننده در سبد کالای ایام قرنطینه یافته‌اند و بخش بزرگی از جماعت خانه‌نشین را به خود مشغول داشته‌اند. فلسفه وجودی هنر هفتم اما با نشئه‌جات تفاوت دارد و نمی‌شود محصولات تصویری متحرک را به صرف مشغولیت و سرگرمی که ایجاد می‌کنند، در زمره مخدرات دسته‌بندی کرد.

برخلاف آنچه در نگاه اول به نظر می‌آید، هر چه از عمر صنایع تولید تصاویر متحرک می‌گذرد، محصولات این صنایع، روز به روز، زیستن ما را بیشتر کنترل می‌کنند و مفهوم زندگی را به داستانسرایی و شکل آموزش را به مشاهده‌ای از پیش تعیین شده، تقلیل می‌دهند. به بیان ساده، آدمیزادِ فیلم‌بینِ پیگیرِ سریالِ معتاد به پورن، آموختن و زیستن‌اش چنان وابسته به دیدن این محصولات شده که الباقی حواسش- حتی بخش مهمی از شنوایی‌اش- را در امر آموزش به مرخصی مادام‌العمر فرستاده است. بدبختی اینجور آموختن هم در این است که چشم‌انداز آن از قبل مشخص شده و بیننده اختیاری برای جور دیگر دیدن و تغییر زاویه دیدش ندارد. چنین آموختنی، می‌تواند امور پیچیده را مبتذل کند و نسبی‌گرایی افراطی را سکه‌ی رایج بازار آموزش نماید. خطرناک‌ترین نتیجه این نوع آموزش، گسترش توهم دانایی میان خیل عظیم مصرف‌کنندگان این تصاویر متحرک است. اگر تنها از این جنبه به سیطره تصاویرِ از پیش آماده شده بر ذهن و اندیشه‌مان بنگریم، در افق آموزش و اندیشه‌ورزی، جز سیاهی و ناروشنی، چیزی نمی‌بینیم.

این سکه اما روی دیگری دارد که مثبت و روشن است و توجه به آن، قدری خیال آدمیزاد فوق‌الذکر را راحت می‌کند. دیدنی شدنِ آموزش، گامی بلند برای همگانی شدنِ آموختن است. بعلاوه، آمیخته شدنِ آموزش به سرگرمی، فرآیند آموختن را برای عامّه تحمل‌پذیرتر می‌کند و شوق یادگیری را میان طیف وسیعی از افراد جامعه می‌پراکند. دیداری شدنِ آموزش همچنین موجب راززدایی (demystify) از دانش شده و به دموکراتیزه شدنِ رابطه آموزگار و دانش‌آموز کمک می‌کند.

آنچه اما در درازمدت موجب بحرانی بزرگ در کیفیت آموزش خواهد شد، قطع رابطه فرآیند آموزش با مکان آموزش از یک طرف و حذف رابطه آموزشی با زمان معینِ متکی بر تکرار بر مبنای برنامه هفتگی یا فصلی مدارس و دانشگاه‌هاست. به بیان ساده‌تر، قطع رابطه آموزش با مکان (ساختمان مدرسه و دانشگاه) و زمان (برنامه هفتگی یا فصلی) کیفیت آموزشی را که مبتنی بر تکرار و یادآوری است، به بحرانی سهمگین دچار خواهد کرد.چنین بحرانی، شباهتی روشن به بحران دامنگیر مذهب و دین سامان‌یافته در اوضاع فعلی دارد.

از آنجا که همه‌گیری بیماری اخیر موجب تعطیلی اماکن مذهبی و تغییر برنامه‌های منظم و زمانمند عبادیِ مبتنی بر تکرار شده است، کیفیتِ مناسک عبادی ادیان مختلف را با رکودی بی‌سابقه مواجه کرده است. طی یکی دو ماه اخیر، مکان‌های مذهبی چون کلیساها، کنیسه‌ها، مساجد، حرم‌ها و بُقاع به علت عدم حضور مؤمنین، بطور موقت کارکردشان را در زندگی اجتماعی مردم دنیا از دست داده‌اند و به اماکنی بی‌مصرف بدل شده‌اند. سرقفلی‌داران دکان الاهیات که متوجه جدیت خطری که کیفیت رابطه عامّه با مذهب را تهدید می‌کند شده‌اند، در تلاشند که هر چه زودتر اماکن مذهبی را بازگشایی کرده و پیش از آنکه عموم مؤمنین برای همیشه رابطه‌شان را با مکان و زمان مقدس فراموش کنند، کیفیت دینی سابق را تجدید کنند.

چون نیک بنگریم، همه‌گیری این ویروس چینی، رابطه آدمیان با جهان واقعیِ مبتنی بر زمان و مکان آشنا را به حداقل رسانده است و از این رو موجب تعلیق روابط آشنای انسان‌ها و نابودی کیفیت این روابط به بهانه حفظ سلامتی جسمانی آنها شده است.

این تغییر در روابط انسان‌ها با مفاهیمی چون زمان و مکان، از یک طرف به سازندگان محتوای تصویری و تولیدکنندگان محصولات وابسته به فضای مجازی قدرتی فراتر از سابق بخشیده و از سوی دیگر دکان ارباب الاهیات سامان‌یافته را کساد کرده و قدرت سازمان‌دهی آنها را که ارتباطی محکم با اماکن و ایام مذهبی دارد، کاهش داده است. البته بعید نیست که به زودی این دو گروه در رابطه‌ای اقتصادی و پر سود قرار بگیرند و متحد با هم، از وضع جدید استفاده مادی و معنوی ببرند.

سال‌ها پیش، زمانی که شبکه خطوط تلفن تازه سراسری شده بود، خادمین بارگاه امام هشتم شیعیان در شهر مشهد، با پدیده‌ای غریب مواجه شده بودند که ذکرش خالی از عبرت نیست. در آن ایام تقریبا هر روز تلفن دفتر خدمات زوّار حرم زنگ می‌خورد و از آن طرف خط یکی از عاشقان ثامن‌الحجج که وُسع مالی یا جسمی زیارت نداشت، از خادم تلفنچی تقاضا می‌کرد که گوشی تلفن را به سمت «ضریح آقا» بگیرد تا تلفن‌کننده مستأصل، حاجتش را از آن امام همام طلب کند.

اَشکال روزآمدترِ این نوع ارتباط همین الان هم به صورت موردی در گوشه و کنار فضای مجازی دیده می‌شوند اما به گمان نگارنده، به زودی شاهد موجی خواهیم بود که ارباب عمامه و کاسبان بی‌عمامه دکان دو نبش دین، در آن، زیارت مجازی، نماز جماعت مجازی، دعای ندبه و توسل مجازی و اصولا هر جور مناسک دینی مجازی را در تیراژی وسیع راه‌اندازی کنند تا از بحران فعلی برهند.

ری: پایتخت قدیمی ایران

شهر ری از پیشینه تاریخی کهنی برخوردار است و با توجه به سفال‌هایی که باستان‌شناسان در ری یافته‌اند، قدمت آن به شش هزار سال پیش از میلاد می‌رسد.شهر ری در سه دوره مادها، سلجوقیان و آل‌بویه پایتخت ایران بوده و هم اکنون این وظیفه را تهران به دوش می‌کشد. وجود ۱۷۴ اثر تاریخی و همچنین مدفن مفاخر علمی، مذهبی و شاه عبدالعظیم از جاذبه‌های شهر ری به شمار می‌رود و به همین علت همواره جمع زیادی از علاقمندان و گردشگران ایرانی و خارجی رهسپار این دیار می‌شوند.

● جاذبه‌های طبیعی:

کوه چشمه علی واقع در شهر ری یکی از آثار بدیع و تحسین برانگیز خلقت به شمار می‌رود. در جوار این کوه چشمه‌ای وجود دارد که سالیان سال است بدون لحظه‌ای توقف، آب زلال از دل آن می‌جوشد و در فصل تابستان افراد زیادی برای شنا کردن در آب این چشمه، به این منطقه عزیمت می‌کنند.

کوه بی‌بی شهربانو: این کوه در منطقه امین‌آباد شهر ری قرار دارد و مدفن بی‌بی شهربانو همسر حضرت امام حسین در دامنه این کوه واقع شده است و از زیارتگاه‌ها به شمار می‌رود.

● جاذبه‌های تاریخی:

برج طغرل (مربوط به دوره سلجوقیان واقع در ابن‌بابویه که مدفن شیخ صدوق نیز با فاصله کمی در آن قرار دارد)، دژ اشکان، قلعه گبری، باروی قدیمی ری، بقعه جوانمرد قصاب، آرامگاه جهان پهلون تختی و آرامگاه شیخ رجبعلی خیاط در ابن‌بابویه، مسجد ماشاءالله، برج خاموشان، باغ و عمارت ظهیریه، کاروانسرای شاه‌عباسی، بازار تاریخی ری، حمام حضرتی، پل قدیمی سنگ‌تراشان، گورستان سلطنتی (گنبد اینانج)، آسیاب دولت‌آباد و ...

● صنایع دستی و سوغات:

انواع ظرف‌های سفالی، قلیان، انواع مهر و تسبیح و جانماز و انگشتر از جمله صنایع دستی شهر ری است که از این اقلام به اضافه انواع آب نبات و سوهان می‌توان به عنوان سوغات از شهرری خریداری کرد.

شهر ری از شمال با تهران، از جنوب با استان قم، از شرق با ورامین و پاکدشت و از غرب با رباط‌کریم و اسلامشهر همجوار است.

گابریل گارسیا مارکز رمان‌نویس مشهور جهان می‌گوید

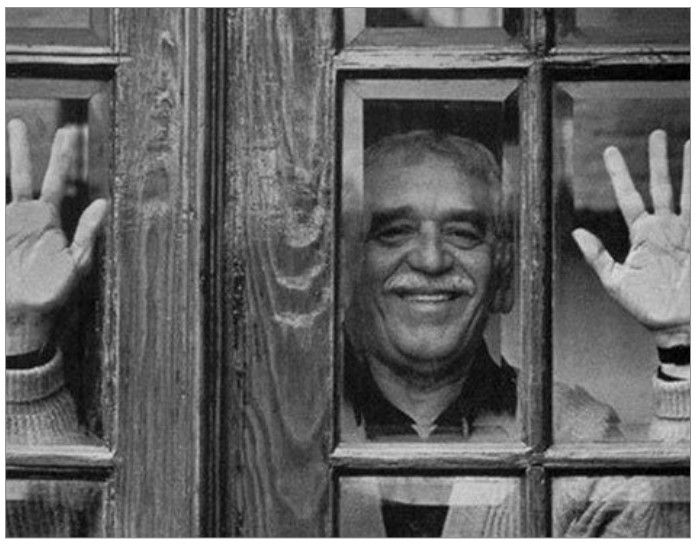

در ۱۵ سالگی آموختم که مادران از همه بهتر می‌دانند، و گاهی اوقات هم پدران.

در ۲۰ سالگی یاد گرفتم که کار خلاف فایده‌ای ندارد، حتی اگر با مهارت انجام شود.

در ۲۵ سالگی دانستم که یک نوزاد، مادر را از داشتن یک روز هشت ساعته و پدر را از داشتن یک شب هشت ساعته، محروم می‌کند.

در ۳۰ سالگی پی بردم که قدرت، جاذبه مرد است و جاذبه، قدرت زن.

در ۳۵ سالگی متوجه شدم که آینده چیزی نیست که انسان به ارث ببرد؛ بلکه چیزی است که خود می‌سازد.در ۴۰ سالگی آموختم که رمز خوشبخت زیستن در آن نیست که کاری را که دوست داریم انجام دهیم؛ بلکه در این است که کاری را که انجام می‌دهیم دوست داشته باشیم.

در ۴۵ سالگی یاد گرفتم که ۱۰ درصد از زندگی چیزهایی است که برای انسان‌ها اتفاق می‌افتد و ۹۰ درصد آن است که چگونه نسبت به آن واکنش نشان می‌دهند.

در ۵۰ سالگی پی بردم که کتاب بهترین دوست انسان و پیروی کورکورانه بدترین دشمن وی است.

در ۵۵ سالگی پی بردم که تصمیمات کوچک را باید با مغز گرفت و تصمیمات بزرگ را با قلب.

در ۶۰ سالگی متوجه شدم که بدون عشق می‌توان ایثار کرد اما بدون ایثار هرگز نمی‌توان عشق ورزید.

در ۶۵ سالگی آموختم که انسان برای لذت بردن از عمری دراز ، باید بعد از خوردن آنچه لازم است، آنچه را نیز که میل دارد بخورد.

در ۷۰ سالگی یاد گرفتم که هنر زندگی مسأله در اختیار داشتن کارتهای خوب نیست؛ بلکه خوب بازی کردن با کارتهای بد است.

در ۷۵ سالگی دانستم که انسان تا وقتی فکر می‌کند نارس است به رشد و کمال خود ادامه می‌دهد و به محض آنکه گمان کرد رسیده است، دچار آفت می‌شود.

در ۸۰ سالگی پی بردم که دوست داشتن و مورد محبت قرار گرفتن بزرگترین لذت دنیا است.

در ۸۵ سالگی دریافتم که همانا زندگی زیباست.

وارث نیما و دهخدا

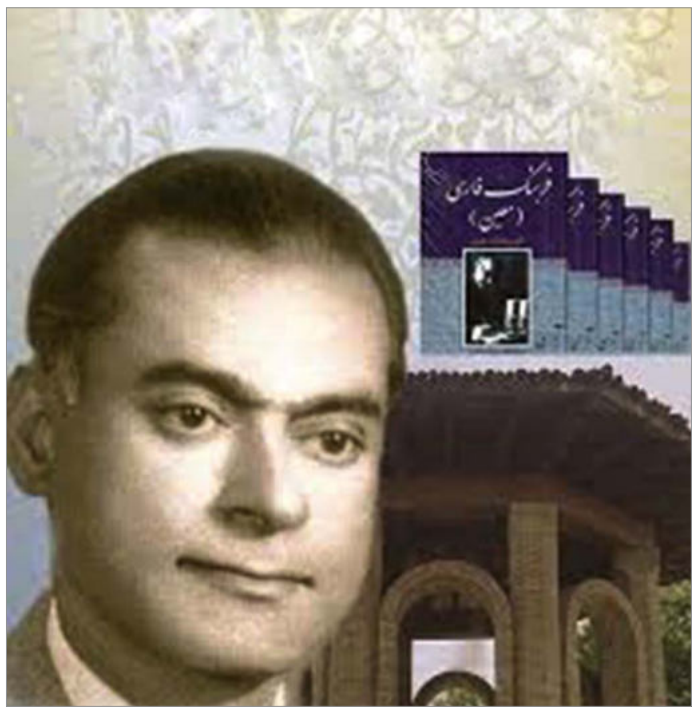

دکتر محمدمعین سال ۱۳۴۵، موقع انجام فعالیت‌های علمی و تحقیقاتی‌اش توی یکی از اتاق‌های دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، از شدت کار بیهوش شد و به اغما رفت. ۴ سال و ۵ ماه توی اغما ماند و هیچ درمانی رویش جواب نداد، تا اینکه ۱۳ تیر ۱۳۵۰ از دنیا رفت.

تلاش، پشتکار و شدت کار استاد سبب بیهوشی وی شد! یک عمر همین گونه با اراده و تلاشی فوق تصور زندگی کرد. او در ۶ سالگی پدر و مادرش هر دو را از دست داد و رفت پیش پدربزرگش تا درس‌های مقدماتی را با نظارت او یاد بگیرد. بعد هم رفت دارالفنون تا درسش را ادامه بدهد و شد همکلاس یک عده آدم اهل علم و با پشتکار مثل خودش. دوره دارالفنون که تمام شد در دانشگاه تهران و در رشته ادبیات اسم نوشت.

سال ۱۳۲۱ وقتی که سیکل و دیپلم جزو تحصیلات عالیه به حساب می‌آمد، مدرک دکترایش را گرفت. موضوع پایان‌نامه‌اش «مزدیسنا و تأثیر آن در ادبیات پارسی» بود که به زبان فرانسه نوشت. وی به انگلیسی، عربی، آلمانی و فرانسه مسلط بود و زبان پهلوی، اوستایی، فارسی باستان و حتی بعضی لهجه‌های محلی را هم خوب بلد بود.

۲۳ جلد کتاب تألیف کرد. ۶ جلد فرهنگ، علاوه بر همه اینها، عضو چندین سمینار جهانی و بین‌المللی و فرهنگستان ایران هم بود. به دهخدا کمک کرد تا فرهنگ لغتش را بنویسد و بعد از فوت دهخدا، فیش‌های چاپ نشده‌اش را تنظیم کرد. نیما یوشیج بدون اینکه او را دیده باشد، با اعتمادی که دورادور به دکتر پیدا کرده بود، او را وصی خودش قرار داد؛ یعنی وصیت کرد که دکتر معین آثارش را بررسی کند.

دکتر محمد معین در تیر ماه ۱۳۵۰ درگذشت و در شهر آستانه اشرفیه در گیلان تدفین شد.

جدول اعداد (سودوکو)

				۳	۶			
۳								
		۴		۱				
	۵		۴					
					۱			
۵	۲							

	۹				۷			۱
	۶	۸					۹	
۱	۵			۸		۲		
	۴		۳					
۳	۱	۲	۵			۷	۶	
			۹			۵		۳
۴	۷				۱	۶		
				۹	۳	۴		
۵							۲	

جدول

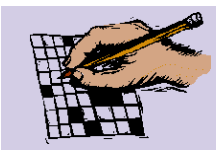

عمودی:

۱ـ از نویسندگان و داستانسرایان معروف و معاصر ایران
۲ـاثری زیبا و خواندنی از داستایفسکی
۳ـ سدی است ـ مکان ـ بدی ـ عقیده و نظر
۴ـ پوشاندن ـ ظن ـ سرمایه جاودانی
۵ـ منحرف ـ از آفات گیاهی ـ فلزی است ـ از وسایل خانه
۶ـ واحد پول کشوریست ـ بلا ـ جاسوسه معروف جنگ اول جهانی که اعدام شد
۷ـ تمرین ـ از بلایای طبیعی
۸ـ فوتبالیست نامدار و برجسته جهان
۹ـ صدا و نوا ـ از بازیهای ورق
۱۰ـ از تنیس بازان قدیمی ایرانی با شهرتی جهانی ـ ناشنوا
۱۱ـ ستیزه جویی ـ از مکان‌های تفریحی و سرگرم کننده ـ جنس مذکر
۱۲ـ از ادوات استفهام ـ از فوتبالیست‌های قدیمی و معروف ایران
۱۳ـ مورد اطمینان ـ ویراستار
۱۴ـ سلسله ـ آینده ـ برآوردن حاجت
۱۵ـ رنگی است ـ از ظروف ـ مجرم و کج رفتار

افقی:

۱ـ پسر دوم محمدشاه قاجار که مورد غضب ناصرالدین‌شاه قرار گرفت و مدتی از عمر خود را در تبعید گذرانید
۲ـ بخشی از ایران ـ گیاهی است ـ قسمتی از شبانه روز
۳ـ کمک ـ مشاغل و موقعیت‌ها ـ آینده
۴ـ بجای آوردن ـ نوعی شتر ـ ترس
۵ـ زهر ـ شگون ـ جنگی
۶ـ راه بی پایان ـ باز پس داده شده ـ اظهارات
۷ـ ظرفی است ـ قسمتی از اندام ـ مرطوب
۸ـ محل کار و کسب ـ زمینه ـ بی‌آبرویی
۹ـ علامت مفعول بی‌واسطه ـ ضمیری است ـ پاک کننده
۱۰ـ ناکامی در کار و کسب ـ پرورش دهنده
۱۱ـ توان ـ از پادشاهان ایران قبل از حمله عرب‌ها ـ دلیر و بی‌باک
۱۲ـ رایحه ـ مسئول محافظت از راه ـ همسر
۱۳ـ دوست و مددکار ـ درخشان ـ شهری صنعتی در ایران
۱۴ـ برابر ـ آنسوی ـ از شهرهای ایران ـ حرف همراهی
۱۵ـ مرغوب و گرانبها ـ جای اصلی ـ واحداندازه‌گیری شدت زلزله

حل جدول شماره قبل

جدول

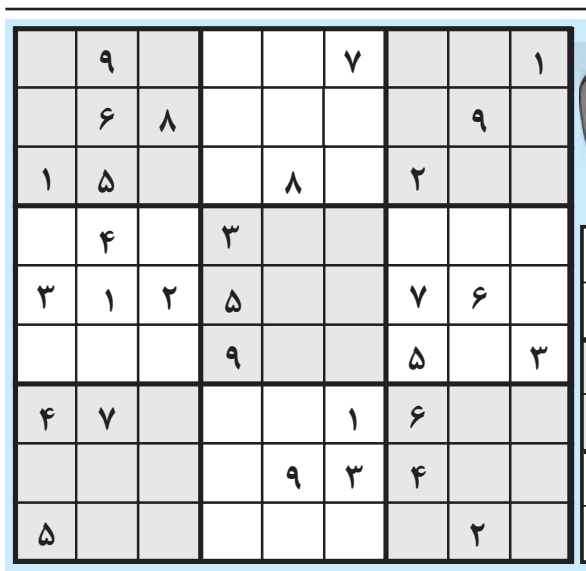

عمودی:

۱ـ پلی تاریخی در ایران
۲ـاز شهرهای تاریخی و قدیمی لبنان ـ حاکم و امیر
۳ـ خداوند ـ سلسله کوهی است
۴ـ پایتخت کشوری است ـ دغلکار
۵ـاز سبزیجات ـ حرف خطاب
۶ـموی گردن حیوانات ـ خوراکی است ـ چین
۷ـ آهنگ و ترانه ـ گور
۸ـ پاکیزه و بی‌غل و غش ـ عدالت ـ تکرار یک حرف
۹ـ علمی است
۱۰ـ میوه ـ پدر ـ دورویی
۱۱ـ از فاتحان بزرگ تاریخ ـ خُسران

افقی:

۱ـ از شعرای برجسته و معاصر ایران
۲ـ شاعر صاحب نام و عالیقدر معاصر کشورما ـ نوعی خاک
۳ـ تکرار یک حرف ـ گلی است
۴ـ بخشش ـ مجموعه شعر
۵ـ نماینده ـ از وسایل موسیقی ـ جاوید
۶ـ حرف تعجب ـ از شهرهای ایالات متحده آمریکا
۷ـ استمرار ـ از هنرهای زیبا
۸ـ شهر و بندری معروف در جنوب شبه جزیره کریمه ـ کالبد
۹ـ خوش اخلاق ـ حیوانی است ـ بلی
۱۰ـ استانها ـ قاره‌ایست
۱۱ـ از آثار ویکتورهوگو

حل جدول شماره قبل

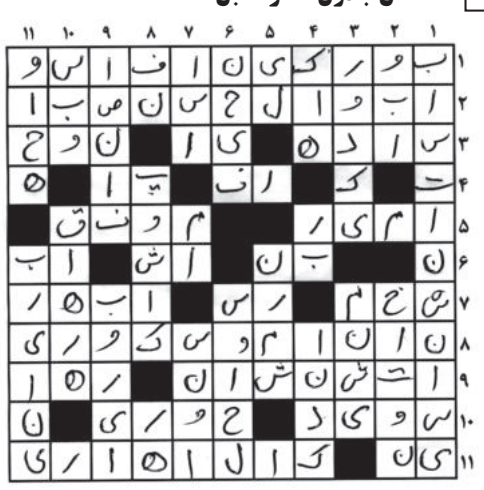

بازنشر

در بند ۲۰۹ زندان اوین بر من چه گذشت(۲)

کیانوش سنجری: مرا به هماهنگ کردن نیروهای مخالف رژیم متهم کردند

می‌خواستند به دروغ اعتراف کنم که از اپوزیسیون پول گرفته‌ام و با رضا پهلوی همکاری کنم

کیانوش سنجری در میان دانشجویان مبارز ایرانی چهره‌ای شناخته شده است. او در سال‌های اخیر بارها دستگیر و زندانی گشته و بخش بزرگی از این سالها را در زندان اوین و سلول انفرادی بسر برده است.

کیانوش آخرین بار در سال گذشته در حالی دستگیر شد که سرگرم تهیه گزارش از تحصن یک چهره مذهبی و هواداران او بود. وی ماجرای این دستگیری و آنچه را که بر او گذشته نگاشته و در اختیار کیهان گذاشته است که در دو شماره از نظرتان می‌گذرد.

آن‌ها من را متهم کردند به داشتن رابطه با رادیو فردا و رادیو آمریکا. می‌خواستند بدانند این رادیوها به چه دلیل با من تماس می‌گرفتند؟ انگیزه‌ام از گفتگو با آن‌ها چه بوده است؟ می‌گفتند باید اعتراف کنی به دریافت پول از آن‌ها. اما من از هیچ کدام‌شان پولی دریافت نکرده بودم. من به بازجو توضیح می‌دادم که اینکه فلان رادیو به من تلفن می‌کند تا پیرامون موضوعی، مثلا زندانیان سیاسی و وضعیت‌شان در زندان‌ها مصاحبه بگیرد، به این خاطر است که می‌داند من خودم بارها زندانی بوده‌ام و با مسائل زندانیان که خیلی‌هاشان دوستانم هستند، آشنا هستم و به غیر از این، من در زمینه حقوق بشر فعال هستم. اما به قول لودویک ویتگنشتاین، بی‌معنا است به کسی چیزی بگوییم که نمی‌فهمد، حتی اگر اضافه کنیم که او نمی‌تواند آن را بفهمد.

بازجو نمی‌فهمید من چه می‌گویم. شاید هم خودش را می‌زد به نفهمی. او اصرار می‌کرد که من انگیزه خرابکارانه‌ای از این گفتگوها داشته‌ام. با اصرار او، کم کم به این باور می‌رسیدم که او راست می‌گوید؛ و من، منی که درون‌ام پر است از نفرت از حکومتی که سایه شوم و مرگ بارش را بر روی زندگی میلیون‌ها ایرانی گسترانده، انگیزه‌های خرابکارانه داشته‌ام.

بازجوها مصاحبه‌هایم با حسین مهری و سعید قائم مقامی را روی کاغذ آورده بودند و از گفته‌هایم سوال طرح کرده بودند. در این مصاحبه‌ها من سرپرست زندان اوین و زندان رجایی شهر کرج را در مرگ اکبر محمدی و ولی الله فیض مهدوی تقصیرکار دانسته بودم.

می‌گفتند این که گفته‌ای فلان مسئول زندان سهل انگاری کرده، این یعنی تشویش اذهان عمومی. می‌گفتند مقاله‌هایی که پیرامون مرگ ولی الله فیض مهدوی نوشته بودی و در سایت‌های خبری منتشر شده بود، تبلیغ علیه نظام بوده است.

به من توپ و تشر می‌زدند که چرا پیرامون وضعیت احمد باطبی خبر می‌دادم و مطلب می‌نوشتم؛ که چرا وقتی دکتر حسام فیروزی بازداشت شد، خبر رسانی کردم؛ که چرا می‌نوشتم وضعیت بازداشتگاه ۲۰۹ دهشتبار است؛ که چرا می‌گفتم دو سه نفر را می‌شناسم که در بازداشتگاه ۲۰۹ خودکشی کرده‌اند؛ که چرا می‌گفتم کیوان رفیعی در بازداشتگاه ۲۰۹ شکنجه شده است؛ من متهم شدم به سیاه نمایی وضعیت زندان‌ها و بازداشتگاه‌های کشور.

و من متهم شدم به هماهنگ کنندگی نیروهای پراکنده جبهه دمکراتیکِ ایران. (این توصیف بازجوها بود) از من خواسته شد درباره جلساتی که در خانه ... برگذار می‌شد توضیح دهم. از من خواسته شد همه افرادی که تاکنون در این جبهه فعال بوده‌اند را نام ببرم؛ سوابق‌شان را توضیح بدهم؛ گرایشات فکری شان را بازگو کنم؛ منابع مالی‌اش (که وجود نداشته است) را لو بدهم؛ بگویم این جبهه با چه احزابی در درون و برون از کشور ارتباط داشته؟ این ارتباط چه مقدار بوده؟ بحث شورای ائتلاف به چه سرانجامی رسیده؟

می‌خواستند من را وادار کنند که به دروغ اعتراف کنم به دریافت پول از احزاب اپوزیسیون؛ به ارتباط هدفمند و برنامه‌ریزی شده با رضا پهلوی. و حتی می‌خواستند وادارم کنند به اعتراف دروغین به رابطه با بخشی از سیاستمداران دولت امریکا. این جای کار فشارها افزایش یافت. به یک باره ملاقاتم ممنوع شد. تلفن‌ام به خانه (که پس از یک ماه، با حضور بازجو برقرار شده بود) قطع شد. باید از سلول انفرادی بیرون می‌آمدم، اما این «باید» لغو شد. چه شده بود؟ این فشارها چه معنایی می‌توانست داشته باشد؟ آیا اگر من به دروغ اعتراف می‌کردم به داشتن ارتباط با مشاورین ارشد کاخ سفید، همه چیز می‌آمد سر جای اولش؟ اما من نمی‌خواستم دروغ بگویم. می‌دانستم که بازجوها تشنه همین دروغ‌ها هستند. آن‌ها دروغگوترین وادار کنندگان به دروغ هستند. آن‌ها می‌گویند اگر به فلان مسئله اعتراف کنی، کمکت می‌کنیم، اما آن‌ها دروغ می‌گویند. آن‌ها می‌خواهند پرونده سازی کنند. آن‌ها در کمین نشسته‌اند (مترصد هستند) تا زندانی، حتی شده باشد به دروغ، اعتراف کند. اگر چنین شود، زندانی باید تا ته خط برود. باید پرونده‌ای که به دست خودش ساخته و پرداخته است را تکمیل کند. نباید مو لای درز پرونده برود. درزها باید پوشیده شود. این کار بر عهده زندانی است.

فکرش را بکنید! به من می‌گفتند ما می‌دانیم که تو با ریچارد پرل در تماس بوده‌ای. با این پیش فرض (این پیش فرض‌ها در بازداشتگاه امنیتی ۲۰۹ اساس کار بازجوهاست) آن‌ها از من می‌پرسیدند که برنامه‌های نئوکان‌ها برای ایران چیست؟ من باید از بهت و حیرت بیرون می‌آمدم و مواضع نئوکان‌ها را برای بازجوها، که تعدادشان زیاد شده بود، تشریح می‌کردم. در این حالت احتمال عصبانی شدن زندانی زیاد است. مثل من، که یک بار که برای چندمین بار روی برگه بازجویی نوشته شده بود «درباره برنامه‌های ریچارد پرل و فخرآور توضیح دهید»، در پاسخ نوشتم «من کیانوش سنجری هستم. شما مثل اینکه من را با کس دیگری اشتباه گرفتید!»

کله‌ام داغ کرده بود از این جور سوال‌ها. آن‌ها به دوستی و هم بند بودن فخرآور با من در بازداشتگاه ۵۹ سپاه در پاییز سال ۱۳۸۰ اشاره می‌کردند و خیال می‌کردند که من از جیک و پیک فعالیت‌های او در آمریکا باخبرم، که این طور نبوده است.

از طرح شدن این جور سوال‌ها می‌شد فهمید که لااقل افرادی که من را بازجویی می‌کردند، از تماس‌های آمریکایی‌ها با جوانان سرنگونی طلب ایرانی وحشت داشتند. آن‌ها خیال می‌کردند من از چگونگی این تماس‌ها با خبرم. آن‌ها خیال می‌کردند من از چگونگی بیرون رفتن برخی از دانشجویان از ایران مطلع‌ام. من را تحت فشار می‌گذاشتند تا توضیح دهم که منوچهر محمدی و یا فخرآور چگونه و با کمک چه افراد و یا سازمان‌هایی از ایران بیرون رفته‌اند. در پاسخ به این سناریو سازی، برای اینکه از بار فشارها کاسته شود، می‌گفتم مگر خودتان بیرون شان نکرده‌اید؟

یک شب یک آقایی آمد سراغم که رفتارش با سایر بازجوهایی که می‌آمدند و از من بازجویی می‌کردند، فرق داشت. او درباره طرح‌های آمریکایی‌ها بر ضد ایران حرف زد. او گفت آمریکایی‌ها دارند دفترهایی را در اطراف ایران دایر می‌کنند. او گفت این اقدام آمریکایی‌ها بر ضد ایران، شبیه اقدام‌شان بر ضد شوروی در زمان جنگ سرد است. در زمان جنگ سرد، امریکا پایگاه «ریگا» را در لتونی دایر کرد و آن جا را مرکزی برای جمع آوری اطلاعات و عملیات روانی و امنیتی و اقدام‌های نظامی علیه شوروی کرد. پایگاه ریگا محل دیدبانی برای جمع آوری اطلاعات از تحرکات نظامی و امنیتی شوروی بود. آمریکا قصد دارد همین سیاست را نسبت به ایران پیش ببرد.او از من پرسید آیا در این باره چیزی می‌دانم و آیا اطلاع دارم که بودجه‌ای که آمریکا برای ترویج دمکراسی در ایران اختصاص داده است به چه افراد و گروه‌هایی پرداخت خواهد شد؟ من در پاسخ به او به گفته‌های خانم کاندولیزا رایس، وزیر خارجه آمریکا و نیکلاس برنز، معاون‌اش اشاره کردم و گفتم آنچه که من می‌دانم، چیزهایی ست که در رسانه‌ها منتشر شده است و نه غیر از این.

در تنهایی

و باز تنهایی، یک تنهایی تمام نشدنی و دنباله دار، موریانه‌ای که امکان دارد آدم را تا ته بجود؛ دو ماه تنها بودم. هواخوری ممنوع بود. تلفن ممنوع بود. یک ماه اول بازداشت، اجازه نداشتم با مادرم دَیدار کنم. مادرم در روزهای اول که از من بی‌خبر بود، خیال می‌کرد من را سر به نیست کرده بودند. به همه بیمارستان‌ها سر زده بود. همه جا را گشته بود. آمده بود جلو زندان اوین، اما پرسنل زندان به او گفته بودند پسرت اینجا نیست، دیگر نیا. اما او هر روز می‌آمد جلو زندان و اسمم را می‌گفت و عکسم را نشان می‌داد. سماجت‌اش باعث شد بلاخره پی ببرد که پسرش در بازداشتگاه ۲۰۹ زندانی شده بود.

یک ماه که گذشت، به من اجازه دادند با مادرم دیدار کنم. قبل از رفتن به سالن ملاقات، یکی از بازجوها به من گفت نباید درباره مسایلی که در بازجویی‌ها مطرح شده بود به مادرم حرفی بزنم. گفت فقط اجازه دارم سلام و احوال پرسی کنم. موقع ملاقات خودش هم آمد و نشست کنار من و مادرم. مادرم ۲۰ دقیقه گریست، وقت ملاقات تمام شد، پا شدیم و برگشتیم. همان شب بازجوها رفته بودند درِ خانه‌مان و کیس کامپیوترم را توقیف کرده بودند. از روز بعد، باید می‌نشستم درباره پوشه‌هایی که در حافظه کامپیوترم ذخیره بود، توضیح می‌دادم. نامه‌ها، عکس‌ها، پوشه‌های صوتی و تصویری، IDها، نشانه‌ها، علامت‌ها، آدرس‌ها، همه و همه، حتی نامه‌های خصوصی‌ام به آقا و خانم فلانی، عکس‌های خصوصی‌ام، همه را دیدند، به رابطه‌های خصوصی‌ام پی بردند، زندگی‌ام را زیر و رو کردند تا به اقدام‌های پنهان مانده شده بر علیه حکومت‌شان پی ببرند!

آن‌ها حتی کنجکاو بودند بدانند که من همزمان به چند نفر ایمیل می‌فرستادم، با چه کسانی چت می‌کردم، چه تعداد آدرس ایمیل را ذخیره داشته‌ام؛ معلوم بود که از پهنای بی نهایت و دست نیافتنیِ تماس‌ها و ارتباطات اینترنتیِ مخالفان‌شان در هراس بودَند.

در چندین جلسه بازجویی، بازجو شمار فراوانی از فعالین سیاسی و فعالین جنبش دانشجویی را نام می‌برد و از من می‌پرسید که آیا آن‌ها را می‌شناسم و یا با آن‌ها رابطه داشته ام یا نه؟ در میان این نام‌ها، نام آقای عیسی سحرخیز و آقای عماد الدین باقی هم بود.

***

این بازجو می‌رفت، آن یکی می‌آمد. یکی‌شان می‌آمد و می‌گفت روزگارت را سیاه می‌کنیم، دیگری می‌آمد و می‌گفت تنها راه خلاصی‌ات از این جا این است که وقتی رفتی بیرون، یک مقاله بنویسی برای سایت‌ها و بنویسی که از فعالیت‌هایت بر علیه نظام پشیمان هستی و توبه می‌کنی. یکی دیگر می‌آمد و اول توپ و تشر می‌زد و مثلا می‌خواست ترس بیندازد به جانم و بعد می‌گفت یک راه بیشتر نمانده؛ باید بنشینی جلو دوربین و از فعالیت‌های «مضره»ات اظهار پشیمانی کنی!

از بازجویی که این را گفت، پرسیدم اگر این کار را نکنم چه می‌شود؟ گفت دست کم برای ۱۰ سال می‌افتی توی زندان، زندان رجایی شهر، شاید هم قزل حصار، یا اینکه می‌توانیم تبعیدت کنیم به شهری دور افتاده. عصبانی بودم. گفتم همین حالا این حکم را بدهید، می‌خواهم بروم زندان عمومی. اما خب، کسی که تجربه این بازپرسی‌ها را داشته باشد می‌داند که این تهدیدها در بازداشتگاه امنیتی ۲۰۹ یک جور فشار روحی و روانی است.

کیانوش سنجری

اینجا ... زندان!

روزها به کندی می‌گذشت. از دادگاه خبری نبود. سلول‌های کناری‌ام خالی و پر می‌شد. من مانده بودم و سلول کوچک‌ام در کریدور شماره ۶. پنجره سلول با یک ورق فلزی پوشیده شده بود. روی ورق فلزی روزنه‌هایی وجود داشت که روشنایی روز را از خود عبور می‌داد. اما آسمان پیدا نبود. خورشید پیدا نبود. ماه پیدا نبود. ستاره‌ها پیدا نبودند. توی سلول دید چشم‌ها به کار نمی‌آید، بلکه این قوهَ شنوایی‌ست که زندانی را از زنده بودنِ خودش و زندگیِ پیرامونش آگاه می‌سَازد؛ صدای اذان، صَدای بازجوها، صدای باز و بسته شدن درها، صدای گریه زن‌ها، صدای ناله مردهایی که کتک می‌خوردند، صدای نگهبان‌ها، که شب‌ها سر به سر هم می‌گذاشتند، صدای خفیف رادیو، صدای راه رفتن کسی روی پشت بام، صدای در زدنِ زندانی‌ها، صدای سرفه‌هاشان، صدایَ کوبش باران به پنجره‌ها و صدای تپش قلبت، وقتی که از زور تنهایی از جا کنده می‌شود. و سکوت، این ژرف‌ترین مفهومی که زندانی را مسخ می‌کند. در این حالت می‌توان بو کشید؛ بوی خون، بوی دوا، بوی گلاب که بعضی از نگهبان‌ها به پیراهن شان می‌زنند، بوی خمیر دندان، بوی لیموی خورش قرمه سبزی و بوی فصل پاییز، که آهسته آهسته جایش را می‌دهد به زمستان. زمستان با برف‌اش، و برف با سردی و سبکی و نرمی‌اش، می‌نشیند جلو پنجره سلول. انعکاس نور می‌پاشد روی دیوارها. سلول روشن می‌شود از برف. برف یک نشانه است از آسمان‌ها برای زندانی، برای من، که شب‌ها لای تنهایی‌ام فرو می‌رفتم و حرف‌های بازجوها را به خاطر می‌آوردم که می‌گفتند این فکر را از سرت بیاور بیرون که یک روز، حتی یک روز در تاریخی دور، از سلول‌ات بیایی بیرون و برگردی به خانه. اما بالاخره یک روز صبح خیلی زود، در سلولم باز شد و نگهبان لباس‌هایم را داد به دستم تا بپوشم. او گفت باید بروی به دادگاه. لباس‌هایم را به تن کردم، از سلول بیرون آمدم، همراه با نگهبان از پله‌ها پایین آمدیم. جلو در چشم بند را برداشتم و سوار اتومبیل شدم. مچ دست چپ‌ام با دست بند به دستگیره اتومبیل قفل شد. آن روز برف سنگینی می‌بارید. هوا سوز داشت. مقصد نزدیک بود؛ خیابان مقدس اردبیلی، دادگاه ویژه روحانیت. طبقه دوم، دادیاری دوم. یکی دو ساعت منتظر ماندم. نوبت من شد. رفتم تو. قرار بازداشتم به قرار وثیقه تبدیل شد. زیر برگه‌ای را امضا کردم و بیرون آمدم و به زندان بازگشتم. با یک روز تاخیر از بازداشتگاه ۲۰۹ به بند قرنطینه منتقل شدم. در آن جا دیگر از تریاک و حشیش خبری نبود، اما برای اولین بار «کراک» و کراکی‌ها را از نزدیک دیدم. آن‌هایی که با خودشان مواد نیاورده بودند، تا صبح مثل مار زخم خورده به خودشان پیچیدند. غروب روز بعد در حالی که روی برگه پزشکی‌ام نوشته شده بود «زندانی بند ۳۵۰» به صورت دستوری به بند ۸ منتقل شدم. می‌دانستم که بند ۸ تبعیدگاه زندان اوین است. در ابتدا سالن ۱۰، جایی که زندانی‌هایش با کراک به زندگی نکبت بارشان معنا و مفهوم می‌دهند، و سپس سالن ۷، کمی بهتر، اما پرجمعیت. شب، اتاق‌ها پر می‌شد از کف خواب. توی کریدور می‌خوابیدم. خواب که نه، فقط دراز می‌کشیدم تا صبح شود تا اجازه داشته باشم تا دم غروب در حیاط قدم بزنم. ضعیف و بیمار شده بودم. وزنم ۶ کیلو کم شده بود. مرتب سرفه می‌کردم. گلویم چرک کرده بود. رفتم پیش رابط بهداری و از او خواهش کردم مرا ببرد پیش پزشک. دو روز بعد همراه رابط بهداری به ساختمان (بند) ۷ رفتم. می‌دانستم که احمد باطبی در آن ساختمان در سالن ۳ زندانی بود. او را دیدم. می‌گفت به او هم اجازه نداده بودند به بند ۳۵۰ منتقل شود.

یک هفته بعد برای بار دوم از زندان به دادگاه ویژه روحانیت احضار شدم. در آن روز آقای بروجردی و یکی دو نفر دیگر از بازداشت شدگان تحصن ۱۵ مهر را هم به دادگاه آورده بودند. در اتاق دادیاری دوم روی صندلی نشسته بودم و به سوال‌های قاضی پاسخ می‌دادم. سوال و جواب‌ها که تمام شد، قاضی رو کرد به من و گفت من مدت‌ها در دانشگاه بودم، نماینده ولی فقیه بودم، با دانشجوها میانه خوبی دارم. خلاصه رفت بالای منبر و شروع کرد به تعریف و تمجید کردن از خودش و رابطه‌اش با دانشجویان در دانشگاه‌ها. معلوم بود که می‌خواست مسئله‌ای را مطرح کند که نیاز داشت به این مقدمه چینی‌ها. بعد شروع کرد به بدگویی از بروجردی و گفت او دروغ گوست. به او گفتم من با ایشان نه رابطه‌ای دارم و نه هوادارش هستم. من کارم چیز دیگریست؛ مرا اشتباهی دستگیر کرده‌اند، بازجویی‌هایم نیز پیرامون مسایل دیگری بوده. حالا نمی‌دانم که این موضوعات به من چه ارتباطی دارد. اما او آقای بروجردی را صدا زد و از او خواست که روی صندلی بنشیند. سپس یک دسته پرونده مربوط به نوشته‌های بروجردی را روی میز کارش گشود و پیرامون نوشته‌های درون پرونده از بروجردی سوال‌هایی پرسید. بروجردی نتوانست و یا نخواست ـ که گمان می‌کنم نخواست ـ با قاضی جر و بحث کند. اما قاضی به این مسئله بسنده نکرد. او کتاب فلسفه اسلامی را داد به دست آقای بروجردی و از او خواست که بخشی از آن کتاب را بخواند و تفسیر کند. اما آقای بروجردی باز هم از خواندن و تفسیر کردنِ کتاب سرباز زد. معلوم بود که نمی‌خواست با قاضی مشاجره کند. این که چرا قاضی دادیاری دوم دادگاه ویژه روحانیت مرا با بروجردی روبرو کرد را پس از آزادی از زندان متوجه شدم. این موضوع را هم برای‌تان تعریف خواهم کرد.

یک هفته بعد با سپردن وثیقه به دادگاه از زندان آزاد شدم و آمدم به خانه. تنها بخشی از پیشامدهای دوران بازداشت در بازداشتگاه ۲۰۹ را در گفتگو با رسانه‌های فارسی زبان برون مرزی بیان کردم. همین اندازه بیان حقیقت کافی بود تا یکی از بازجوها، همان کس که بازجوی باطبی و دکتر حسام فیروزی هم بوده و در آخرین جلسات بازجویی خودش را نشانم داده بود، به خانه‌مان تلفن کند و یادم بیندازد که آزادی‌ام از زندان موقتی بوده و به من هشدار بدهد که مراقب زبانم باشم. اما من با یکی دو خبرنگار دیگر گفتگو کرده بودم و پیرامون بازداشت شدنم سخن گفته بودم. همان بازجو این بار آمد به در خانه‌مان و مرا سوار اتومبیل‌اش کرد و (همان طور که در «وادار شدنم به سکوت» برای‌تان تعریف کرده بودم) برافروخته و با زبانی خشم‌آگین به من هشدار داد که اگر به فعالیت‌هایم ادامه دهم باید بازگردم به بازداشتگاه! راستش را بخواهید، پس از این توبیخ دچار بیماری شدم. بیماری‌ام را «غم» نام نهادم. حال عجیبی داشتم. احساس نفس تنگی می‌کردم. دنیا کدر شده بود؛ بی رنگ، بی بو، بی مزه، انباشته از رخوت و سکوت، با آدم‌هایی مسخ شده و بیمار. آدم‌ها را تیره و تار می‌دیدم.

بنویس بروجردی دروغگوست!

دادگاه ویژه روحانیت هم شده بود قوز بالا قوز. یک بار که تلفنی به دادیاری دوم فراخوانده شده بودم، قاضی رو کرد به من و گفت دیشب پیش از به خواب رفتن، در این فکر بوده که چطوری می‌شود دستش باز شود برای اینکه حکم سبکی برایم صادر کند. و پس از کلی چه کنم چه کنم، به این نتیجه رسیده که من، یعنی کیانوش سنجری، باید یک مقاله بنویسم و بنویسم که در دادگاه ناظر جلسه مناظره قاضی با بروجردی بوده‌ام و بنویسم که بروجردی دروغ گوست و بی‌سواد، و این مقاله را توی همه وبلاگ‌ها و همه سایت‌ها منتشر کنم!

به قاضی گفتم درست است که در جلسه مناظره‌ای که بار گذشته با حضور شما و آقای بروجردی در دادگاه برگزار شد (و توی دلم گفتم حالا می‌فهمم چرا من را نیز در آن جلسه شرکت دادید) ایشان نخواست با شما بحث کند و اساسا پس از این که یک نفر مانند ایشان درون سلول‌اش در بازداشتگاه امنیتی ۲۰۹ کتک می‌خورد و به اصطلاح منکوب می‌شود، دیگر نباید از او انتظار داشت در جلسه دادگاه از عقایدش دفاع کند. و گفتم این انتظار زمانی بجاست که زندانی مورد نظر در بیرون از زندان و با برخورداری از امنیت پس از بیان، عقایدش را بیان کند و یا آن عقاید را رد کند.

به خیال خودم حرف بدی نزده بودم. اما نمی‌دانم چرا قاضی محترم دادگاه از حرف‌هایم برآشفته شد و یکهو از پشت میزش بلند شد و آمد طرف من و دو سه بار مشت‌اش را به سینه‌ام کوبید (البته نه خیلی محکم، بلکه کوبیدن این مشت یک جور هشدار بود به من که باید مراقب حرف زدنم باشم) و چند تا ناسزا بارم کرد و گفت: «خودت خواستی، حالا برو تا دوباره احضارت کنم!»

این پایان کار نبود. مزاحمت‌های بازجوی وزارت اطلاعات ذله‌ام کرده بود. من سکوت پیشه کرده بودم. بغض‌ام را فرو خورده بودم. اما آن طور که معلوم بود، رفت و آمدهایم با این و آن، تماس‌هایم، تماس‌های دیگران با من، همه و همه هنوز برای بازجوها سوال برانگیز بود. روز سه شنبه ۱۷ بهمن، صبح زود موبایلم زنگ خورد و از خواب بیدارم کرد. بازجو بود.

ادامه در صفحه ۱۷

پایگاه اینترنتی «هیل»: چرا «دموکرات‌ها» می‌خواهند رژیم مذهبی ایران را نجات دهند؟

● دیدگاه حزب دموکرات آمریکا در مورد رژیم ستمگر جمهوری اسلامی ساده‌انگارانه و شرم‌آور است. مردم ایران شعار «مرگ بر دیکتاتور» سر می‌دهند و دموکرات‌ها نادیده می‌گیرند. در ایران رژیم برخلاف خواست مردم در قدرت مانده است.

● دموکرات‌های ساده‌لوح از این واقعیت مستند نیز غافل‌اند که وقتی پول‌های کمک‌رسانی به ایران سرازیر شوند، بجای رسیدن به مردم و رفع مشکلات آنان، ناپدید می‌شوند.

● در برجام بر اساس بند موسوم به «بند غروب» فقط برنامه اتمی رژیم ایران ۱۵-۱۰ سال به تاخیر افتاد اما با پایان یافتن این زمان، برنامه‌های اتمی رژیم به یک فعالیت قانونی تبدیل می‌شود.

● پس از توافق اتمی چند میلیارد دلار پول به دست رژیم ایران رسید اما جمهوری اسلامی از آنها برای حمایت از تروریست‌ها استفاده کرد. اکنون نیز به دنبال پول بیشتر می‌گردد و به نظر می‌رسد که دموکرات‌ها مایل‌اند خواسته‌های آنها را برآورده کنند.

● رژیم مذهبی ایران ممکن است در اثر کودتای ویروس کُرونا سقوط نکند اما از سوی دیگر، چرا که نه!

موشک ذوالفقار متعلق به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

نشریه «هیل» پایگاه خبری- تحلیلی کنگره آمریکا در مقاله‌ای با اشاره به اقدامات جمهوری اسلامی و شبه‌نظامیان وفادار به تهران علیه منافع آمریکا و بحران‌های داخلی رژیم ایران از جمله فساد حکومتی و نارضایتی گسترده مردم علیه حاکمان تهران به انتقاد از حزب دموکرات آمریکا برای حمایت از ملاها پرداخته است.

در مقدمه این مقاله آمده است، در شرایطی که رژیم ستمگر و تمامیت‌خواه ایران از داخل زیر فشار روزافزون قرار گرفته و قدرت آن روزانه در بوته آزمایش قرار می‌گیرد، دموکرات‌ها به دنبال برنامه‌هایی برای کاستن از فشار تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی ایران هستند که بتواند آنها را در کنترل اوضاع کمک کند. اقدامی که ناشی از نادانی، ساده‌لوحی و عدم درک صحیح از اولویت‌هاست.

از پاییز گذشته اعتراضات در ایران بسیار جسورانه‌تر شد. بجای شعار «مرگ بر آمریکا» در تهران شعار «مرگ بر دیکتاتور» و «مملکت آخوندی نمی‌خوایم نمی‌خوایم» شنیده می‌شود. اگر علی خامنه‌ای کنترل اوضاع را به خاطر سوء مدیریت در کُرونا از دست بدهد تنها نکته مثبت این بیماری همه‌گیر خواهد بود مگر آنکه دموکرات‌ها کار خودشان را برای رسیدن به اهداف‌شان پیش ببرند.

هیل در ادامه با اشاره به تلاش دموکرات‌ها برای برداشته شدن تحریم‌های رژیم ایران از جمله نامه سناتور دایانا فاینشتاین که از ترامپ خواسته بود از درخواست رژیم ایران برای دریافت وام ۵ میلیارد دلاری از صندوق بین‌المللی پول برای مقابله با کُرونا پشتیبانی کند و درخواست تعدادی از سناتورهای دموکرات برای برداشته شدن تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی و دولت چپگرای ونزوئلا به بهانه مقابله با کُرونا می‌نویسد: در این دیدگاه ساده‌انگارانه و شرم‌آور این واقعیت نادیده گرفته می‌شود که در هر دو کشور احساسات ضدرژیم بین مردم قوی‌تر از احساسات ضدآمریکایی است. هر دو این رژیم‌ها قدرت را برخلاف خواست مردم در دست دارند نه به خواست مردم.

این سناتورها بحث خود را به سال ۲۰۰۳ ارجاع می‌دهند که در زلزله بم ۲۶ هزار نفر را کشته شدند. آنها دولت بوش را به خاطر برداشتن موقت تحریم‌ها و آزاد شدن ۱۵۰ هزار پوند برای خرید تجهیزات دارویی و اعزام ۲۰۰ امدادگر با هواپیمای نظامی به ایران جهت امدادرسانی تحسین می‌کنند. آنها [سناتورهای دموکرات] می‌گویند چنین اقداماتی نشان می‌دهد با وجود همه مشکلات و اختلافات، آمریکا برای حفاظت از جان انسان‌ها اهمیت قائل است.

این سناتورها شاید فراموش کرده باشند در سال ۲۰۱۲ پس از یک زلزله دیگر در ایران وزارت خزانه‌داری دولت اوباما تحریم‌ها را موقتاً علیه جمهوری اسلامی ایران برداشت. اما پرسش این است که اگر کمک‌های آمریکا احساسات ضدآمریکایی [در حکومت] را کاهش می‌دهد، چرا هنوز در ایران زمامداران مذهبی بر آمریکاستیزی پافشاری می‌کنند؟ چرا احساسات ضدآمریکایی آنها در سال ۲۰۰۳ و ۲۰۱۲ پس از کمک‌های بشردوستانه آمریکا تمام نشد؟! چرا ملاها تشخیص نمی‌دهند کمک‌های بشردوستانه آمریکا در تضاد با دیدگاه‌های آنها نسبت به «شیطان بزرگ» است؟

دموکرات‌های ساده‌لوح از این واقعیت مستند نیز غافل‌اند که وقتی پول‌های کمک‌رسانی به ایران سرازیر شوند، بجای رسیدن به مردم و رفع مشکلات آنان، ناپدید می‌شوند. مایک پمپئو ۲۳ مارس ۲۰۲۰ فاش کرد که بیش از یک میلیارد یورو که با هدف مقابله رژیم ایران علیه ویروس کُرونا در اختیار تهران قرار گرفت ناپدید شده است و یا تجهیزات پزشکی و بهداشتی اهدا شده به ایران در بازار سیاه به فروش می‌رسند. پمپئو ۲۸ مارس نیز ویدئویی را منتشر کرد که در آن حسن روحانی از تلاش‌های هماهنگ برای تأثیرگذاری بر افکار عمومی با هدف بازگرداندن پول‌های بلوکه شده ایران در کشورهای دیگر خبر داد. پمپئو گفت که «این تلاش هماهنگ روحانی برای متوقف کردن تحریم‌های آمریکا مقابله با ویروس کُرونا نیست بلکه برای رسیدن پول نقد به دست رهبران ایران است». عادل آذر رئیس دیوان محاسبات جمهوری اسلامی ۱۴ آوریل در گزارشی اعلام کرد ۸/۴ میلیارد دلار ارز دولتی گم شده است و به جیب شماری از دولتی‌ها رفته است.

در بخش دیگری از این مقاله آمده یکی از دموکرات‌ها که به دنبال نجات رژیم ایران است، جو بایدن معاون سابق ریاست جمهوری در دوران اوباما است. او دوم آوریل در بیانیه‌ای از مخالفت دونالد ترامپ برای پرداخت وام از صندوق بین‌المللی پول به ایران انتقاد کرد. این در حالیست که جو بایدن خواستار اقدامات فوری دیگر مثل صدور مجوز گسترده برای شرکت‌های داروسازی و تجهیزات پزشکی و ایجاد کانال اختصاصی برای بانک‌های بین‌المللی، شرکت‌های حمل و نقل، بیمه‌گذاران و سایر شرکت‌های خدماتی جهت کمک به حکومت ایران و کم کردن وظایف آن است.

در شرایطی که شرکت‌های داروسازی و تجهیزات پزشکی در تلاش‌اند تا پاسخگوی نیاز بیماران و بیمارستان‌های آمریکایی باشند، و در حالی که بانک‌ها، شرکت‌های حمل و نقل و شرکت‌های بیمه در تلاش‌اند به مشتریان آمریکایی خدمت کنند، جو بایدن می‌خواهد کار مضاعف روی دوش آنها بگذارد تا از دردسرها و مسئولیت‌های رژیم ایران کم کند! بنابراین قابل ارزیابی است که چرا معاون سابق اوباما می‌گوید خروج ترامپ از توافق هسته‌ای و استراتژی «فشار حداکثری» شکست خورده است.

در ادامه این مقاله آمده، بایدن ظاهراً فراموش کرده برجام هیچ کاری برای مهار تجاوزگری‌های رژیم ایران نکرده است. در ژانویه سال ۲۰۱۶ فقط چند ماه پس از امضای این توافقنامه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ۱۰ ملوان نیروی دریایی ایالات متحده را در آب‌های بین‌المللی به گروگان گرفت و همان زمان جان کری وزیر خارجه اوباما با رژیم ایران در حال مذاکره بود و حتی در بیانیه‌ای عجیب از مقامات جمهوری اسلامی برای همکاری در حل و فصل سریع این موضوع تشکر کرد. اگر جو بایدن نامزد حزب دموکرات در انتخابات ۲۰۲۰ به ریاست جمهوری ایالات متحده برسد، انتظار می‌رود این قبیل اقدامات بیشتر شود. بایدن احتمالا دوباره جان کری را وزیر امور خارجه می‌کند.

حامیان بایدن و همینطور دموکرات‌ها مدعی‌اند اوباما حداقل به یک توافق رسید! اما آنها دو واقعیت مهم را نادیده می‌گیرند:

اول اینکه پایان محدودیت فعالیت‌های اتمی ایران موسوم به «بند غروب» که دولت اوباما آن را در برجام گنجاند فقط ۱۵-۱۰ سال برنامه اتمی رژیم را به تاخیر انداخت اما با پایان زمان این محدودیت‌ها این برنامه‌ها به یک فعالیت قانونی تبدیل می‌شود.

دوم اینکه رژیم ایران از همان روز اول با فعالیت‌های پنهانی در سایت‌های اتمی مخفی به فریبکاری و دروغ‌های خود ادامه داد!

پس از توافق اتمی چند میلیارد دلار پول به دست رژیم ایران رسید اما جمهوری اسلامی از آنها برای حمایت از تروریست‌ها استفاده کرد. اکنون نیز به دنبال پول بیشتر می‌گردد و به نظر می‌رسد که دموکرات‌ها مایل‌اند خواسته‌های آنها را برآورده کنند.

در صورت «کاهش تحریم‌ها» به راستی جمهوری اسلامی ایران با پول آن چه می‌کند؟ رژیم ایران با پول حاصل از کاهش تحریم‌ها، نه به رفع مشکلات مردم ایران بلکه به تحکیم پایه‌های تضعیف‌شده‌ی خود می‌پردازد:

حقوق و دستمزد حزب‌الله را پرداخت می‌کند؛

به گروه تروریستی کتائب حزب‌الله که به نیروهای آمریکایی در عراق حمله می‌کنند، کمک می‌کند؛

موشک در اختیار شبه‌نظامیان شیعه می‌گذارد؛

منابع مالی شورشیان از حوثی‌های یمن تا تروریست‌های حماس در غزه را تأمین می‌کند؛

به اسم پروژه‌های فضایی آزمایش‌های موشکی انجام می‌دهد؛

قایق‌های سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به آزار و عملیات ایذائی علیه ناوهای آمریکایی در آب‌های بین‌المللی ادامه می‌دهند؛

و حتی ممکن است سازمان‌های تروریستی جدید ایجاد کند مثل «عصبه الثائرین» که به سفارت آمریکا در بغداد راکت‌پرانی می‌کند.

در پایان این مقاله آمده است که رژیم مذهبی ایران ممکن است در اثر کودتای ویروس کُرونا سقوط نکند اما از سوی دیگر، چرا که نه!

توانایی مستمر جمهوری اسلامی برای سرکوب معترضان و پرداخت پول به سرکوبگران برای حفظ قدرت بسیار حیاتی است. شُل کردن تحریم‌ها و کاستن فشار حداکثری درست مانند دادن حلقه‌ی نجات به رژیمی است که در حال غرق شدن است و برای نجات خود دست و پا می‌زند.

به کارتان ادامه بدهید دموکرات‌ها و روز رژیم ایران را بسازید!

***منبع: هیل**

***نویسنده: ای.جی کاشتا**

***ترجمه و تنظیم از کیهان لندن**

عقربه حکمرانی جمهوری اسلامی حول «تاب‌آوری مردم» می‌چرخد

● شهروز برزگر عضو کمیسیون امنیت ملّی مجلس می‌گوید آمریکا به دنبال این است که مکانیسم ماشه توسط اروپایی‌ها علیه جمهوری اسلامی فعال شود یا علیه پرونده هسته‌ای ایران شکایتی صورت گیرد و اگر موفق شود تحریم‌های شورای امنیت باز می‌گردد.

● حسام‌الدین آشنا مشاور حسن روحانی: مسئله ما مدیریت رفتار ایالات متحده آمریکا است. تلاش امروز ایران ناظر بر این هدف است که کمترین آسیب را از سیاست‌های ترامپ ببینند.

● سیاست جمهوری اسلامی آشکار است: یا با خرابکاری و ماجراجویی اخاذی کند یا کاسه گدایی به دست بگیرد و با گروگانگیری شهروندان خارجی و دوتابعیتی پول به جیب بزنند.

● عقربه حکمرانی برای جمهوری اسلامی حول «تاب‌آوری مردم» می‌چرخد و آنها به این امید هستند که سیاست‌های اقتصادی و مالی مقطعی و سرکوب‌های خونین، ماندن آنها را تضمین کند.

با شیوع کُرونا در ایران بازارها از گذشته کسادتر و بحران کسب و کار برای اصناف مختلف تشدید شده

شماری از مقامات سیاسی در ایران امیدوارند اروپایی‌ها تا مهرماه ۱۳۹۹ «مکانیسم ماشه» را فعال نکنند تا تحریم‌های تسلیحاتی شورای امنیت سازمان ملل علیه جمهوری اسلامی برداشته شود.

بر اساس مفاد برجام، تحریم تسلیحاتی رژیم ایران که شامل خرید و فروش سلاح است تا سال ۲۰۲۰ به خودی خود برداشته می‌شود. همچنین تا سال ۲۰۲۳ تحریم موشک‌های بالستیک با قابلیت حمل کلاهک اتمی نیز برای رژیم ایران لغو خواهد شد.

طبق قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت فروش و انتقال تانک، خودروهای زرهی، توپخانه سنگین، ناوهای جنگی، قطعات یدکی تسلیحات یادشده، خدمات آموزشی نظامی و تسهیلات مالی در این زمینه برای ایران تا ۱۸ اکتبر ۲۰۲۰ ممنوع شده است.

طبق بند ۳۷ برجام نیز اگر شرایط به گونه‌ای پیش برود که مکانیسم ماشه اجرایی نشود، خود به خود همه تحریم‌های هسته‌ای و موشکی از روی جمهوری اسلامی ایران برداشته می‌شود.

ایالات متحده آمریکا تلاش می‌کند تا پیش از فرارسیدن این تاریخ طرف‌های اروپایی را که هنوز در برجام باقی مانده‌اند مجاب کند تا با فعال کردن «مکانیسم ماشه» پرونده ایران به شورای امنیت ارجاع شود.

شهروز برزگر عضو کمیسیون امنیت ملّی مجلس شورای اسلامی به ایلنا می‌گوید: «آمریکا به دنبال این است که مکانیسم ماشه توسط اروپایی‌ها علیه ما فعال شود یا این که علیه پرونده هسته‌ای ایران شکایتی صورت گیرد که اگر موفق شود، شکایت به سازمان ملل متحد و شورای امنیت ارجاع داده می‌شود تا آن ۶ تحریمی که بر اساس آخرین قطعنامه ۲۲۳۱ برداشته شد بازگردد».

مشکل اساسی برای رژیم ایران آنجاست که اگر مکانیسم ماشه فعال شود و پرونده به شورای امنیت ارجاع شود دیگر نمی‌تواند روی حق وتوی چین و روسیه حساب کند.

برزگر می‌گوید: «آمریکا در حال تحریک طرف‌های اروپایی است که اگر موفق شود و آلمان، فرانسه و انگلیس را با خود همراه کند و مکانیسم ماشه فعال شود، کمیته حل اختلاف تشکیل می‌شود و آنجاست که سوال در شورای امنیت پرسیده می‌شود که آیا تحریم‌ها در خصوص برنامه هسته‌ای و فعالیت‌های موشکی تعلیق شود؟ در این صورت اگر جواب یکی از اعضای ثابت دارای حق وتو خیر باشد، ۶ قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد که علیه ایران بود و بواسطه برجام برداشته شده بود، بازمی‌گردد».

مایک پمپئو وزیر خارجه آمریکا در هفته‌های اخیر بارها هشدار داده تحریم‌های تسلیحاتی جمهوری اسلامی به عنوان بزرگترین حامی تروریسم در جهان رو به اتمام است و شورای امنیت باید این تحریم را قبل از تشدید خشونت رژیم ایران و شروع یک مسابقه تسلیحاتی جدید در خاورمیانه تمدید کند.

جمهوری اسلامی یک هفته پیش از این با یک فروند موشک بالستیک «قاصد» ماهواره نظامی «نور ۱» را در مدار زمین قرار داد. آمریکا و سه کشور فرانسه، آلمان و بریتانیا این اقدام رژیم را محکوم کردند و خواستار توقف پرتاب موشک‌هایی با قابلیت حمل کلاهک اتمی شدند.

مجید تخت‌روانچی نماینده دائم جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل می‌گوید درخواست پمپئو از اعضای شورای برای تمدید قطعنامه ۲۲۳۱ و تحریم تسلیحاتی ایران تلاش برای انحراف توجهات از تداوم تروریسم اقتصادی علیه مردم ایران است. او همچنین گفته است که ایالات متحده در ترغیب دیگران برای نقض قوانین بین‌المللی توفیق نخواهد یافت.

تلاش برای زمان خریدن

برخی تحلیلگران می‌گویند رژیم ایران در پی وقت خریدن است تا شاید اروپایی‌ها به خواست آمریکا برای فعال کردن «مکانیسم ماشه» تمکین نکنند.

حسام‌الدین آشنا مشاور امنیتی- رسانه‌ای حسن روحانی روز یکشنبه ۷ اردیبهشت در مصاحبه با روزنامه دولتی «ایران» گفته «مسئله ما مدیریت رفتار ایالات متحده آمریکا است. تلاش امروز ایران ناظر بر این هدف است که کمترین آسیب را از سیاست‌های ترامپ ببینند».

اما مسئله اینجاست که اروپایی‌ها نیز به اندازه آمریکا نگران موشک‌پرانی‌ها و فعالیت‌های اتمی جمهوری اسلامی هستند. کشورهای اروپایی بارها از ایران خواسته تا تامین مالی و حمایت تسلیحاتی از شبه‌نظامیان شیعه در منطقه را متوقف کند.

در عین حال اروپایی‌ها از خرابکاری‌های برون‌مرزی جمهوری اسلامی از جمله ترور افراد و مخالفان سیاسی رژیم در خاک اروپا صدمه دیده‌اند. مقصد اصلی ترانزیت موادمخدر که ایران یکی از شاهراه‌های آن محسوب می‌شود اروپاست و جمهوری اسلامی بارها کشورهای اروپایی را تهدید به «مسیردهی» برای قاچاق مواد مخدر و همچنین «پناهجو» کرده است!

شروط اروپایی‌ها برای ادامه تجارت با جمهوری اسلامی ایران خلاصه‌ی همان ۱۲ شرطی است که مایک پمپئو بعد از خروج آمریکا از برجام پیش پای تهران گذاشت و از جمهوری اسلامی خواست بر اساس آن شروط تغییر رفتار بدهد. در این میان اما به رسمیت شناختن اسرائیل و پایان دادن به تهدیدات علیه ماهیت این کشور از شروطی است که اروپایی‌ها روی آن تمرکز می‌کنند.

اروپا همراه آمریکا

سیاست جمهوری اسلامی آشکار است: یا با خرابکاری و ماجراجویی اخاذی کند یا کاسه گدایی به دست بگیرد و با گروگانگیری شهروندان خارجی و دوتابعیتی پول به جیب بزنند.

مقامات رژیم ایران برای باج گرفتن یک روز تهدید به بستن تنگه هرمز می‌کنند و حرکت کشتی‌های تجاری در آب‌های بین‌المللی را با مین‌پاشی و راکت‌پرانی و حمله به عرشه‌ی آنها مختل می‌کنند و یک روز تهدید می‌کنند که مرزها را به روی قاچاقچیان مواد مخدر و پناهجویان باز خواهد کرد. گروگانگیری شهروندان دوتابعیتی یا توریست‌های خارجی با هدف تبادل زندانیان یا دریافت پول‌های بلوکه شده برای رژیم ایران به یک عادت و رویه تبدیل شده است.

رئیس بانک مرکزی جمهوری اسلامی ادعا می‌کند ایران برای مقابله با کرونا ۱۰ میلیارد دلار کسری منابع دارد اما همزمان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با هزینه‌های میلیاردی، ماهواره نظامی به فضا می‌فرستد و قایق‌های سپاه پاسداران ناوهای آمریکایی را تحریک می‌کنند. علاوه بر درخواست وام ۵ میلیارد دلاری از صندوق بین‌المللی پول، روز ۳۰ فروردین دکتر سیدکامل تقوی‌نژاد معاون توسعه مدیریت و منابع وزارت بهداشت خبر داد که ایران از بانک جهانی درخواست وام ۵۰ میلیون دلاری کرده است. او همچنین از دریافت ۱۳۰ میلیون دلار وام از بانک توسعه اسلامی خبر داد. ۱۴ فروردین ماه نیز وزارت امور اقتصادی و دارایی اعلام کرد که «صندوق اوپک برای توسعه جهانی» به ایران برای خرید و توزیع تجهیزات ضروری بیمارستانی مورد نیاز جهت مقابله با ویروس کُرونا کمک مالی می‌کند. با شیوع کرونا در ایران شمار زیادی از کشورهای دنیا و نهادهای بین‌المللی کمک‌های نقدی و غیرنقدی به ایران ارسال کردند اما دستگاه تبلیغاتی جمهوری اسلامی و لابیگرانش در خارج کشور همچنان ادعا می‌کنند تحریم‌ها مانع ارسال کمک‌های بشردوستانه به ایران است.

اینهمه فهرست سیاهی از رفتارهای غیرعادی رژیم ایران است که هم آمریکا از آن خبر دارد و هم اروپا. با این تفاوت که آمریکا مستقیم علیه رژیم موضع گرفته و سیاست‌های خود را پیش می‌برد اما اروپا صبورانه‌تر با در نظر گرفتن منافع پیدا و پنهان خود در عمل مجبور است همان مسیری را برود که آمریکا می‌رود.

به عنوان نمونه فرانسه و آلمان در تشکیل ائتلاف دریایی آمریکا برای تامین امنیت کشتیرانی آزاد در آب‌های جنوبی ایران مشارکت نکردند اما در نهایت پس از چند ماه مجبور شدند یک ائتلاف دریایی اروپایی ایجاد کنند و مستقیم و غیرمستقیم با ائتلاف آمریکا همکاری می‌کنند.

برای رژیم ایران راهی بجز تغییر رفتار باقی نمانده است زیرا کارت‌های جمهوری اسلامی برای فریبکاری بین‌المللی بی‌تاثیر شده است؛ وگرنه ادامه مسیری که ملایان در پیش گرفته‌اند یا به فروشی اقتصادی منجر خواهد شد و یا احتمالا برخورد نظامی.

اخاذی و ماجراجویی نظامی و عملیات ایذایی و تلاش برای معاملات پنهان تمام آنچیزی است که در جعبه‌ی «دیپلماسی» جمهوری اسلامی پیدا می‌شود. عقربه حکمرانی برای جمهوری اسلامی حول «تاب‌آوری مردم» می‌چرخد و آنها به این امید هستند که سیاست‌های اقتصادی و مالی مقطعی و سرکوب‌های خونین، ماندن آنها را تضمین کند.

گفتگو با یکی از اعضای کانون صنفی معلمان:

آموزگاران ایران در برابر تبعیضات حقوقی و فشارهای فرهنگی و امنیتی

● مبلغ ناچیز دریافتی آموزگاران ایران به عنوان «حقوق معلمی» از جمله مواردی است که به عنوان ابزاری جهت وارونه جلوه دادن زحمت آموزگاران و ایجاد فشار روانی به آنها از سوی رسانه‌های حکومتی استفاده می‌شود.

● وقتی یک معلم می‌خواهد سفر خارجی برود باید فرمی را پر کند که کجا می‌رود، به چه دلیلی می‌رود، در آن کشور کجا ساکن است و...

● بر خلاف تصور عمومی، آموزگاران میزان دریافتی بسیار کمتری نسبت به بسیاری از کارمندان دیگر دولت دارند.

روشنک آسترکی - ۱۲ اردیبهشت‌ماه، روز معلم در ایران، در حالی فرا رسیده که آموزگاران امسال نیز مانند سال‌های گذشته با مشکلات زیادی روبرو هستند و بحران‌های شغلی و هزینه‌های زندگی آنها نه تنها نسبت به گذشته کمتر نشده بلکه ابعاد بیشتری یافته است.

درباره روز معلم باید یادآوری کرد که یونسکو از سال ۱۹۹۴ روز ۵ اکتبر را تقریبا همزمان با آغاز سال تحصیلی در دنیا روز جهانی معلم نامیده است. اما پیشینه‌ی روز معلم در ایران به اعتراضات صنفی آموزگاران در روز ۱۲ اردیبهشت ۱۳۴۰ در میدان بهارستان تهران بر می‌گردد که طی آن ابوالحسن خانعلی یکی از آموزگاران شرکت‌کننده در اعتراض با شلیک گلوله‌ی پلیس کشته شد. این روز همان زمان از سوی دولت وقت به عنوان روز معلم به رسمیت شناخته شد. اما پس از انقلاب اسلامی، زمامداران تازه به قدرت رسیده، مناسبت آن را با کشته شدن مرتضی مطهری که روز ۱۱ اردیبهشت ۱۳۵۸ ترور شد ولی خبرش را یک روز دیرتر اعلام کردند، تحریف و به وی نسبت داده شد! جمهوری اسلامی پس از استقرار برای جابجایی روز جهانی کارگر نیز تلاش کرد اما موفق نشد آن را مانند بسیاری از مناسبت‌های جهانی و ملی از فرهنگ جامعه حذف کند.

حالا که چهار دهه از این تحریف و اصرار آموزگاران بر روز صنفی و حقوق خود می‌گذرد، چند روز پیش، وزارت آموزش و پروش اقدام به اخراج محمد حبیبی فعال صنفی آموزگاران و عضو هیئت مدیره کانون صنفی معلمان آنهم با حکمی عجیب کرده است: «غیبت غیرموجه»! در حالی که زندانی کردن این آموزگار «غیرموجه» است!

محمد حبیبی اردیبهشت سال ۱۳۹۷ در جریان تجمع اعتراضی معلمان در مقابل مجلس شورای اسلامی از سوی نیروهای امنیتی بازداشت و چند ماه بعد در دادگاه به ۱۰ سال زندان، ۷۴ ضربه شلاق و دو سال ممنوعیت از فعالیت در احزاب و گروه‌ها محکوم شد.

جدا از تهدیدها و فشارهای امنیتی و محاکمه آموزگارانی که به فعالیت صنفی مشغول هستند و مطالبات این قشر را با استفاده از حق قانونی اعتصاب و تجمع و صدور بیانیه پیگیری می‌کنند، وضعیت معیشتی آموزگاران نیز هر سال از سال پیشتر بدتر می‌شود. هرچند جمهوری اسلامی از چهار دهه پیش تا کنون همواره شعارهایی برای حمایت از آموزگاران و احترام به جایگاه آنها مطرح کرده است اما در واقعیت شأن آموزگاران در جنبه‌های مختلف از سوی نظام زیر پرسش رفته و جایگاه آنها با تبلیغات منفی رسانه‌های حکومتی نیز تنزل پیدا کرده است.

یکی از اعضای کانون صنفی معلمان در گفتگو با کیهان لندن معتقد است «مشکلات صنف آموزگاران آنقدر زیاد و همگی مهم هستند که نمی‌توان یکی از آنها را به عنوان مهم‌ترین انتخاب کرد. همه این مشکلات برای آموزگاران مهم است و همگی قابل توجه و نیازمند حل و برطرف شدن هستند.»

این آموزگار به کیهان لندن می‌گوید: «یکی از نخستین مشکلات آموزگاران در ایران، جایگاه اجتماعی آنهاست. این جایگاهی که الان در جامعه تعریف شده و بر آن صحه نیز گذاشته می‌شود اصلا در شأن معلم نیست. این موضوع را اینطور می‌توانم توضیح بدهم که برای نمونه صداوسیما از آموزگاران به عنوان ابزار استفاده می‌کند مثلا هر پرداختی که در برنامه‌های دولت است تا انجام بدهد در بوق و کرنا می‌کنند در صورتی که وزارت آموزش و پرورش زیر آن پرداخت می‌زند و اصلا انجام نمی‌شود! در نتیجه وقتی ما در سطح جامعه مثلا در فروشگاه، باشگاه یا هر جای دیگر برویم که احیانا شغل ما را می‌پرسند به محض اینکه بدانند ما آموزگار هستیم، می‌گویند به شما که فلان امتیاز و پرداخت را دریافت کرده‌اید و باز هم غر می‌زنید! در حالی که در بقیه وزارتخانه‌ها پرداخت‌ها و پاداش‌ها و امتیازات زیادی داده می‌شود که هیچ وقت در صداوسیما یا از سوی مقامات دولتی مطرح نمی‌شود و شأن کارمندان آنها زیر سوال نمی‌رود.»

به عقیده این آموزگار، صداوسیما و رسانه‌های حکومتی در پی برجسته کردن اشتباهاتی که از سوی برخی از آموزگاران و به ندرت انجام می‌شود هستند: «موضوع بعدی که آموزگاران در ایران با آن درگیر هستند این است که در همه اصناف ممکن است خوب و بد و متوسط داشته باشیم؛ در صنف ما نیز همینطور؛ مثلاً یک کارمند بانک ممکن است کارمند خوشرویی باشد و کارمند دیگری ممکن است خوشرو نباشد اما هیچوقت در صداوسیما و مطبوعات به بد بودن کارمند وزارتخانه‌های دیگر اشاره نمی‌شود در صورتی که همیشه اولین کاری که با معلم می‌کنند این است که دست می‌گذارند روی اشتباهات! البته درست است که معلمان به دلیل اهمیت و حساسیت شغل‌شان می‌بایست دارای اشتباهات کمتری باشند اما از یکسو به هر حال ممکن است آموزگاری هم رفتار اشتباهی کند و از سوی دیگر نه مسئولان و نه رسانه‌ها به اهمیت و حساسیت این شغل بها نمی‌دهند! ولی اشتباهات احتمالی اعضای این صنف توسط صداوسیما برجسته می‌شود.»

موضوع مبلغ ناچیز دریافتی آموزگاران ایران به عنوان «حقوق معلمی» نیز از جمله مواردی است که ابزاری برای وارانه جلوه دادن زحمت آموزگاران و ایجاد فشار روانی به آنها از سوی رسانه‌های حکومتی است. این در حالیست که در بسیاری از کشورها حقوق آموزگاران به دلیل اهمیت و حساسیت شغل آنها در آموزش و پرورش نسل‌های آینده‌ی کشور جزو بیشترین دریافتی کارمندان است. کشورهایی که به شغل آموزگاران اهمیت می‌دهند از جمله معتقدند آموزگار باید بی‌نیاز و دارای آرامش مادی و روانی باشد تا بتواند موضوع مهم تدریس و آموزش دانش‌آموزان را در خدمت سازندگی کشورشان به خوبی انجام دهد.

عضو کانون صنفی معلمان در این‌باره توضیح می‌دهد: «معلمانی که تدریس می‌کنند ۲۴ ساعت و معلمانی که به عنوان کادر مدرسه شاغل هستند ۴۴ ساعت در هفته سر کار حاضر می‌شوند اما این به معنای این نیست که بقیه ساعات روز هیچ کاری نمی‌کند و بیکارند. تصحیح برگه‌های امتحانی و تکالیف دانش‌آموزان، طرح سوال، مطالعه و به‌روز شدن از جمله وظایف و کارهای آموزگاران است اما دیده نمی‌شود و مدام از صداوسیما این نکته برجسته می‌شود که معلمان فقط چند ساعت در روز سر کلاس می‌روند و در عوض ساعات بیکاری و تعطیلات طولانی در تابستان دارند و به اصطلاح «حقوق مفت» می‌گیرند. در حالی که این ساز و کار آموزش و پرورش در همه جهان هم برای معلم و هم برای دانش‌آموزان و خانواده‌ها به دلیل همان اهمیت و حساسیت این شغل است! من به بخش مالی قضیه کار ندارم اما این نیز یکی از مواردی است که بجای درک آن، سعی می‌کنند شأن اجتماعی آموزگاران را زیر سوال ببرند!»

به گفته این آموزگار، زیر ذره‌بین قرار گرفتن زندگی و فعالیت آموزگاران از جمله موارد قابل توجهی است که برای این صنف به فشار مضاعف تبدیل شده: «در آموزش و پرورش امنیت شغلی اصلا وجود ندارد. معلمان دو دسته هستند؛ دسته اول جدید به آموزش و پرورش وارد شده‌اند و گروه دیگر معلمان قدیمی‌تر هستند. معلمانی که تازه‌وارد هستند نمی‌دانم از کجا چی شنیده یا چه کسی چه چیزی به آنها گفته است که اگر زن هستند فکر می‌کنند باید حتما چادر سر کنند و اگر مرد هستند حتما باید ملاحظاتی داشته باشند! من امسال هر چه با معلمان جدید صحبت کردم که بفهمم واقعا کجای کار می‌لنگد که مثلا این خانمی که امسال آمده و دانشجوی دکترا است و بسیار فرهیخته هم هست، مجبور است چادر سر کند و به مدرسه بیاید در حالی که بیرون مدرسه اینطور نیست. من متوجه نشدم که کجا و در چه قسمتی از روند استخدامی به آنها فشار می‌آورند که اگر می‌خواهند استخدام شوند باید این شیوه حجاب را رعایت کنند! البته به نظرم همکاران نباید زیر بار بروند و اگر چنین فشاری را می‌پذیرند از ضعف آگاهی آنهاست.»

وی ادامه می‌دهد: «همکاران قدیمی هم که مسئله پوشش ندارند و مجبور به استفاده از چادر نیستند مشکلات دیگری دارند؛ همیشه زیر ذره‌بین هستند که آیا در مراسم مذهبی شرکت می‌کنند؛ آیا در تجمع صنفی شرکت داشتند؛ آیا به دیدار خانواده آموزگاران زندانی رفته‌اند و حتی در چه مجالس و مجامعی شرکت می‌کنند! و یا اینکه آیا در خانواده آموزگار مربوطه، فرد سیاسی یا فردی که به دلیل مسائل سیاسی/ امنیتی حکم گرفته باشد وجود دارد یا نه؟ حتی فرمی در آموزش و پرورش وجود دارد که وقتی یک معلم می‌خواهد سفر خارج برود باید آن را پر کند که کجا می‌رود، به چه دلیل می‌رود، در آن کشور کجا ساکن است و... به نظر من همه اینها تهدید و کنترل ما آموزگاران است. حتی معلمانی که کمی فعالیت صنفی داشته باشند مدام از طرف وزارت اطلاعات تهدید تلفنی یا احضار می‌شوند. واقعا در شغل ما هیچ امنیتی وجود ندارد.»

همه این فشارهای روانی از سوی رسانه‌های حکومتی و وزارت آموزش و پرورش به آموزگاران در حالی اتفاق می‌افتد که بر خلاف تصور عمومی، آموزگاران میزان دریافتی بسیار کمتری نسبت به بسیاری از کارمندان دیگر دولت دارند. این موضوع سال‌هاست به یکی از اصلی‌ترین مشکلات صنفی آموزگاران تبدیل شده و دولت‌های مختلف هم یکی پس از دیگری با وعده‌های بهبود و ترمیم دستمزد آموزگاران سر کار آمده و می‌روند و این وعده به فراموشی سپرده می‌شود.

همسان‌سازی حقوق معلمان یکی از وعده‌های اخیر دولت بود که از سوی محمدباقر نوبخت رئیس سازمان برنامه و بودجه مطرح شد اما مانند وعده‌های دیگر عملی نشد و اعتراض‌های زیادی را در هفته‌های گذشته از سوی معلمان به دنبال داشت.

عضو کانون صنفی معلمان درباره این موضوع می‌گوید: «به زبان ساده یک معلم با مدرک لیسانس حداکثر حقوقی که در بدو ورود به آموزش و پرورش می‌گیرد کمتر از دو میلیون تومان و تقریبا برابر با حداقل دستمزد است اما وقتی هم سابقه کار پیدا می‌کند و به اصطلاح «سنوات» می‌گیرد باز این حقوق حداکثر فقط به دو میلیون تومان می‌رسد و این واقعا دردناک است. شما در نظر بگیرید خط فقر در ایران از منابع مختلف بین ۶ تا ۸ میلیون محاسبه شده است! یکی از دلایلی که برای پایه حقوق اندک معلمان عنوان می‌کنند، ساعات کار در هفته است. همچنین ما یکسری معلم هم داریم که در ادارات آموزش و پرورش کار می‌کنند که آنها نیز حقوق‌شان از معلم‌هایی که تدریس می‌کنند بیشتر است. اخیرا برای ماجرای همسان‌سازی حقوق معلمان، محمدباقر نوبخت [رئیس سازمان برنامه و بودجه] گفته بود برای اینکه حقوق بتواند تورم را پوشش بدهد و حقوق آموزش و پرورشی‌ها اینقدر پایین نباشد دولت ۵۰ درصد به حقوق همه کارمندان دولت که حقوقشان در حد معلمان است اضافه می‌کند. با اینهمه هیچی به حقوق معلمان اضافه نشد و دولت اعلام کرد اول باید معلمان رتبه‌بندی بشوند. رتبه‌بندی هم اینطور است که حقوق همه معلمان در همه مقاطع تحصیلی با هم به یک میزان بالا بروند و در این روند سنوات و پایه شغلی محاسبه شود. درواقع معلمی که سابقه شغلی او ۲۰ سال است و در یک شهر محروم تدریس می کنند با معلمی که سوابق شغلی مشابه دارد اما در شهر خودش ساکن و در حال تدریس است حقوق‌شان متفاوت حساب می‌شود. همینطور سابقه کار بیشتر موجب دریافتی بیشتر هم می‌شود. دولت سال‌هاست می‌گوید معلمان باید رتبه‌بندی شوند اما واقعیت اینست که امسال هم که شرط افزایش ۵۰ درصدی حقوق را، رتبه‌بندی عنوان کردند به صورت نصفه و نیمه رتبه‌بندی کردند بطوری که نه تنها بالاخره معلمان رتبه‌بندی نشدند بلکه شیوه عملکرد دولت و وزارت آموزش و پرورش و اما و اگرها و تبصره‌هایی که گذاشتند در این کار، بیشتر موجب اعتراض آموزگاران و تفرقه میان آنها شد. برای نمونه معلمانی که در ادارات کار می‌کرد حقوقشان تا ۵-۶ میلیون تومان افزایش یافت اما معلمی که در مدارس شاغل و در حال تدریس است نهایتاً ۷۰۰ هزار تومان به حقوق‌اش اضافه شد و هرچه هم حقوق دریافتی معلمان در مدارس از پیش بیشتر بود، کمتر به آن اضافه شد، یعنی در نهایت معلمان شاغل در مدارس باز هم حتی به خط فقر هم نرسیدند و اضافه حقوق ۵۰ درصدی هم شامل حالشان نشد. معلمان معتقدند آقای اللهیار ترکمن [معاون برنامه‌ریزی و توسعه منابع وزارت آموزش و پرورش] که معلمان اصلا از او رضایت ندارند، مسئول این روند رتبه‌بندی بوده و کلاه بزرگی سر معلمان گذاشته است.»

در این میان آموزگاران بهای اصلی ناکارآمدی دولت در عدم بازسازی مدارس و هزینه نکردن برای توسعه و بهبود مدارس را نیز پرداخت می‌کنند: «کمبود فضا و امکانات آموزشی یکی از مشکلات دیگری است که معلمان با آن روبرو هستند. چون هر چه فضای آموزشی بیشتر غیراستاندارد و امکانات و تجهیزات آموزشی کمتر باشد، برآیند کار آموزگار پایین‌تر می‌آید و بازخورد اجتماعی و برخوردی که با معلمان می‌شود تحت تأثیر این موضوع قرار می‌گیرد. درواقع انتظار جامعه از نتیجه‌ی کار آموزگاران برآورده نمی‌شود و این دو متغیر هم از جمله مشکلات معلمان در ایران است.»

اما مشکلات معلمان زوایای دیگری نیز دارد که نمونه آن برخوردار نبودن از ساده‌ترین تسهیلات و امکانات شغلی است. این عضو کانون صنفی معلمان در پایان گفتگو با کیهان لندن می‌گوید: «عدم سرویس‌دهی دولت به معلمان هم از مشکلات دیگر است. یک مثال ساده اینکه معلمان از ۷:۳۰ صبح تا ساعت ۱۲ یا ۲ ظهر در مدرسه هستند و در این زمان، هزینه‌ی خوراکی که به معلمان داده می‌شود از جیب خود معلمان پرداخت می‌شود. یعنی معلم‌های هر مدرسه خودشان پول از جیب‌شان می‌گذارند که اگر قرار است صبحانه یا شیرینی یا بیسکویتی در زنگ تفریح خورده شود، هزینه‌اش تأمین شود در صورتی که کمترین حق یک کارمند اینست که در زمانی که سر کار است وزارتخانه یک خوراکی هرچند کوچک برای او در نظر بگیرد. این ممکن است مسئله پیش پاافتاده‌ای به نظر بیاید اما شما تصور کنید در مدت طولانی و طی چند سال برای اینهمه مدرسه و معلم در شهرها و روستاهای مختلف این مسئله، به موضوع مهمی تبدیل می‌شود. مشکل دیگر اینکه همکاران سرویس رفت و آمد ندارند و اگر سرویسی برای آنها در نظر گرفته شود هزینه‌اش را باید از همین حقوق ناچیز خودشان پرداخت کنند. برای مثال مدرسه‌ای که در حاشیه شهر است و معلمان باید هر روز مثلا ۱۰ تا ۱۵ کیلومتر از مرکز شهر به آنجا بروند همان حقوقی را می‌گیرند که معلمی که به مدرسه مرکز شهر می‌رود می‌گیرد؛ اما آن معلم باید هزینه رفت و آمدش را نیز پرداخت کند.»

استاندار تهران: آلودگی آب پایتخت به کُرونا صحت ندارد؛ کُلر را چندین برابر کردیم!

● یک مقام آب و فاضلاب تهران می‌گوید آب تهران آلوده به ویروس کُرونا نیست چون کُلر دارد و مانند شهر پاریس دو شبکه‌ای نیست.

● وی همچنین ورود احتمالی فاضلاب به آب آشامیدنی تهران را نیز تکذیب کرد و گفت به دلیل سطح بالاتر از ۲۰۰ متر چاه‌های تهران امکان‌پذیر نیست.

● «آب تهران پاک و یکی از بهترین آب‌های دنیا است.»

● شرکت آب و فاضلاب تهران متعهد شد تا در صورت آلوده شدن آب تهران به کُرونا، آن را اعلام کند.

در روزهای اخیر اخباری مبنی بر احتمال آلودگی آبِ آشامیدنی استان تهران به ویروس کُرونا و تغییر مزه آب تهران در فضای مجازی منتشر شد. استاندار تهران با اینکه آلودگی آب تهران به کُرونا را تکذیب کرد، اما گفت: «کلر باقیمانده در شبکه توزیع را چندین برابر کردیم!»

در روزهای اخیر، اخباری مبنی بر احتمال آلودگی آبِ آشامیدنی استان تهران به ویروس کُرونا و تغییر مزه‌ی آن در فضای مجازی منتشر شده است که واکنش مسئولان این استان را در پی داشت.

انوشیروان محسنی بندپی استاندار تهران در این خصوص گفته است: «هیچ موردی از آلودگی ویروس کُرونا در آب شرب وجود ندارد.»

وی اما گفته که «برای اطمینان شهروندان کلر باقیمانده در شبکه توزیع از حد معمول نیز بالاتر برده شده تا شرایط لازم برای اطمینان بخش بودن آب شرب برای شهروندان ایجاد شود.»

به نظر می‌رسد احتمال تغییر مزه آب تهران، به دلیل همین افزایش میزان کُلر در آب شرب باشد، هرچند علت اضافه کردن کُلر چندین‌برابر میزان قبل، به آب پایتخت، به خودی خود، سوال برانگیز است.

محسنی‌بندپی به شهروندان تهران نسبت به استاندارد و سلامت آب شرب پایتخت اطمینان داد: «مردم از سلامت آب اطمینان خاطر داشته باشند.»

استاندار تهران اعلام کرد که «بر اساس آخرین گزارش‌ها هیچ موردی وجود ندارد و استاندارد لازم برای آب شرب رعایت می‌شود.»

محمدرضا احمدنسب قائم مقام شرکت آب و فاضلاب استان تهران ضمن تکذیب آلودگی آب تهران، متعهد شد: «گزارش آلودگی آب آشامیدنی را به کُرونا اعلام کند.»

وی اضافه کرد: «شبکه آب تهران به دلیل اینکه دارای کلر باقی مانده است، کاملا پاک و عاری از هرگونه ویروس از جمله ویروس کروناست.»

وی با اشاره به مشاهده مواردی از آلودگی آب شهر پاریس به ویروس کُرونا، اظهار کرد: «شبکه آب پاریس دو شبکه دارد که یکی برای آب شرب همراه با کلر باقی مانده و دیگری مربوط به آب خام و فاقد کلر است. آن شبکه‌ای که آلوده به ویروس کُرونا شده مربوط به آب خام عاری از کلر بوده است.»

احمدنسب اضافه کرد که «آب تهران یک شبکه دارد که آن هم دارای کلر باقی‌مانده است.»

اول اردیبهشت‌ماه شهرداری پاریس از کشف مقادیر میکروسکوپی ویروس کُرونا در شبکه آب غیرآشامیدنی خبر داد، اما اعلام کرد که شبکه آب آشامیدنی سالم است.

آنگونه که قائم مقام شرکت آب و فاضلاب استان تهران به استناد اعلامیه سازمان بهداشت جهانی اظهار داشت، «آبی که دارای کلر باقی‌مانده است به‌هیچ‌عنوان جایگاه ویروس کُرونا نمی‌شود.»

احمدنسب قائم‌مقام شرکت آب و فاضلاب استان تهران همچنین درباره احتمال وارد شدن پساب فاضلاب به آب آشامیدنی استان تهران را نیز رد کرد: «در تهران که سطح ایستایی چاه‌ها بالای ۲۰۰ متر است به هیچ عنوان نمی‌تواند محلی برای آلودگی باشد لذا آب تهران پاک و یکی از بهترین آب‌های دنیا است.»

احمدنسب با اشاره به منابع تامین آب شرب تهران، گفت: «آب تهران از دو طریق منابع زیرزمینی و سطحی تامین می‌شود که ۷۵ درصد این سهم مربوط به آب‌های سطحی است به گونه‌ای که آب پشت سدها وارد تصفیه خانه‌ها می‌شود و تصفیه فیزیکی و شیمیایی روی منابع آب صورت می‌گیرد، علاوه بر این کلر باقی‌مانده نیز به آب تزریق و بدین ترتیب آب عاری از هرگونه ویروس می‌شود.»

این مقام مسئول، وضعیت سلامت آب تهران را تحت کنترل «آزمایشگاه‌های مجهز و در حد استانداردهای بین‌المللی» خواند و تأکید کرد: «آب تهران استانداردهای لازم را دارد و با اطمینان و قاطعیت اعلام می‌کنم که آب تهران هیچ مشکلی ندارد.»

پیش‌بینی کسری بودجه دولت در سال ۱۳۹۹؛ دولت برای حل بحران منسجم نیست!

● نماینده دوره یازدهم مجلس شورای اسلامی: امسال تقریباً نصف کل درآمدهای بودجه رقمی معادل ۳۰۰ هزار میلیارد تومان محقق نخواهد شد.

● سعید لیلاز: شدت و ژرفای بحران کُرونا از نظر اقتصادی بر روی طبقات فرودست و طبقه کارگر به‌خصوص کارگران «خویش‌فرما» و کارگران غیرمتشکل شهری است و این قشر، بیشترین آسیب را دیده‌اند.

رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی میزان کسری بودجه دولت در سال جاری را رقمی حدود ۱۵۰ هزار میلیارد تومان برآورد کرده است. برخی کارشناسان میزان کسری بودجه را با توجه به وضعیت قیمت جهانی نفت بسیار بیش از این رقم ارزیابی می‌کنند.

محمد قاسمی، رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی روز دوشنبه هشتم اردیبهشت در گفتگو با روزنامه «شرق» گفت: «با توجه به شرایط فعلی می‌توان انتظار داشت که کسری بودجه ۱۳۹۹ رقمی حدود ۱۵۰ هزار میلیارد تومان باشد.»

قاسمی همچنین تأکید کرده که «بودجه بسیاری از کشورها حتی کشورهای پیشرفته هم دارای کسری است و راه‌های زیادی برای تأمین آن وجود دارد. اگر کسری بودجه را موضوع میان‌مدت در نظر بگیریم، طبعا کسری بودجه ساختاری را باید از راه‌هایی مانند معرفی پایه‌های مالیاتی جدید، جلوگیری از فرار مالیاتی، حذف معافیت‌های مالیاتی غیرضروری و غیرهدفمند و کاهش مخارج اضافی و غیرضروری دولت درمان کرد.»

این در حالیست که در هفته نخست اسفند و در جلسه‌ای که نمایندگان مجلس شورای اسلامی با اکثریت آرا کلیات بودجه سال ۹۹ را رد کردند، مخالفان بودجه، از کسری بودجه ۲۰۰ هزارمیلیارد تومانی بر اساس بودجه بسته شده توسط دولت خبر دادند.

ولی آن زمان هنوز شیوع کُرونا اقتصاد ایران را بیش از پیش فلج نکرده بود و بازار جهانی نفت نیز با بحران کاهش شدید قیمت‌ها و تقاضا روبرو نشده بود.

از سوی دیگر مجتبی رضاخواه نماینده مجلس یازدهم گفته است: «امسال تقریباً نصف کل درآمدهای بودجه رقمی معادل ۳۰۰ هزار میلیارد تومان محقق نخواهد شد، لذا در قدم اول باید شرایط فعلی را برای مردم توضیح دهیم و سیاست‌ها را اصلاح کنیم.»

مجتبی رضاخواه افزوده که «در این‌باره اصلاح سیاست تخصیص ارز ۴۲۰۰ تومانی ضروری است» و گفته «اگر دولت در این شرایط کسری بودجه ارز آزاد خریداری کند و با قیمت ۴۲۰۰ تومان به واردکنندگان خاص تخصیص دهد اقدام منطقی نیست.»

سعید لیلاز تحلیلگر اقتصادی که از طرفداران دولت حسن روحانی شناخته می‌شود نیز درباره وضعیت اقتصاد ایران پس از کُرونا هشدار داده و گفته که «سخت‌ترین دوران اقتصادی تاریخ معاصر را در چند ماه آینده خواهیم داشت و حکومت باید سریعا به فکر اقدامی جدی باشد. اما رفتار دولت نشان‌دهنده عدم انسجام است.»

سعید لیلاز می‌گوید کُرونا ۲ الی ۳ درصد تولید ناخالص داخلی ایران را از بین می‌برد و در مجموع اقتصاد ایران بر اثر کرونا ۲۰ الی ۳۰ میلیارد دلار آسیب می‌بیند: «آسیب کرونا به بخش خدمات ایران بسیار جدی است. سهم خرده‌فروشی و حمل و نقل و رستوران‌داری در تولید ناخالص داخلی (GDP) کشور بالاست و حدود یک چهارم اقتصاد ایران را تشکیل می‌دهد که در اثر کُرونا آسیب جدی دیده‌اند.»

پیشتر نیز گزارش‌های نشان می‌داد شاغلان در بخش خدمات، گردشگری، خرده‌فروشی، حمل و نقل و رستوران‌ها از فرودست‌ترین اقشار اجتماعی هستند که به دلیل کُرونا در معرض بیکاری قرار دارند.

اکنون سعید لیلاز نیز تأکید کرده که «پیامدهای اقتصادی کُرونا به شدت طبقاتی و علیه فقیرترین اقشار جامعه عمل کرده» و افزوده است: «شدت و ژرفای بحران کُرونا از نظر اقتصادی بر روی طبقات فرودست و طبقه کارگر به‌خصوص کارگران خویش‌فرما و کارگران غیرمتشکل شهری است و این قشر، بیشترین آسیب را دیده‌اند. فشار بر روی این اقشار به قدری زیاد است که برای درک ابعادش نیاز به پژوهش‌های جدی دانشگاهی است و در حال حاضر نمی‌توان برآورد دقیقی از خسارت وارده به این اقشار داشت.»

این تحلیلگر اقتصادی معتقد است «اگر بحران کُرونا تا نیمه اردیبهشت فروکش نکند تبعات اقتصادی بسیار بدی خواهد داشت.» وی افزوده است «بهار، فصل سنتی تورم در اقتصاد ایران است. صادرات نفت کشور هم به پایین‌ترین میزان در تاریخ معاصر رسیده است. صادرات غیرنفتی مثل صادرات لبنیات و مواد غذایی بسیار کم شده و در مجموع صادرات غیرنفتی ایران ۲۰ درصد کاهش یافته است.»

در بند ۲۰۹ زندان اوین ....

از صفحه ۱۴

همان کسی بود که آمده بود به در خانه. از روزی که آمده بود به در خانه مان و تهدیدم کرده بود و من هم تهدیدش را در وبلاگم تعریف کرده بودم، دیگر سراغم نیامده بود و تلفن نکرده بود. پیش خودم می‌گفتم شاید دست از سرم برداشته باشند. اما این طور نبود. او این بار مرا به «دفتر پیگیری» وزارت اطلاعات در چهارراه ولی عصر احضار کرد. تابستان ۸۳، با ... به این محل رفته بودیم. می‌دانستم که به چه جور جایی می‌رفتم. سرباز وظیفه در را باز کرد و رفتم تو. موبایل و کارت شناسایی‌ام را تحویل دادم و داخل شدم. دو نفر بودند، یکی‌شان همان کسی بود که تلفن زده بود و دیگری همان مردی بود که در بازداشتگاه ۲۰۹ به من گفته بود «گناهانت را به خاطر بیاور!»

متنِ چاپ شده آخرین مقاله ام (وادار شدم به سکوت) و متن چاپ شده مصاحبه‌ام با خانم گلناز اسفندیاری، خبرنگار رادیو فردا روی میز بود. برخی از جمله‌ها با ماژیک فسفری رنگ، نشان گذاری شده بود. آرم سایت عصر نو بالای برگه چاپ شده بود. مردی که پشت میز نشسته بود به برگه‌های روی میز اشاره کرد و توضیح خواست. به او گفتم که راستش را نوشته‌ام. شما به من هشدار دادید که دهانم را ببندم و من هم همین را نوشتم. نباید می‌نوشتم؟

مردی که پشت میز نشسته بود و رگ گردن‌اش برآماسیده بود گفت مثل اینکه شوخی‌ات گرفته؟ این بار با بار گذشته تفاوت دارد. این بار اگر بخواهی غیر از آنچه به تو هشدار داده شد رفتار کنی، برخورد می‌کنیم. برخورد این بار با گذشته تفاوت دارد. کمرت را می‌شکنیم.

داشت زور می‌زد تا چهره‌اش را تا اندازه زیادی بغ کرده و عبوس نشان دهد. چهره‌اش خیلی زشت و تهوع آور به نظرم رسید. اما باید توی چشم‌هایش نگاه می‌کردم که یک وقت خیال نکند توانسته مرا بترساند. می‌گفت باید همیشه یادم باشد که موقتی از زندان آزاد شده‌ام. گفت هر وقت که بخواهیم می‌توانیم برگردانیم‌ات به زندان. این را فراموش نکن!

به او گفتم دارم به این نتیجه می‌رسم که شما دارید با اعصاب و روان من بازی می‌کنید. من فکر می‌کنم توی زندان راحت تر باشم. وقتی این حرف را می‌زدم، اندکی لبخند به لب داشتم. بازجوها خیال کردند دارم شوخی می‌کنم. اما من جوش آورده بودم و حس می‌کردم که دستم داشت می‌لرزید. داشتم خیلی جدی حرف می‌زدم.

مردی که رگ گردن‌اش برآماسیده بود، به چند تا موضوع اشاره کرد که به من مربوط می‌شد. می‌فهمیدم که داشت کد می‌داد و مثلا می‌خواست وانمود کند که از تماس‌ها و رابطه‌های من آگاه است. او می‌دانست که در شب عاشورا در جلو ساختمان حسینیه ارشاد با آقای موسوی خوئینی و چند نفر از بچه‌های سازمان ادوار تحکیم وحدت دیدار کرده بودم، به منزل ... رفته بودم، با بهزاد و دکتر حسام فیروزی قرار ملاقات گذاشته بودم، و البته به قول او، این‌ها زیاد مهم نبود، بلکه می‌خواست بداند چرا با آقای مک داوال، خبرنگار روزنامه ایندیپندنت در تهران دیدار کرده بودم.

نمی دانم چه طوری، اما او درست فهمیده بود. من با آقای مک داوال دیدار داشتم. با او از طریق یکی از دوستانم در یکی از سازمان‌های بین المللی مدافع حقوق بشر آشنا شده بودم. آقای مک داوال به من ایمیل زد و از من دعوت کرد که در یکی از کافی شاپ‌های شمال تهران همدیگر را ببینیم. من البته پس از ۱۰ روز، بعد از اینکه تلفن زدن‌های بازجوی وزارت اطلاعات قطع شد، به او ایمیل زدم و درخواستش را پذیرفتم و با کمال میل هم پذیرفتم. چرا که می‌خواستم همه پیشامدهای ناگواری که در زندان‌های جمهوری اسلامی برایم رخ داده بود را بیان کنم.

متوجه شدم که بازجو از جزئیات این دیدار چیزی نمی‌دانست. پاسخ من این بود که بله، من با او دیدار کردم اما چون او فارسی بلد نبود، حرف زیادی رد و بدل نشد؛ چای خوردیم و به همدیگر نگاه کردیم!

در میانه گفتگومان (گفتگو که نه، بلکه بازجویی، یا بازخواست یا هر چیزی شبیه به این) یک نفر وارد اتاق شد و زیر گوش مردی که رگ گردن‌اش برآماسیده بود خیلی آهسته گفت آقای زعیم آمده. (همان شب در سایت‌های اینترنتی خواندم که «کوروش زعیم، عضو شورای مرکزی جبهه ملی ایران به وزارت اطلاعات احضار شد و به مدت سه ساعت مورد بازجویی قرار گرفت.»)

در پایان به من هشدار دادند که نباید مانند بار گذشته پیرامون فراخوانده شدنم به اداره پیگیری وزارت اطلاعات مطلبی بنویسم و یا خبری منتشر کنم.

ـ منتظر تلفن باش.

اما من منتظر نماندم.

پایان

تناقض در آمار جانباختگان ....

از صفحه ۴

به گفته‌ی وی، «بیش از ۱۰۰ گروه از نیروی جهادی»، «با هماهنگی کادر پزشکی»، «بیماران مبتلا به کُرونا را همراهی کردند و بار بزرگی از دوش جامعه پزشکی برداشته شد!»

سردار فتحیان «مهمترین اقدام در دفاع بیولوژیک، حفاظت فردی» دانست و ادعا کرد: «خوشبختانه کادر درمان ما در این حوزه از تجهیزات خوبی برخوردار است.»

او افزود: «تمام پزشکان و پرستاران کشور که در بخش‌های عفونی و ایزوله کار می‌کنند، مجهز به ماسک و لباس‌های محافظتی هستند.»

فتحیان نقاط قوت کشور در مقابله با ویروس کُرونا را علی خامنه‌ای، مردم، «نظام یکپارچه و قدرتمند»، بسیج مستضعفین، اطلاع رسانی صداوسیما، نیروهای مسلح، ستاد اجرای فرمان «امام» برشمرد.

وی درباره تولید کیت تشخیص کُرونا، ادعا کرد: «ساخت کیت‌های کُرونا از دیگر دستاوردهای ما است و چندین کشور از ما درخواست خرید کیت را داشته‌اند.»

دبیر هماهنگی بین دستگاهی در ستاد ملی مدیریت بیماری کرونا تصریح کرد: «۶۰ بیمارستان نیروهای مسلح در کشور داریم که هر کدام از این بیمارستان‌ها قابلیت ۱۰۰ تا ۲۰۰ تخت نقاهتگاهی در کنار تخت‌های خودشان را دارند.»

فتحیان درباره وضعیت زندان‌ها در مواجهه با ویروس کُرونا اظهار داشت: «خلوت‌سازی زندانی‌ها تأثیر خوبی در جلوگیری از شیوع کُرونا داشته است و بخشی از زندانی‌ها به مرخصی رفتند و برای آن بخش از این افراد امکان مرخصی رفتن وجود نداشت، کلاس توجیهی برگزار شد و خدا را شکر تا به الان گزارشی از ابتلای آن زندانیان به این ویروس نداشتیم.»

به گفته‌ی مدیر هماهنگی بین دستگاهی در ستاد ملی مقابله با کُرونا، «مردم خیر حدود ۵۰۰ میلیارد تومان برای کمک به بیمارستان‌ها جهت خرید تجهیزات پزشکی و محافظتی و تجهیزات آی سی یو هزینه کردند.»

۴۰۰ طلبه حوزه‌های علمیه ....

از صفحه ۷

۴۰۰ طلبه حوزه‌علمیه ۱۲ مورد تخلف و کوتاهی نهادی مسئول فضای مجازی را برشمردند، که شامل «حمایت زیرساختی عجیب از شبکه های مجازی خارجی همچون تلگرام و اینستاگرام»، «سنگ‌اندازی‌های فراوان در مسیر رشد و توسعه پیام‌رسان‌های داخلی که خود مثنوی هفتاد من کاغذ است.» می‌شود.

«حاکم کردن افراد بی‌سواد بر ذهن و دل جوانان مسلمان در فضای اینستاگرام»، «وابسته کردن غالب خدمات و سرویس‌های فضای سایبری کشور به دشمن»، «توسعه فضای مجازی بر خلاف منافع مردم و کشور بر مدار منافع هزاران میلیاردی انحصاری خرید و فروش پهنای باند خارجی برای دولت» از موارد انتقادی این نامه است.

در این نامه وزارت ارتباطات و شورای عالی فضای مجازی به «تقسیم کار با استکبار»، «رهاسازی عمدی فضای مجازی کشور و در نتیجه رساندن اطلاعات حساس کشور، مردم و مسئولان به دشمن اصلی انقلاب اسلامی یعنی آمریکا» و «پی‌ریزی دقیق نقشه‌ها و عملیات‌های تخریبی نظام سلطه علیه ایران با استفاده از این اطلاعات» متهم شدند.

در بخش دیگری از نامه طلاب به سیدابراهیم رئیسی این نهادها به «مخاطره انداختن امنیت ملی از طریق بهره‌گیری گروه‌های تروریستی از شبکه‌های اجتماعی مطلقا بی‌ضابطه برای هماهنگی و ارتباط‌گیری» نیز متهم شدند و «حمله داعش به مجلس شورای اسلامی، حرم امام خمینی و مراسم رژه‌ی نیروهای مسلح در اهواز، اغتشاشات دی‌ماه ۹۶ و آبان ۹۷» به عنوان گوشه‌ای از آن یاد کردند.

در این نامه تحت عناوینی چون سلب امنیت روانی مردم با انتشار دروغ و شایعات در مورد ویروس کُرونا، فراهم کردن «ترویج اباحه‌گری و قبح‌شکنی گناه، حمله به مقدسات دینی و ارزش‌های اسلامی- ایرانی، ترویج سبک زندگی غربی، ترویج بی‌خدایی، مسیحت، بهائیت و عرفان‌های کاذب» مورد انتقاد قرار گرفته است.

وبسایت کیهان لندن به زبان انگلیسی
NEWS & VIEWS
FOR A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

آخرین ویدئوهای خبری در لنز ایران
www.lenziran.com
LENZ IRAN
Focus visually on iran

KAYHAN LONDON ONLINE
کیهان
سال سی و ششم ـ شماره ۱۷۲۵ (شمارهٔ ۲۵۹ از دورهٔ جدید)
جمعه ۱۲ اردیبهشت ماه ۱۳۹۹ خورشیدی – ۸ رمضان ۱۴۴۱ قمری ـ ۱ مه ۲۰۲۰ میلادی
No.1725 Friday 01 May 2020
P.O. Box 435,Old Brompton Road 2,London, SW7 3DQ
Tel: +(44)-(0)20 3633 3684 Fax: +(44)-(0)20 3633 3685
e-mail: ads@kayhan.london - www.kayhan.london

آگهی در کیهان آگاهی می‌آورد
نشانی سایت:
www.kayhan.london
روابط عمومی:
info@kayhan.london
آگهی و تبلیغات:
ads@kayhan.london
سردبیری:
editorial@kayhan.london

شما نَزَده می‌رقصید، آقای ریبِنتروپ!

- محمدجواد ظریف به همان شکل پادوی خامنه‌ای است که فُن ریبِنتروپ پادوی هیتلر بود.
- با اتهام تحریک می‌توان هر بلایی را به سر هر کسی آورد.
- رهبران فاشیست ایتالیا و کمونیست‌های روسی در یک دوره همان نقشی را برای افزایش قدرت نازیسم بازی کردند که دولت اوباما و جان کری برای جمهوری اسلامی.
- با وجود کسانی مثل ظریف و ولایتی و خرازی در ایران وزرات خارجه وجود ندارد؛ بخش تدارکات خارجی دستگاه تروریسم و پولشویی و خرید اسلحه و تجهیزات ساخت سلاح‌های کشتار جمعی رژیم است.
- فُن ریبِنتروپ در سال ۱۹۴۵ بعدَ از پایان جنگ بازداشت و در نورنبرگ محاکمه شد؛ درست همان انتظاری که میلیون‌ها ایرانی برای ظریف بعد از سقوط جمهوری اسلامی دارند.

مجید محمدی – محمدجواد ظریف در برابر دستور ترامپ به نیروهای آمریکای در خلیج فارس مبنی بر نابودی قایق‌های سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در شرایط عملیات ایذایی و مخاطره‌آفرین می‌گوید: «همچنین، نیروهای آمریکایی هیچ کاری در فاصله ۷ هزار مایلی از خانه خود ندارند که ملوانان ما را در سواحل خودمان در خلیج فارس تحریک می‌کنند.» این سخن با توجه به آگاهی ظریف از مقررات کشتیرانی بین‌المللی در آب‌های آزاد (فراتر از ۱۲ مایل ساحلی کشورها) تنها از زبان کسی می‌تواند صادر شود که شخصیت خود را به جاه‌طلبی و آشوبگری رژیم اسلامی فروخته است تا عنوان وزیر خارجه را یدک بکشد. ظریف از شخصیت‌های تاریخی است که کارنامه‌ی وی در حد کارگزاران نظام فاشیستی هیتلر مثل یوآخیم فُن ریبنتروپ (وزیر خارجه‌ی هیتلر از ۱۹۳۸ تا ۱۹۴۵) است. اینگونه کارگزاران برای حفظ موقعیت و منافع خود حاضرند روز را به عنوان شب معرفی کنند و همه‌ی واقعیات و قوانین را نادیده بگیرند تا روزگاری را در صندلی وزارت و وکالت بنشینند.

چهره‌هایی مثل محمدجواد ظریف و صدها دانشگاهی و غیردانشگاهی درس خوانده و خارج رفته مثل او که در خدمت نظام اسلامی هستند فقط حامی سیاست‌های ضدانسانی رژیم نیستند بلکه تهوع‌آورند. به علت همین تهوع‌آوری است که می‌توانند معتمد سران مافیای قدرت در ایران باشند چون به هر کاری می‌توانند دست بزنند. با وجود کسانی مثل ظریف و ولایتی و خرازی در ایران وزرات خارجه وجود ندارد؛ وزارت خارجه بخش تدارکات خارجی دستگاه تروریسم و پولشویی و خرید اسلحه و تجهیزات ساخت سلاح‌های کشتار جمعی رژیم است. حسین موسویان (نماینده‌ی رژیم در نیوجرسی) از نمونه‌های بارز این الگوی رفتاری در وزارت خارجه است.

ظریف و فُن ریبِنتروپ

از شخصیت‌هایِ نظام نازی آلمان که برای افکار عمومی کمتر شناخته شده همین فُن ریبِنتروپ است. گوبلز (وزیر تبلیغات)، هیملر (رئیس پلیس)، و مولر (رئیس گشتاپو یا پلیس مخفی) برای عموم شناخته شده‌ترند اما نه وزیر خارجه‌ی رژیم هیتلری. فن ریبِنتروپ درست مانند ظریف از این جهت توسط هیتلر انتخاب شد که با غرب آشنایی داشت. اگر ظریف قبل از وزارت نماینده‌ی جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل بود، فن ریبنتروپ هم سفیر آلمان در بریتانیا بود. او نیز مانند ظریف (برای فرماندهان سپاه پاسداران) از منظر سران حزب نازی فردی کم‌استعداد و کند تلقی می‌شد و به وی اعتماد کافی نداشتند اما به دلیل کرنش در برابر پیشوا و دستبوسی مداوم و نیز کار با لابی آلمان در بریتانیا در این مقام قرار گرفت. نقش وی در قرارداد فولاد با ایتالیا و عدم معارضه با روسیه را می‌توان با برجام ظریف مقایسه کرد. آلمان نازی با این دو قرارداد تقویت شد همانطور که برجام خزانه‌ی جمهوری اسلامی را پر کرد. در آن دوره رهبران فاشیست ایتالیا و کمونیست‌های روسی همان نقشی را برای افزایش قدرت نازیسم بازی کردند که دولت اوباما و جان کری برای جمهوری اسلامی.

نگاه هیتلر به فن ریبنتروپ با نگاه خامنه‌ای به ظریف کاملاً قابل مقایسه است. هم «رهبر» و هم «پیشوا» این دو وزیر خارجه را می‌خواستند اما به نحوی تضعیف شده و در حاشیه تا تنها حامل نامه‌ها و پیام‌های آنها به رهبران خارجی باشند و از خود نظری نداشته باشند. هر دو پادوهای پیشوای‌شان بودند. فن ریبنتروپ در سال ۱۹۴۵ بعد از پایانِ جنگ بازداشت و در نورنبرگ محاکمه شد درست انتظاری که میلیون‌ها ایرانی برای ظریف بعد از سقوط جمهوری اسلامی دارند.

آدولف هیتلر و فُن ریبِنتروپ

سیاست یاغیگری

چه هفت مایل و چه هفت هزار مایل، ظریف و دیگر کارگزارن نظام نکبت می‌دانند که در دنیا مناطقی به اسم آب‌های آزاد وجود دارند که جمهوری اسلامی نیز در آنها کشتیرانی می‌کند: غله و اتومبیل لوکس می‌خرد و نفت می‌فروشد و مواد مخدر قاچاق می‌کند. وقتی کشتی‌های نفت متعلق به مردم ایران به آب‌های مدیترانه می‌روند و برای اسد خوش‌خدمتی می‌کنند تا برای همسرش تابلوی ۳۰ میلیون دلاری بخرد، دارند از آب‌های بین‌المللی استفاده می‌کنند. در دنیا همه چیز برای جمهوری اسلامی یکطرفه است. آب‌های آزاد و همه‌ی آزادی‌ها فقط برای جمهوری اسلامی است. آزادی مذهب و تاسیس مساجد شیعه در آمریکا و اروپا، آزادی مذهب و حق شیعیان است اما در ایران وجود خارجی ندارد. اگر فاصله ملاک آزادی‌هاست آقای ظریف هفت هزار مایلی و دوستان وی در کوئینز نیویورک در ایام عاشورا و رمضان چه می‌کنند؟ جمهوری اسلامی در هفت هزار مایلی خود در آمریکای لاتین در ونزوئلا چه می‌کند؟

تحریک‌شان نکنیم

چرا ظریف برای پاسخ به ترامپ از ایده‌ی تحریک استفاده می‌کند؟ این ایده در میان چپ‌های غربی و رسان‌های فاسد و بزدل آنها در برابر کمونسیم، فاشیسم و اسلامیسم تبلیغ شده است که نباید دیکتاتورها، تروریست‌ها و قلدرها را تحریک کرد؛ باید با آنها مدارا کرد، به آنها باج داد، برایشان تریبون فراهم کرد (سخنرانی احمدی نژاد در دانشگاه کلمبیا یا انتشار مقالات پوتین و ظریف در نیویورک تایمز، چون رسانه و بوق به اندازه‌ی کافی ندارند)، به نهادهای‌شان مجوز فعالیت داد (مراکز اسلامی شیعه در آمریکای شمالی)، در مواردی با آنها همراهی کرد (مثل پوشاندن مجسمه‌های رنسانس در ایتالیا در سفر روحانی) و آنها را بزرگ داشت (تعاریف و تمجیدهای جان کری از قاسم سلیمانی) تا کمتر آسیب برسانند. این نظر اگر با رفتار فاشیست‌ها در جنگ دوم جهانی و رفتار کمونیست‌ها با هفتاد سال سرکوب در اروپا و آمریکا و آسیا نقض نشده باشد در ۴۱ سال گذشته با رفتار جمهوری اسلامی نقض شده است. بیل کلینتون زمانی که فرصت داشت اسامه بن لادن را حذف نکرد و دست نگاه داشت تا او بعدا بتواند بیش از سه هزار نفر را در ایالات متحده بکشد. دولت کارتر در برابر روی کار آمدن خمینی نایستاد تا تفنگداران آمریکا در بیروت سلاخی شوند.

علی خامنه‌ای و محمد جواد ظریف

سیاست محال

وقتی جمهوری اسلامی سیاست خود را اخراج نیروهای آمریکایی از منطقه معرفی می‌کند (بر خلاف همه‌ی مقررات بین‌المللی و موافقت دوجانبه‌ی برخی کشورهای حاشیه‌ی خلیج فارس با ایالات متحده) مشاطه‌گران و دلالان نظام اسلامی در رسانه‌های غربی آن را به معنای «غرور ملی» و «دفاع از خود» یا تبلیغات داخلی تفسیر می‌کنند اما رژیم بر اساس این سیاست دارد عمل می‌کند که در نقطه‌ای با وجود خویشتنداری نیروهای آمریکایی ممکن است به برخورد نظامی بینجامد. البته بلافاصله بعد از برخورد نظامی، این دولت ایالات متحده است که سرزنش خواهد شد و همه‌ی قلدری‌های فرماندهان سپاه پاسداران و روحانیت حاکم فراموش می‌شود.

وقتی راه رفتن در خیابان تحریک کننده است

مقامات جمهوری اسلامی و اسلامگرایان آدمخوار برای سرکوب دیگران و نقض حقوق آنها نیازی به تحریک ندارند. همینکه عده‌ای از آنها اطاعت نکنند (زنان ایرانی) یا وجود داشته باشند (بهاییان) یا زندگی کنند (نوشتن و خواندن و پارتی رفتن برای همه‌ی ایرانیان) تحریک کننده است. مقامات جمهوری اسلامی در اعمال سیاست‌های اقتدارگرایانه، تمامیت‌خواهانه و گسترش‌طلبانه‌ی خود نزده می‌رقصند و حذف می‌کنند چون حکومت تمام دنیا را می‌خواهند.

از منظر اسلامگرایان و کارگزاران نظام نکبت و فلاکت، صرف وجود افراد و باورهایی که مورد نظر نظام تمامیت‌خواه نیست تحریک کننده است. زنی که در خیابان راه می‌رود تحریک کننده است و باید خود را در گونی پنهان کند. برای برخی از اسلامگرایان زنان حتی از روی چادر تحریک کننده‌اند و باید در خانه بمانند. تک تک ایرانیانی که هر روز مورد سرکوب نظام قرار می‌گیرند از منظر حکومت دینی تحریک کننده‌اند و باید بساط‌شان را از محدوده‌ی تحت حکومت خود جمع کنند.

میلیاردها تن باید کره‌ی خاکی را ترک کنند

همه‌ی ایرانیانی که امروز هفت تا ده هزار مایل دور از زادگاه خود زندگی می‌کنند یا توسط حکومت کشته شده‌اند به نحوی سپاهیان پاسدار و تبلیغاتچی‌های حکومت را تحریک کرده‌اند با نوشتن، فیلم ساختن، سوار شدن بر هواپیمای اوکراینی، گذراندن زندان خود در دهه‌ی شصت، درخواست پرداخت حقوق معوقه، خوردن، نوشیدن، رقصیدن، آواز خواندن، کوهنوردی، بوسیدن، انتشار مجله و کتاب، کوتاه کردن موی جنس مخالف در آرایشگاه، رژ لب زدن، و هزاران کار دیگری که برای نظام تحریک کننده بوده است. تمام نویسندگان و فعالان سیاسی که در ایران قطعه قطعه و در پشت ون خفه و در بیابان‌ها رها شدند سپاهیان پاسدار و روحانیت حاکم را تحریک کرده بودند. جوانان عراقی که به فساد حکومت‌شان اعتراض دارند از بالای بام‌ها شکار می‌شوند چون اعضای حشدالشعبی را تحریک می‌کنند. کودکانی که توسط سعید طوسی مورد تجاوز جنسی واقع شدند وی را تحریک کرده بودند. اگر به اعمال روزمره‌ی هشت میلیارد نفر در دنیای امروز نگاه کنید اعمال میلیاردها تن از آنها روحانیت شیعه و بسیج و سپاهیان را تحریک می‌کند چون با شریعت تمامیت‌خواه و گسترش‌طلبی آنها در تضاد است.